



پنجشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۶۱ - شماره ۱۰۰ ریال (خارج از کشور معادل دو دلار)

شماره ۱۴۴

• گزارشی از اعتصاب
دو کارخانجات "ایران سایا" (رنو)
• زندگی نامه های مجاهدین شهید
محمد ورقیه مصباح و عباس عطاپور
• مصدق، پیر بزرگ احمد آباد (شعر)

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت
درباره رد قطعنامه شورای امنیت
سازمان ملل متحد
و هرگونه میانجیگری صلح و اعلام
ادامه جنگ از جانب رژیم خمینی

دو صفحه ۵

پیام مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت شانزدهمین سالگرد فقدان رهبر فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق

بنام خدا
بنام ایران و بنام آزادی
ملت شریف و آزاده ای ایران!
شورای ملی مقاومت، در
شانزدهمین سالگرد درگذشت دکتر
محمد مصدق، پیشوای فقید
نهضت ملی ایران به روان پرفروش
او درود می فرستد و نقش تاریخی
او در راهگشائی و رهبری مبارزات
ضد استعماری ملت ایران را
گرامی می دارد. نقش بزرگ و
راهبرانه ای که با سرعت فراتر از
مبارزات کشور، الهام بخش
مبارزات ضد استعماری ملت تحت
سلطه گردید. چنانکه بحق
می توان و باید از "دکتر مصدق"
بخوان راهگشای مبارزات رهایی-
بخش و ضد استعماری ملت تحت
سلطه جهان سوم، تجلیل کرد.
از سوی دیگر، سازش ناپذیری
و استقامت و فداکاری مصدق
فقید، در راه استقلال و آزادی
ایران، برای همیشه بر تارک
مبارزات رهایی بخش ملت ما
خواهد درخشید و منبع الهام و
آموزش برای نسل ها و مبارزات
پس از مصدق بوده و خواهد بود.
بقیه در صفحه ۳

سرمقاله

کاهش بهای نفت و تشدید بحران اقتصادی رژیم خمینی

اکنون بحران اقتصادی رژیم خمینی همراه با پایین آمدن قیمت نفت شدت و حدت جدیدی یافته است. بحرانی که - با توجه به مقاومت انقلابی مسلحانه و سرنویشتن مازنی که در میهنمان جریان دارد و با توجه به جنگ خانمانسوزی که با سرنویشتن رژیم، گره خورده است - چون از مبنا و عنصر اصلی اقتصاد تک پایه خمینی (یعنی نفت) برمی خورد، لاجرم تأثیرات اجتناب ناپذیری بر سایر ارکان حکومت خمینی خواهد داشت و هم اکنون نیز آثار آن در رابطه با تضادهای درونی هیئت حاکمه، سیاست های اقتصادی و اجتماعی و همچنین سیاست خارجی رژیم به چشم می خورد. ...
مقدمتاً یادآوری نمائیم که در تاریخ معاصر ایران، بویژه در رابطه با موقعیت جغرافیائی و استراتژیک کشورمان، نفت همواره چه در رابطه با سیاست های اقتصادی و اجتماعی و چه در رابطه با سیاست های خارجی رژیم های حاکم، نقش ویژه ای بعهده داشته است تا جایی که حتی در مقاطعی (نظیر دوران ملی شدن صنعت نفت) از یک طرف محور اصلی، مظاهر استعمارگران و از طرف دیگر محور اصلی مبارزات استقلال طلبانه مردم ایران متوجه آن بوده است. گوناگونگی در اوضاع و احوال کنونی جهان بعزل گوناگون مرحله گش و استخراج منابع جدید نفت و یا استفاده از سایر انرژی ها، نفت ایران نقش ویژه ای سابق را در بازارهای جهانی ایستاد داشته و با آنجا که به اقتصاد تک پایه ایران برمی گردد، نقش ویژه ای در تقویت خود را حفظ کرده، بلکه چه در زمان شاه و چه در دوران خمینی روز بروز سهم بیشتری از درآمد بودجه ای مملکت را به خود اختصاص داده است.
در این مقاله برای تشریح بحران اقتصادی کنونی رژیم ابتدا بحران اقتصادی زمستان گذشته و چگونگی خروج موقت خمینی را از آن مرور می کنیم.
اواخر پائیز و زمستان گذشته بحران اقتصادی سرپای رژیم را فرا گرفته بود. گزارشات واصله از سایرترین مقامات بانک مرکزی حکایت از آن داشت که ذخیره ارزی رژیم به حدود ۶۰۰ میلیون دلار تقلیل یافته بود. دولت هیچگونه اعتباری حتی برای کالاهای اساسی مربوط به ارزاق عمومی نمی گنجید و بهمین خاطر بقیه در صفحه ۲

جنگ، بودجه و تورم

رژیم خمینی، برای تامین هزینه های گوناگون جنگ بی دربی بودجه های هنگفتی در هیئت دولت بتصویب می رساند. منجمه چند روز پس از تهاجم اخیر به عراق، متناوباً ارقامی نظیر ۵۰ میلیون، صد میلیون و حتی ۵ میلیارد ریال و... در این زمینه بتصویب رساند. البته تخصیص مکرر چنین مبالغ کلانی جدای از بودجه های چند صد میلیارد ریالی است که در لوایح مربوط به بودجه برای هزینه های مختلف مربوط به جنگ هر ساله بقیه در صفحه ۶

آموزش های ویژه تیم ها و هسته های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

پس از درج سلسله مقالات نظامی "از سری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق بیاموزیم" در نشریه مجاهد، سوالات زیادی در رابطه با مسائل نظامی در شبک گنونی، بویژه برای هسته های مقاومت در دست داشتیم. بخش اعظم این سوالات از جانب نیروهائی است که پس از تشکیل هسته ها راهمت مسلح، در مسیر انجام دادن عملیات نظامی گام بقیه در صفحه ۷

خانواده های مجاهدین در نبردی قهرمانانه بر علیه خمینی ضد بشر

تهاجم مسلحانه به یک نفر بر حامل یاسداران اختناق در اصفهان

در این تهاجم قهرمانانه حداقل ۲ مزدور خمینی بهلاکت رسیدند و ۱۲ مزدور دیگر زخمی میشوند
بقیه در صفحه ۳

مؤخره سال پیش، رژیم موجودیت مجاهدین خلق با دستهای توانای نیکیکنندگان کبیر سازمان مجاهدین خلق ایران (محمد حنفی نژاد - سعید محسن - علی اصغر بدیع الزکری) برافراشته شد و از آن زمان تاکنون مبارزه بی امان مجاهدین در مسیری برپیچ و خم و خونین و دشوار ادامه دارد و بی تردید این مبارزات و جانفشانیها تا بیوزی بقیه در صفحه ۱

کاهش بهای نفت و تشدید بحران اقتصادی رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

کمبود مایحتاج عمومی که از آغاز جنگ ایران و عراق شدت یافته بود، به نقطه‌ی اوج خود رسید. رژیم قدرت خرید سلاح حتی قطعات و لوازم یدکی هواپیماهای خود را نداشت. از نظر مهمات نیز کاملا در مضیقه بود بطوری که شلیک گلوله‌ی توپ نیز می‌بایست با اجازه‌ی فرماندهان صورت گیرد. میزان قرض دولت از بانک مرکزی آنچنان بی‌سابقه افزایش یافته بود که در مقیاس‌های مشابه، دولت ورشکسته محسوب می‌گردد. در این رابطه چنانکه می‌دانیم برادر مجاهد مسعود رجوی در "جمع بندی یکساله‌ی مقاومت" گفته بود:

"... مطابق گزارشات مستند و موثق، در اوایل زمستان سال ۶۰ رژیم نه آنچنان پولی داشته و نه آنچنان سلاحی که بتواند هم از پس بحران اقتصادی شدیدی که گریبانگیرش بود بر بیاید و هم از پس جنگ‌هایی که بعدا با عراق کرد. زیرا رژیم، یک قلم ماهانه لااقل ۱/۲ میلیارد دلار مصرف ارز خارجی دارد (عمدتا هم برای واردات). لیکن در آن تاریخ، کل ذخائر ارزی، ششصد - هفتصد میلیون دلار، بیشتر نبود.

خوب، حالا می‌شود گفت که طلا فروخته، اخاذی کرده و فشار به مردم آورده؛ همگی اینها درست، اما بالاخره یک کمک‌ها و اعتبارات خارجی کلانی هم در کار بوده. حراج بین المللی نفت و تقدیم "نیم‌بها"ی آن به شرق و غرب عالم هم که جای خود را دارد. در مورد سلاح هم پارامتر خارجی به ترتیب خیلی تعجب‌آوری به نفع رژیم وارد شد که گویای بسیاری مطالب آشکار و پنهان است که فعلا قصد ورود به آنها را ندارم. اما بالاخره دیدیم که فی‌المثل، هم از سوره حمایت مادی و معنوی (یعنی سیاسی) دریافت می‌کرد و هم در همان زمان از اسرائیل، اسلحه و بخصوص سلاح‌های پیچیده، می‌گرفت..."

بهر حال آن موقع، افلاس و ورشکستگی رژیم - چه برای مردم و چه حتی برای کشورهای دیگر - آشکار بود ولی رژیم خمینی در فضای بی‌سابقه‌ترین سرکوب و شکنجه و اعدامی که در پیش گرفته بود، با خیانتی عظیم در به تاراج دادن نفت، موقتاً بحران اقتصادی خود را از سرگرداند. باین ترتیب که علاوه بر اعمال سیاست اختناق و ترور مطلق، با حراج خیانت‌بار نفت، توانست هزینه‌های جنگ و کمبودهای ارزی خود را موقتاً تامین نماید. نفت‌تیران حدود پیشگامی و دلار را از تنگناز نفت کشورهای مشابه به خریداران عرضه شد. گرچه رژیم با تبلیغات

عوام‌فریبانه‌ی خود چنین وانمود می‌کرد که نفت خود را از طریق پایاپای به کشورهای کوچک می‌فروشد ولی صرف نظر از آنکه همین فروشهای پایاپای نیز در مواردی حتی تا پیشگامی دوازده دلار نیز حراج شده بود، نفت ایران بطور مستقیم و غیر مستقیم با همان قیمت حراج شده‌ی فوق‌الذکر به انحصارات بزرگ نفتی و حتی اسرائیل سرازیر گردید.

استمرار حراج خیانت‌بار نفت ایران توسط خمینی بتدریج زمینه را برای تنزل قیمت رسمی نفت در بازارهای جهانی آماده ساخت و بالاخره تلاش‌های رژیم خمینی در جهت دو برابر کردن سهمیه‌ی صدور نفت خود (که ماه‌های آن می‌بایست از سهمیه‌ی صدور سایر کشورهای گمرکی می‌گرفت) آخرین نشست کشورهای صادرکننده‌ی نفت (اوپک) در وین که برای تثبیت قیمت نفت در همان پیشگامی ۳۴ دلار قبلی در وین تشکیل شده بود، دچار شکست کرد.

پس از شکست گرده‌های اوپک در وین، بتدریج تعدادی از کشورهای عضو اوپک برای جلوگیری از افت صدور نفت خود به ناچار قیمت نفت خود را بطور رسمی تنزل دادند و باین ترتیب آثار خیانت ناشی از سیاست حراج نفت توسط رژیم خمینی در داخل مرزهای ایران محدود نموده و دامنه‌ی سایر کشورهای عضو اوپک را نیز گرفت. به این ترتیب اساسا این سیاست خیانت‌بار خمینی در رابطه با نفت سایانه تقریبی یک صد میلیارد دلار از گیسوی کشورهای صادرکننده‌ی نفت به جیب انحصارات نفتی سرازیر نموده است و بدیهی است که کاهش عظیم درآمد نفت برای کشورهای عضو اوپک زمینه را برای تحمیل‌های جدید سیاسی به کشورهای فوق‌الذکر هموار تر خواهد ساخت. بهر حال بحران اقتصادی رژیم خمینی که موقتا آن را با افزایش صدور نفت از طریق حراج آن تخفیف داده بود، اکنون مجدداً و در ابعاد وسیع‌تر، تشدید گردیده است. چرا که رژیم خمینی پس از کاهش بهای نفت در بازار جهانی بایستی برای حفظ میزان صدور نفت خود بازهم از قیمت آن بکاهد و این در شرایطی است که از امکانات لازم برای افزایش تولید و صدور نفت به منظور جبران کاهش درآمد خود نیز برخوردار نیست. لذا مطمئناً درآمد حاصل از فروش نفت توسط رژیم خمینی هم‌اکنون کاهش یافته و در آینده بازهم بیشتر کاهش خواهد یافت. با توجه به اینکه رژیم خمینی طی یک دوره‌ی یکساله بحران شدید اقتصادی خود را اساسا به

انگاز نفت تخفیف داده، این کمبود درآمد در حالی که بهیچوجه هزینه‌های رژیم بخصوص تا زمانی که جنگ ادامه داشته باشد کاهش نخواهد یافت (بآسانی از منابع دیگر قابل تأمین نیست. لذا به تنها منبعی که برای جبران کاهش درآمد خود سراغ دارد یعنی غارت و چپاول بیشتر مردم روی می‌آورد. به همین خاطر است که هر روز بر فشار مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم همچنین افزایش سرسام‌آور انواع و اقسام عوارض می‌افزاید و همگی اینها سواً آن غارتگری‌ها نیست که بزور سرنیزه تحت عنوان کمک به جبهه‌های جنگ و یا حمله و فریب‌های باصطلاح شرعی صورت می‌گیرد. در همین رابطه است که می‌بینیم خمینی حتی صحبت از گرفتن "گناه" مردم می‌کند و خامنه‌ای از وجود "نقدیگی" زیاد در دست مردم می‌نالند! و رفسنجانی بیکار پس‌انداز مردم را محاسبه کرده و کیسه گشاد خود را برای سی‌میلیارد تومان خمسن می‌گشاید و بیکاردهان برای بلعیدن صد و پنجاه میلیارد تومان وجوه شرعی! بازی‌کننده بایستی برای حل مسائل اقتصادی رژیم از مردم دریافت شود.

خلاصه کنیم: رژیم خمینی بحران شدید اقتصادی خود را در سال گذشته با تگاز حراج خیانت‌بار نفت تخفیف داد و اکنون در حالی که هزینه‌های سرسام‌آور جنگ همچنان ادامه دارد و در حالی که رژیم دیگر قادر به تأمین درآمد خود از طریق صدور نفت نیست بناچار به غارت و چپاول مستقیم مردم روی آورده است. روشی که مسلماً قادر به حل قاطع بحران اقتصادی رژیم نخواهد بود. بلکه به هر میزان که بتواند به این طریق از مشکلات اقتصادی خود بکاهد، بطور مضاعف بر ناراضی‌های اجتماعی و همچنین بر تضادهای درونی خود خواهد افزود. بحران‌های افزاینده و در تسلسل تبدیل مشکلات سیاسی و مسائل اقتصادی و اجتماعی رژیم خمینی به یکدیگر بچنان نقطه‌ای رسیده است که برای مقابله با آن نیز، (تا آنجا که بتواند) بر افزایش اختناق و سرکوب عمومی خواهد افزود. البته بدیهی است که چون تیزی شمشیر اختناق و سرکوب، در مصاف با مقاومت گسترده و سراسری ۱/۵ سال گذشته کند گردیده است، رژیم خمینی هرگز از قدرت و توانائی مکتبی برای رودرروئی با بحران‌های فزاینده‌ی اقتصادی - اجتماعی و گریز از سقوط محتوم رژیمش برخوردار نخواهد بود.

* * *

خاتمه دادن به رابطه با جوامع

شاهی و بختیاراویسی و...
محافل نزدیک به مسعود رجوی تاکید نمودند که این دیدار خواست رسمی عراق بوده و صدور بیانیه‌ی مشترک شرط برگزاری آن بوده است. همین منابع اظهار نمودند که این دیدار ۵ ساعت بطول انجامید و طرفین به تبادل نظر پرداختند. دوطرف منطق جنگ را رد کرده و خواستار پایان دادن فوری به آن شدند. طرف ایرانی از وضعیت اسرای جنگی ایران توضیح خواست و نیز اعتراض خود را نسبت به بمباران مناطق شهری ابراز نمود. این محافل دعوت عراق از نماینده‌ی شورای ملی مقاومت جهت بازدید از وضعیت اسرای ایرانی را یک قدم مهم و آغاز سرنگونی رژیم خمینی، که نمی‌تواند رجوی و مجاهدین خلق را به دسیسه‌چینی با دشمن عراقی متهم کند، به حساب آوردند.

روزنامه لبنانی الحوادث:

دیپلماتیک در پایتخت فرانسه را جلب نموده و آنان در این مورد نظرهای ارائه داده‌اند... الحوادث اطلاع یافته است که حدود یکماه برای این دیدار زمینه‌سازی شده و پس از بحث و تلاشهای زیادی برگزار گردید. اگر تلاشهای ثمربخش شخصی ابوعمار،... نبود، چنین دیداری برگزار نمی‌شد. این تلاشها و بحثها با حل مشکلات و توافق بر روی مسائل اساسی زیرین صورت گرفت:

- برسمیت شناختن پیمان الجزایر
- عقب‌نشینی نظامی از تمامی اراضی ایران
- عدم دخالت در امور داخلی دو کشور
- برسمیت شناختن حاکمیت مردم دو کشور (این بطور غیرمستقیم نفی مفهوم ولایت فقیه است)

توضیح: الحوادث چاپ لبنان تفسیری پیرامون ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست وزیر عراق منتشر ساخته است گویا شده‌ی این تفسیر به شرح زیر می‌باشد:

دیدار ناگهانی طارق عزیز و مسعود رجوی در "اورسور-اواز" در نزدیکی پاریس توجه محافل منظور این مجله نامهای بود که وزارت خارجه‌ی ایران برای برقراری روابط با عناصر صهیونیستی به سفارتش در آنکارا داده بود. این مجله اظهار داشت که روابط با دشمن اسرائیلی منطقی است و هیچ تعجبی ندارد و رژیم ایران نمی‌تواند از رژیم صهیونیستی دور شود.

از صفحه آخر

روزنامه "عکاظ" چاپ عربستان سعودی:

"القیس" در رابطه با حملات مقامات تهران و رد پیشنهادات مسالمت‌آمیز عراق برای راه‌حلهای دیپلماتیک، هشدار داد. در ابوظبی روزنامه‌ی "الاتحاد" موج اعدام‌ها توسط رژیم ایران را ذکر کرده و گفت که رژیم ایران دست به اعدام‌ها و دستگیری‌های زیادی بر علیه اتحادیه‌های کارگری و گروههای سیاسی مخالف در تمام کشور زده است. همچنین دستگیری‌هایی در واحدهای ارتش و شهرهای و پاسداران صورت گرفته و تا حالا حدوداً بیش از صد افسر دستگیر شده‌اند. از طرف دیگر مجله‌ی کویتی "الرساله" تاکید نموده که هموطنان عرب برای پی‌بردن روابط رژیم ایران با صهیونیستها هیچ احتیاجی به مدارک منعکس شده در هفته‌ی گذشته ندارند.

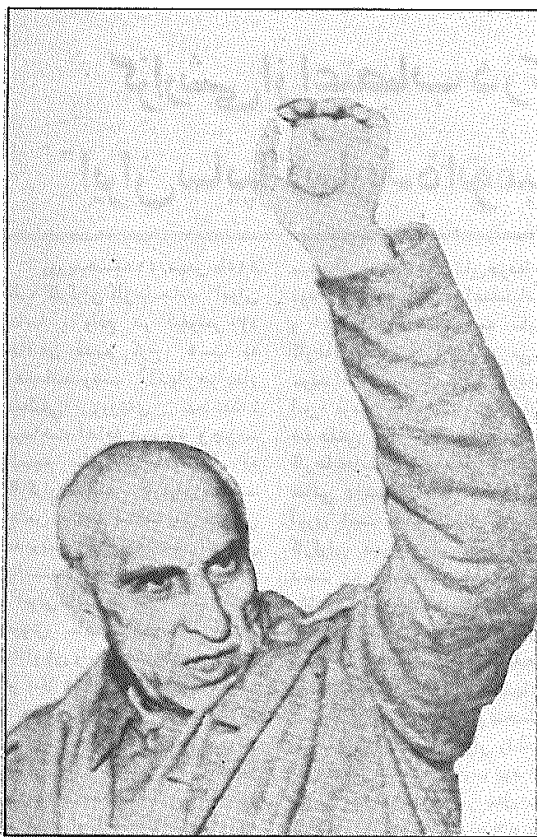
عکاظ - آقای مسعود رجوی رهبر سازمان ابو زبیبون مجاهدین خلق ایران در مصاحبه‌ی یک روزنامه‌ی هندی تاکید نموده که سرنگونی رژیم خمینی امری حتمی است رجوی در صحبت‌هایش با روزنامه‌ی مزبور در پاریس بیان نمود که ارتش ایران تاکنون در چندین پادگان بر علیه رژیم خمینی سرکشی نموده است. وی گفت که مقامات تهران قصد خاتمه جنگ با عراق را ندارند. رژیم از این وحشت دارد که ارتش ایران قیام کرده و رژیم دیکتاتوری‌اش را سرنگون سازد رجوی از کشورهای صلح - دوست خواسته است که کلیه‌ی کمک‌ها را به رژیم خمینی قطع کنند. زیرا این کمک‌ها در کشتار و شکنجه‌ی فرزندان خلق مسلمان ایران بکار می‌روند. در کویت روزنامه‌ی کویتی

بقیه از
صفحه اول

پیام مسئول شورای ملی مقاومت

بمناسبت شانزدهمین سالگرد فقدان

رهبر فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق



می‌شود؛ اکنون مهمترین و اولی‌ترین وظیفه‌ی ما در حق سبیل و رهبری همچون مصدق کبیر همانا مبارزه و مقاومت در برابر دیکتاتوری ضدملی خمینی بمنظور کسب آزادی و استقلال ملی است. وظیفه‌ی کمرشیدترین فرزندان ملت ایران با دلاوری و فداکاری تمام بدان قیام کرده و هم‌اکنون پرچم عزت و شرف میهن را به نشانه‌ی عزم پایدار و جاودانه‌ی ملت ایران برای حراست از آزادی و استقلال ملی، در هر کوی و برزن و در تمامی سنگرهای مقاومت انقلابی و سلحخانه بر دوش‌های خونین خویش حمل می‌کنند. از سوی دیگر همچنانکه در برنامه‌ی شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران آمده است: "در همینجا بسیار ضروری است که به اتبام و سرکوب ارتجاعی همه‌ی ارزشهای اصیل و ترقی‌خواهانه‌ی ملی از جانب خمینی اشاره کنیم. چنانکه در عمل به ثبوت رسید ارتجاع حاکم برغم برخورداری از ریاکارانه‌ی پیشین، هرگونه ملی‌گرایی و میهن‌پرستی را اساسا مردود شمرد و سرکوب نمود. این نحوه‌ی برخورد، اگرچه به یک نوع جهان‌وطنی و نفی مرزها و حدود سرمایه‌داری تظاهر نموده، و حسب‌المعمول فرصت‌طلبان دست‌راستی را به طمع می‌انداخت، اما در حقیقت آرزوهای برپاد رفته‌ی قرون وسطایی را نمایندگی میکرد که متأسفانه تحت لوای اسلام عرضه می‌شود. پس هدف در یک کلام این بود که همه‌ی موانع ترقی-خواهانه‌ی ملی و میهنی بر سر راه دیکتاتوری ارتجاعی منکوب شود. بارزترین نمود این حقیقت را می‌توان در تحقیر و توهین به پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق، والگوسازی مرتجعین قهاری چون شیخ فضل‌الله و کاشانی، که بگرات از جانب خمینی تکرار شده، باز یافت. در این مسیر خمینی تا آنجا پیش رفت که آشکارا

کما اینکه هم‌اکنون نیز، شورای ملی مقاومت، که درگیرودار گسترده‌ترین و عظیم‌ترین مقاومت متحد تاریخ کشور، برای کسب آزادی و استقلال ملی است، خود را، تداوم و ارتقاء تاریخی راه مصدق می‌شناسد و مدیون درس‌آموزی، از مکتب سازش-ناپذیری و استقامت و فداکاری رهبر فقید ملت ایران می‌باشد. همچنین شورای ملی مقاومت مفتخر است که با آموزش‌ازهمی تجارب تلخ و شیرین مبارزات "مصدق‌کبیر"، در این برهه‌ی ساس تاریخی به یکی از آرزوهای او (که البته آرزوی تاریخی ملت و همه‌ی نیروهای ملی ایران بوده است) جامه‌ی عمل پوشانده و به مثابه‌ی محور تشکل و جبهه‌ی متحد نیروهای ملی و استقلال‌طلب و آزادی‌خواه ایران، یکی از کمبودهای بزرگی را که مصدق فقید نیز در دوران مبارزات خود، از فقدان آن بسی رنج می‌برد، مرتفع ساخته است. امری که مضاف بر زمینه‌ها و شرایط اساسا متفاوت و تغییرات تکاملی مبارزات امروز با دوران مصدق فقید؛ طیف دشمنان رنگارنگ استقلال و آزادی ایران از خمینی‌گرایان گرفته تا بقایای شاه و حزب توده را که همچون دوران مصدق، اینبار نیز بر برابر ما صف‌آرایی نموده‌اند، بکلی مایوس نموده و کمترین محالی برای سودجویی فرصت‌طلبانه تحت نام مصدق باقی نگذاشته است. بویژه که اکنون ما با زهم با الهام از آخرین رهنمودهای پیشوای فقید، بر مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه در مسیر آزادی و استقلال پایدار میهنمان تاکید نموده و در مصوبات خود آن را حائز نقش محوری شناخته‌ایم.

هموطنان عزیز!

از آنجا که فداکاری به هر آرمان و سبیل والای ملی یا عقیدتی، تنها با عیار تداوم راه و فداکاری و جانفشانی و مبارزه در راه آن، محک زده

بخاطر "سیلی خوردن" مصدق از آمریالیستها، "شکر" گذاری نمود!

بنابراین، نجات انقلاب ایران و کسب آزادی و استقلال ملی و حاکمیت مردمی، دقیقا ملازم با نجات ارزشها، فرهنگ و هویت اصیل و ترقی‌خواهانه‌ی ملی و میهنی است. این ضرورت، آموزش و ترویج گسترده‌ی مفاهیم و ارزش‌های اصیل ملی و ایرانی و تشریح تفاوت آنها با ملی‌گرایی ارتجاعی و شوونیستی را ایجاب میکند.

علیهذا در سالگرد درگذشت رهبر فقید نهضت ملی ایران، بجاست که از همه‌ی شیفتگان و علاقمندان مصدق بخواهیم، که با پشتیبانی و حمایت هرچه فعالتر از نیروهای مقاومت و شورای ملی مقاومت در داخل و خارج کشور، ایمان و وفاداری خود به مصدق و آرمان او را، عملا به اثبات و تحقق برسانند. بدیهی است که این اولین و بزرگترین وظیفه‌ی ما در بزرگداشت و گرامی‌داشت یاد و راه مصدق محسوب می‌گردد.

ملت شریف ایران!
مقاومت و مبارزه‌ی ما در مسیر استقلال و آزادی، که از سبیل‌هایی همچون مصدق الهام گرفته و از پشتوانه‌های غنی و گرانقدر تاریخی همچون مبارزات او برخوردار است، در پرتو همه‌ی خونها و فداکاریهای عظیمی که امروز نثار آن می‌گردد، بی‌تردید به پیروزی بزرگ خود دست خواهد یافت. آنگاه نسل سرافراز مقاومت همه‌ی موازیت ارجمند تاریخی خود را بیشتر باز خواهد شناخت و برای بنای ایرانی دموکراتیک و آزاد و مستقل، با فرهنگی پر بار و سرشار بکار خواهد پرداخت.

مرگ بر خمینی - سلام بر مصدق
سلام بر آزادی
مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی

تهاجم مسلحانه به یک نفر بر حامل پاسداران اختناق در اصفهان

در این تهاجم قهرمانانه حداقل

۲ مزدور خمینی به لاکت رسیده

و ۱۲ مزدور دیگر زخمی میشوند

مقارن ساعت ۷/۳۰ دقیقه بامداد روز ۴ اسفند یکی از واحدهای مقاومت سجاد خلق با یک تهاجم برق‌آسا و دلاورانه یکی از نفربرهای حامل پاسداران اختناق در اصفهان را با پرتاب بمب درهم کوبیده و آنرا منهدم کردند. این عملیات در حالی صورت گرفت که یکی از رزمندگان مجاهد با رسیدن خودروی حامل پاسداران خمینی به فلکه احمدآباد، آن را متوقف کرده و بمب نیرومندی را بدون آن پرتاب کرد.

در این تهاجم قهرمانانه، حداقل ۳ تن از اعضاء سرکوبگر سپاه ضد خلقی اصفهان، به لاکت رسیده و ۱۲ مزدور دیگر بشدت زخمی شدند. یکی از عوامل موثر سپاه پاسداران این شهر بنام حسن حسینی که مستقیما مسئولیت دهها مورد دستگیری شکنجه و اعدام را در این شهر بعهده داشت از جمله کشته شدگان است.

واحد عملیاتی پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات، صحنه عملیات را ترک گفته و سالم به پایگاه خویش بازگشت

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

گزارشی از اعتصاب در کاخانات "ایران سایا" (سازنده اتومبیل های رنو)

مصاحبه مطبوعاتی استاد جلال گنجهای

استاد جلال گنجهای که چند ماه قبل متن اعلام حمایت و پیوستگی ایشان به شورای ملی مقاومت در نشریه اتحادیهی انجمن های دانشجویان خارج از کشور به چاپ رسیده بود هفتهی گذشته در مقر جمعیت حقوق بشر در پاریس، در یک مصاحبهی مطبوعاتی شرکت نمود.
ذیلاً گزارش مصاحبهی ایشان را به نقل از روزنامهی لوموند مورخ ۲۳ فوریه ۸۳ (۱۴/اسفند/۶۱) ملاحظه می کنید:

آیه اللهی که در تبعید در پاریس بسر می برد به مجاهدین خلق پیوست

راه قدس از کربلا (شهر مقدس شیعیان در عراق) می گذرد و از هرگونه کمک به فلسطینیها دریغ کرد و از اسرائیل اسلحه خرید- حتی سلاحهایی را که از سازمان آزادیبخش فلسطین در لبنان صادر شده بود- و بدان نفت فروخت- پس از یادآوری این مطلب که "قتل بجرم داشتن عقیده"، مخالف سنت محمد پیامبر که با حسن تفاهم با یهودیان برخورد می کرد و مخالف سنت علی است" که شیعیان خود را تابع وی می دانند، آیت الله گنجهای اظهار داشت که فرزندان بسیاری از مقامات مذهبی بخاطر مخالفتشان با رژیم و با عضویت در مجاهدین "یا اعدام شده اند و یا در درگیری بقتل رسیده اند". از جمله فرزندان آیت الله غفوری لاهوتی، قاضی، جنینی و همچنین فرزندان گیلانی حاکم شرع نام برد. وی توضیح داد که آیت الله عالمی نمایندهی "امام خمینی" در غرب ایران و همچنین عده ای دیگر به خارج از کشور پناهنده شده اند ولی بدلائل امنیتی از افشای نام دیگران پرهیز کرد. وی به مورد حجه الاسلام مالک الرقابی که در زندان اوین تحت شکنجه قرار گرفت و هم - چنین به حجه الاسلام احمد محدث، یوسف بهرامی، مرتضی احمدی، و حسن یآوری که در زمان شاه زندانی بوده اند و (اکنون) تحت تعقیب قرار گرفته اند و دستگیر شده یا تحت نظارت می باشند. برای نتیجه گیری، آیت الله گنجهای با مقداری اغراق گفت: ۹۰ درصد از ۳۰۰ هزار مذهبی که روحانیت ایرانی را تشکیل می دهند مخالف خمینی می باشند- در پاسخ به این سوال که پس چگونه ثبات رژیم را توضیح می دهد وی گفت حکومت دارای امکانات سرکوب است و از آنجا که روحانیت دارای هیچگونه تشکل منظم نیست بطور پراکنده از خود عکس العمل نشان می دهد. پل بالتا

"تا چند هفته پیش قبل از پناهنده شدن، بدلیل سرکوب و تروری که ملاحظا بر ایران حاکم ساختند بمدت چند ماه بطور مخفی زندگی می کردم. کسی که این اظهارات را در روز دوشنبه ۲۱ فوریه در مقر جمعیت حقوق بشر در پاریس بیان داشت نمیک مخالف غیر مذهبی است و نمیک چریک بلکه یک آیت الله می باشد. وی که عمامه ای سفید بسر دارد و همچون اکثر مذهبیون ایرانی دارای عینک پستی می باشد و دارای ریش خرمائی است، می گوید ۴۰ ساله و اهل رشت واقع در شمال کشور بوده و نامش جلال گنجهای است. وی توضیح داد که از سال ۱۹۶۰ علیه "دیکتاتوری شاه" مبارزه می کرده است و از بهار ۱۹۷۲ تا بهار ۱۹۷۷ در زندان بسر می برده است و از تابستان ۱۹۸۰ بخاطر فعالیتش علیه ارتجاع و دیکتاتوری مجدداً تحت تعقیب قرار گرفت ولی این بار از جانب رژیم اسلامی. وی اضافه کرد که جنبش مذهبی دارای یک جریان "سنت گرا و محافظه کار" که تجسم آن در هیئت خمینی است و یک جریان که وی بدان وابسته است یعنی جریان دمکراتیک که قبلاً در زمان حیاتشان توسط آیت - الله طالقانی و متفکر علی شریعتی نمایندگی می شد و امروز توسط مجاهدین خلق برهبری آقای مسعود رجوی که در فرانسه در تبعید می باشد. طبق گفتهی آیت الله گنجهای خمینی بارها به "دورویی" متوسل گردیده است. (خمینی) که به وجود این دو جریان آگاهی داشت از آیت الله طالقانی تقدیر کرد اما قدرت را بدست "جریان سنت گرا" سپرد. وی اضافه کرد که همچنین (خمینی) از عرفات استقبال کرد و به سازمان آزادیبخش فلسطین قول حمایت داد اما در لحنی حساس اعلام داشت که

معرض بودند که چرا سهمیهی سالیانهی اتومبیل آنها قطع شده و در عوض این اتومبیلها با هزار دوزولک در اختیار باند های وابسته به رژیم گذاشته می شود تا آنها اتومبیل های فوق را با قیمت های بسیار بالاتر از قیمت تعیین شده، در بازار سیاه بفروش برسانند. در طول اعتصاب فوق الذکر، کارگران آگاه و انقلابی از هرفرصتی برای اعتراض و افشگری بر علیه رژیم استفاده می کردند. زوایای مختلف کارخانه، اطافیا، دستشویی ها و... پر شده بود از شعار "مرگ بر خمینی" و شعارهای دیگری علیه سردمداران جنایتکار رژیم خمینی. اما سرانجام، علیرغم تمام تشبیهات ایادی رژیم در کارخانه، آنها موفق شدند کارگران را از ادامهی اعتصاب بازدارند، به همین دلیل جاسوسان انجمن ضداسلامی، دادستانی و سپاه ضد خلقی خمینی را در جریان گذاشتند که بلافاصله چند واحد سرکوب از این دو ارگان ضد خلقی به همراه نمایندهی لاجوردی جلا در به کارخانه اعزام شدند. کارگران علیرغم ورود این پاسداران و نمایندهی دژ خمینی به اعتراضشان ادامه دادند. متقابلاً نیروهای سرکوبگر رژیم که مشاهده کردند جز با خشونت و ارعاب کاری از پیش نمی برند، اقدام به دستگیری گروهی از کارگران (حداقل ۶ نفر) نموده و با زور و تهدید، به اعتصاب کارگران را سرکوب کردند. اما تاثیر حرکت کارگران بهر حال این بود که در مذاکرات بعدی آنها با مدیریت کارخانه، مدیر کارخانه مجبور شد به تعطیلی روزهای پنجشنبه بصورت یک هفته در میان موافقت نماید. منتها بجای آن ساعات کار را به میزان نیم ساعت در هر روز افزایش داد. از طرفی چون این نیم ساعت کار اضافی به زمان شروع کار در صبح افزوده شده، باعث اختلالاتی در رفت و آمد کارگران گشته است. منجمله تعدادی از کارگران که خانه هایشان در شهر ری یا اطراف کرج و سایر نقاط دور است، مجبورند ساعت ۴ صبح هر روز از خانه بیرون بیایند تا سراسر ساعت در کارخانه حاضر شوند.

مزدوران در کارخان حرفه ای بوده و برای سرکوب اعتصابات و اعتراضات کارگران به سایر کارخانجات نیز فرستاده می- شوند! از جمله در سال گذشته این مزدوران بکک پاسداران ضد خلقی در سرکوب اعتصاب کارخانجات "ایران سایا" نقش فعالی داشتند. لازم به یاد - آوری است که در سال گذشته کارگران قهرمان این کارخانه، دست به اعتصاب و اعتراضات مشابهی در جهت احقاق حقوق خود زدند، اما توکلی خائن وزیر ضد کارگری رژیم، مستقیماً به مقابله با اعتراضات و خواسته های مشروع کارگران برخاست و منجمله سهمیهی سالیانهی کارگران را لغو نمود (این سهمیه عبارت بود از فروش یک اتومبیل در سال به کارگران با قیمت تمام شده و نه قیمت رسمی) بهر حال علیرغم شدت یافتن اقدامات ضد کارگری رژیم خمینی اعتراضات کارگران کارخانجات "ایران سایا" متناوباً بصورت های مختلف ادامه یافته و تاکنون به چندین درگیری نیز منجر شده و یکی از مدیران این کارخانه بنام "کانووزیان" نیز توسط کارگران اخراج شده است. در جریان اعتصاب ۲۱ بهمن امسال، بجز ایادی جاسوس رژیم - که تماماً در انجمن ضداسلامی کارخانه جمع شده اند - کلیه کارگران کارخانه، فعالانه شرکت داشتند. (تعداد کل کارگران کارخانجات "ایران سایا" در حدود ۳۰۰۰ نفر می باشد). اعضای انجمن ضداسلامی تنها نتوانستند از تعطیل شدن دفاتر کارخانه واقع در خیابان زنجان و آبعلی جلوگیری نمایند. اما تلاش های ضد انقلابیانشان در محیط کارخانه های اصلی بجائی نرسید. مزدوران سرسپردهی خمینی ابتدا سعی کردند با پخش اعلامیه های متعدد و استناد به سخنان امام جنایتکارشان، کارگران اعتصابی را برسراگر بازگردانند. اما کارگران قهرمان که دیگر عوام فریبی های خمینی خائن برایشان کهنه شده، آنها را به تمسخر گرفتند و بر خواسته های مشروع خویش پافشاری نمودند. کارگران همچنین به غارتگریهای باندهای وابسته به رژیم نیز معترض بوده و بر علیه آن افشگری می کردند. از جمله

روز پنجشنبه ۲۱/بهمن ماه ۶۱ کلیه کارگران کارخانجات "ایران سایا"، واقع در کیلومتر ۱۳ جادهی قدیم کرج؛ دست به اعتصاب زدند. آنها خواستار تعطیلی روزهای پنجشنبه، پرداخت اضافه دستمزد و حق - سهم سالیانهی اتومبیل به کارگران بودند. کارگران، هم - چنین به عدم لیاقت ویی تجربگی مدیریت کارخانه نیز اعتراض داشتند. زیرا مدیر کارخانجات "ایران سایا" فردی است فرش فروش بنام "آل احمد" که از بازاریان وابسته به رژیم می باشد. او قبلاً در جلفا کار می کرده و در آنجا نیز در اثر بی لیاقتی و ایجاد تضییقات فراوان برای کارگران، توسط آنها تنبیه می شود. بنحویکه رژیم مجبور می گردد او را از جلفا بیرون آورده و بر سر مدیریت کارخانجات "ایران سایا" بگمارد. این عامل سرسپردهی رژیم در طول مدت مدیریتش در کارخانجات "سایا"، بدلیل بی لیاقتی و بی تجربگی اش در کار، جابجائی ها و نقل و انتقالات خودسرانه و بی حساب و کتابی، در سطوح کارگران بخشهای مختلف کارخانه انجام داده که منجر به حوادث و ضایعاتی برای کارگران زحمتکش شده است. منجمله در اثر انتقال خود بخودی تعدادی از کارگران به قسمت "نقاشی" کارخانه که قسمت "پرس" - که مستلزم گذراندن دورهی تخصصی است - تاکنون دست تعدادی از این کارگران در هنگام کار با دستگاه "پرس" قطع شده است. تنها جواب مدیر سرسپردهی رژیم در پاسخ به اعتراضات کارگران نسبت به اینگونه جابجائی های ابلهانه، این است که: شما برای ما کاری کنید، پس هر کاری که ما به شما گفتیم بایستی انجام دهید! همچنین رژیم در طول این مدت سعی کرده به شیوهی جدید خود، با فرستادن تعدادی از جاسوسانش (تحت عنوان کارگر) به این کارخانه، اختناق بیشتری را در محیط کارخانه حاکم کند. از جمله تعدادی از این جاسوسان از سوی باصلاح بنیاد شهید، به کارخانجات "ایران سایا" فرستاده شده اند که به کنترل و جاسوسی علیه کارگران مشغولند. لازم به توضیح است که این

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان
درباره

تهاجم سنگین پیشمرگه‌های مجاهد خلق به یکی از مهمترین پایگاه‌های منطقه سردشت (حمران) و بهلاکت رسانیدن بیش از ۵۰ تن از پاسداران و مزدوران بسیج ضد خلقی مستقر در این پایگاه

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران
مردم آگاه و مبارز ایران!
مردم دلیر و مقاوم کردستان!

آتش مقدس و سرکش انقلاب در سراسر میهن خونبارمان ایران از دل جنگل‌های انبوه گیلان و مازندران تا گرانه‌های سوزان خلیج و از دشت‌های پهناور خراسان تا ستیغ گوه‌های سرکش کردستان در همه‌جا توفنده و بی‌امان شعله می‌کشد و بنیان سب‌ظلمانی ستم و اختناق خمینی ضدبشر را می‌سوزاند و نابود می‌کند. سلاح ستم‌سوز فرزندان مجاهد و مبارز خلق طلسم خفقان و اختناق سب - پرستان حاکم را درهم می‌شکند و خلق را یکپارچه و متحد به قیام برای زدودن آخرین بقایای این رژیم پلید ضدبشری از صفحه‌ی تاریخ و صحنه‌ی جامعه فرا می‌خواند.

مردم قهرمان ایران!
مردم مبارز کردستان!

فرزندان مجاهد شما، پیشمرگه‌های مجاهد خلق همدل و هم‌پیمان با تمامی خواهان و برادران رزمنده‌ی خویش در سراسر ایران و همگام با دیگر پیشمرگان دلاور گرد به نبرد مقدس و بی‌امان خویش علیه رژیم خون‌آشام خمینی و پاسداران و مزدوران جنایتکارش ادامه می‌دهند و در همه جا آتش‌کین و انتقام خلق را برپیکر پلید این دشمنان خدا و خلق فرومی‌برند. رزمندگان مجاهد خلق - مستقر در منطقه‌ی ربک (سردشت) متشکل در چندین تیم از واحد پارتیزانی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید حسن محمد روحی و واحد پارتیزانی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید حسن عزیز پیروز گردان پیشمرگه‌ی مجاهد شهید محمد شیرنژاد (گاک‌محمود) در نیمه‌شب یکشنبه ۸ اسفندماه با نفوذ به عمق منطقه‌ی دشمن پایگاه اصلی تجمع و فرماندهی مزدوران رژیم در روستای حمران را به محاصره‌ی خویش درآورده و با آتش خمپاره، موشک‌های

مرگ‌برخیمینی خون‌آشام نابودباد پاسداران ظلمت‌وتباهی سلام بر خلق - سلام بر آزادی پیش‌بشوری استقرار دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان ۶۱/۱۲/۸

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

درباره رد قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد

و هرگونه میانجیگری صلح و اعلام ادامه جنگ از جانب رژیم خمینی

بخوبی شاهد ابعاد فجع آن بودید، با برجای گذاشتن بیش از ۱۵ هزار گشته و مجروح و خسارات بسیار سنگین مالی و تجهیزات، ضایعات و لطمات جبران‌ناپذیر دیگری بر ملت ایران تحمیل نمود و اکنون بازم بر ادامه‌ی سیاست خیانت‌بار و ضدمیهنی خود اصرار می‌ورزد و بر اساس اطلاعات رسیده حملات جدیدی را در همان جبهه تدارک می‌بیند.

بنابراین برای ممانعت از گشتار بیدریغ جوانان و نوجوانان کشور که سرمایه‌های انسانی ایران فردا را تشکیل می‌دهند و برای جلوگیری از تهاشدن منابع و ثروت‌های مالی و اقتصادی کشور و از دست رفتن غیرقابل جبران پرسنل آزموده و میهن‌پرست ارتش ایران و برای خاتمه دادن به مصیبت‌ها و عزاداری اغلب خانواده‌های ایرانی؛ از هر طریق ممکن و با استفاده از همه‌ی توانائی خود سیاست جنگ‌طلبانه‌ی خمینی را افشاء و درهم شکسته و با شعار "صلح و آزادی" همه‌ی سلاح‌ها و نیروها را در جهت سرنگونی دیکتاتوری ارتجاعی و استقرار دمکراسی در میهن اسیرمان بگاراگیرد.

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت ایران
۱۳۶۱/۱۲/۵

بقیه از صفحه ۲۰

تلاش‌های میانجیگرانه‌ی صلح بازم بر ادامه‌ی جنگ اصرار می‌ورزد؛ شورای ملی مقاومت ایران از همه ملل و دول صلح‌دوست جهان، قطع هرگونه همکاری و حمایت در همه‌ی زمینه‌ها و بویژه قطع هرگونه کمک و معامله تسلیحاتی با این رژیم و خرید نفت از او، را درخواست می‌نماید.

شورای ملی مقاومت همچنین باستناد همان بیانیه‌ی مشترک بار دیگر تاکید می‌کند که حل و فصل صلح‌آمیز جنگ ایران و عراق، از طریق مذاکرات مستقیم بین طرفین و در چهارچوب حق حاکمیت و تمامیت ارضی هر دو کشور، با مراعات متقابل سیاست عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و روابط حسن همجواری، کاملاً قابل حصول است. اما استقرار صلح و آزادی در ایران تنها در عهده‌ی آلت‌رتاتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران می‌باشد. زیرا جنگ‌طلبی خمینی از ذات بحران‌زای رژیم او می‌جوشد و مضافاً بر سرکوب و خفقان داخلی، از ارگان دائمی موجودیت این رژیم است و تنها با سرنگونی آن پایان می‌پذیرد. هبوطان عزیز!

پرسنل میهن‌پرست ارتش ایران!
رژیم خمینی در آخرین ماجراجوئی جنگی خود که شما

روز گذشته، رژیم خمینی یکبار دیگر قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد ضرورت پایان جنگ و استقرار صلح بین ایران و عراق را رد کرد و با تکذیب سخنان وزیر امور خارجه الجزایر درباره صرف‌نظر کردن رژیم خمینی از شرط اصلی و قصد دائمی‌اش مبنی بر صدور انقلاب و تحمیل یک رژیم تحت رهبری خمینی به مردم عراق و امکان موفقیت تلاش‌های میانجیگرانه‌ی صلح، اعلام کرد که جنگ را همچنان ادامه خواهد داد.

در این رابطه شورای ملی مت ایران توجه تمامی ملل و دول و نیروهای صلح‌دوست و دمکراتیک جهان را به سیاست جنگ‌افروزانه‌ی خمینی در حساس‌ترین منطقه‌ی جهان جلب نموده و همانگونه که در بیانیه مشترک اینجانب و نایب نخست‌وزیر عراق درباره‌ی ضرورت پایان دادن به جنگ و استقرار صلح عادلانه آمده است باردیگر یادآوری می‌کند که "خمینی ذاتاً عامل آتارشی، جنگ و بحران در منطقه است و از آنجا که جز زبان قدرت زبانی نمی‌شناسد ایده‌ی صلح با خمینی - جز در شرایط ضعف و درماندگی مطلق او- واقع‌بینانه نیست" بنابراین در شرایطی که خمینی با رد قطعنامه‌های ملل عد و عقیم‌گذاشتن همه‌ی

فرازهائی از زندگی انقلابی مجاهد شهید محمد مصباح

آرمانهای انقلابی و توحیدی فرزندان مجاهدشان آشنا سازد، تا جائیکه علیرغم تقلبات وسیع و گسترده‌ی مرتجعین، توانست تعداد زیادی از آرا را بخود اختصاص دهد. پس از پایان انتخابات مجلس، مجاهد شهید محمد مصباح به تهران آمد و در بخش اصناف و بازار سازمان به فعالیت‌های خود ادامه داد. در اینجا نیز او دائماً در معرض فشارها و تهدیدات کمیته ضد خلقی خمینی در بازار تهران قرار داشت، بطوریکه از فروردین ۶۰ به زندگی مخفی روی آورد. پس از ۳۰ خرداد و با آغاز نبرد انقلابی مسلحانه‌ی مجاهدین بر علیه رژیم ضدبشری خمینی، مجاهد شهید محمد مصباح دوشادوش فرزندان و برادران مجاهدش در پایگاه‌های مقاومت انقلابی

یکی از مهمترین مهره‌های مزدور خمینی جلاد- صدوقی معدوم- و اعوان و انصارش، قراردادش و به همین جهت افشای چهره‌ی کنیف ارتجاع و پاره کردن پرده‌های ضخیم عوام‌فریبی و ریا- کاری در آنجا، صبر و تحمل و نیز پشتکار و خلأیت زیادی طلب می‌کرد. مجاهد شهید محمد مصباح و دیگر هم‌رزمانش در آن شهر، بار این مسئولیت سنگین را بخوبی بدوش کشیدند و از جمله در دوران انتخابات مجلس شورا، برادر مجاهد محمد مصباح که کاندیدای سازمان در آن شهر بود توانست در پرتو موشک‌گیری‌های انقلابی و هوشیارانه‌ی سازمان و با کار و فعالیت شبانه‌روزی، چهره‌ی ارتجاع را هرچه بیشتر افشاء نموده و در کنار آن اقشار وسیع مردم را با اهداف و

جنگ، بودجه و تورم

در نظر گرفته می‌شود. بطور مثال هزینه‌های ناشی از جنگ در بودجه سال ۶۱ - تا پایان اسامال - حدود ۵۴۵ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. (کیهان ۵/ بهمن ۶۱ - گزارش نخست - وزیر به مجلس درباره‌ی لایحه بودجه ۶۲). البته این ارقام بدون احتساب هزینه‌هایی است که تحت عنوان بازسازی مناطق جنگی و یا عناوین دیگری است که (صرفنظر از دزدی‌های مربوطه) بخش‌هایی از آنها نیز به مصرف جنگ می‌رسد و اگر این هزینه‌ها را نیز منظور کنیم، سهم واقعی هزینه‌های جنگ، "بودجه‌ی کل" بسیار بیشتر از ارقام رسمی ارائه شده می‌باشد.

اوائل بهمن ماه اسامال نخست‌وزیر خائن رژیم طرح لایحه بودجه‌ی سال ۶۲ را که در هیئت دولت بتصویب رسیده بود، برای تصویب نهائی به مجلس فرستاد. در این لایحه، هرچند رژیم همچون گذشته از اعلام ارقام واقعی هزینه‌های مربوط به جنگ و سهم قابل توجه آن در بودجه‌ی کشور خودداری کرد، ولی در عین حال از بررسی همین لوایح و آمار و ارقام موجود در آن و همچنین از خلال اظهارات کارگزاران و سردمداران رژیم (بالاخص شخص خمینی)، می‌توان دریافت که چگونه هزینه‌های سرسام‌آور جنگ - بالغ بر سه میلیارد ریال در روز - اقتصاد ایران را به ورشکستگی

بهمین‌ماه جاری که برای تأمین هزینه‌های جنگی دست بسوی بازاربان دراز کرده است مشاهده نمود. خمینی دجال در قسمتی از صحبت‌هایش خطاب به بازاربان چنین می‌گوید: "شاید بعضی‌ها تون بدانند که جنگ در هر روز چقدر خرج داره چقدر مهمات می‌خواد، چقدر مخارج روزانه است برای جنگ. نقش جنگ امروز در هر روز بیشتر از چند صد میلیون خرج دارد... البته ملت خیالی کمک می‌کند در همه‌ی امور، لکن اینطور نیست که کمک ملت کافی باشد. این مقدار از کمک که دولت است که متکفل این امورهاست و مسئول این امور هست هر روز مواجه با مشکلات عظیم است... این بودجه‌هایی که ملاحظه می‌کنید، این‌ها نمی‌توانند کار دولت را درست کند این ملت است که باید درست کند... هر روز چند صد میلیون خرج جنگ داره... نفت بود که نفت را حالا نمی‌دارن ما استخراج کنیم زیاد... خوب مردم کمک کنند، خیرخواه‌ها کمک کنند، ما نصیحت می‌کنیم، استدعا می‌کنیم از شما که کمک کنید به این دولتی که مشغول گرفتاریش هست...". (تأکیدات از ماست) می‌بینیم که خمینی دجال چگونه با یکطرف به هزینه‌های چند صد میلیونی روزانه‌ی جنگ و از طرف دیگر به عدم کفاف

در بازار نفت - نه با افزایش مالیاتها (بدلیل تنفر عمومی و همگانی مردم ایران از جنگ و نیز بدلیل شدت و گسترش فقر عمومی ناشی از سیاست‌های ضد مردمی رژیم) و نه با توسل به هر شیوه‌ی ضد ملی و ضد میهنی دیگر قادر به مقابله با مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ نخواهد بود.

رژیم خمینی بهنگام ارائه‌ی لایحه بودجه‌ی سال ۶۱ به مجلس (۲) هدفها و سیاست‌های اساسی بودجه را چنین بیان می‌کند (اطلاعات ۶/ بهمن ۶۰): "با توجه به تنگناهای موجود و اتخاذ سیاست ادامه‌ی جنگ تا پیروزی در میدان نبرد و خروج مهاجم" و از سوی دیگر تداوم بخشیدن به حرکتی که در جهت کاهش و قطع وابستگی آغاز گشته است و فعال نگاه داشتن ملت و دولت در جهت مقابله با اثرات ناشی از وابستگی اقتصادی بخشنامه‌ی بودجه سال ۱۳۶۱، با اولویت‌ها

هم بعد از تخلیه‌ی ایران از قوای عراقی و اعلام آمادگی این کشور برای برسمیت شناختن مرزهای بین المللی) آغاز می‌شود و چند بند اولیه‌ی آن نیز تاکید بر اجرای عملی همین شعار است، دیگر جایی برای اولویت سایر موارد در نظر نمی‌ماند و مطرح کردن ۳۰ مورد اولویت در زمینه‌ی کالاهای تولیدی و عمرانی و... چیزی جز عوام‌فریبی نیست. چرا که با توجه به سیاست‌های جنگ‌طلبانه رژیم خمینی و دولت کارگزاران او، اساسا امکان پرداختن و تخصیص بودجه‌های اساسی به سایر موارد

از خلال اظهارات کارگزاران و سردمداران رژیم (بالاخص شخص خمینی)، می‌توان دریافت که چگونه هزینه‌های سرسام‌آور جنگ - بالغ بر سه میلیارد ریال در روز - اقتصاد ایران را به ورشکستگی کشاند و رژیم را با مشکلات جدی روبرو کرده است. بطوری که علیرغم تاراج بی‌سابقه‌ی نفت کشور، افزایش بی‌رویه‌ی مالیات‌ها و غارت مستقیم مردم و... بازهم رژیم قادر نیست هزینه‌های سرسام‌آور مربوط به جنگ را تأمین نماید.

صرفنظر از سایر آثار مخرب و نابودکننده‌ی جنگ منجمله، از بین رفتن بخشی از سرمایه‌های انسانی مملکت، انهدام و از بین رفتن بخش اعظم تولید کشور، آواره شدن بیش از ۲ میلیون نفر از مردم ستمدیده‌ی میهنمان و... که هر کدام احتیاج به بحثی جداگانه و مبسوط دارد، در این مقاله به بررسی مختصر سهم قابل توجه هزینه‌های جنگ در بودجه‌ی کشور و سپس به آثار تورم‌زای این جنگ خانمان‌برانداز و سیاست‌های ضد خلقی رژیم در جهت غارت و چپاول روزافزون توده‌های زحمتکش میهنمان می‌پردازیم، تا ابعاد فاجعه‌آمیز

اهداف زیر تهیه و ابلاغ گردید:
۱- اولویت تأمین نیازهای جبهه‌ها نسبت به سایر نیازها
۲- ضرورت تدارک کالاهای استراتژیک
۳-...
۴-...
۵- رعایت اهمیت و اولویت امر بازسازی مناطق جنگ‌زده،...
۶-۷-...
۸- پیش‌بینی ۵ میلیارد ریال برای اعتبار ذخیره جهت تأمین اعتبارات لازم برای طرح‌های اشتغال‌زا و تولیدی و کشاورزی که در فاصله‌ی کوتاه به تولید می‌رسند (در مورد بند اخیر بعدا توضیح خواهیم داد) اولویت مصرف سرمایه‌های ملت توسط رژیم خمینی که موسوی خائین تحت عنوان "هدفها و سیاست‌های اساسی بودجه سال ۱۳۶۱" ارائه داده است، شامل ۳۰ بند می‌باشد که شرح کامل آن در اطلاعات سده‌شبه‌به‌شبه آمده است.

وجود ندارد. چنانکه در طول هر سال نیز هیئت دولت تصویب نامه‌هایی را می‌گذراند که براساس آنها میزانی از سهم برخی هزینه‌های دیگر در بودجه - مانند هزینه‌های استان‌ها و... را نیز به جنگ اختصاص می‌دهد. چنین سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌ی، و قرار گرفتن همه‌ی امکانات و سرمایه‌های ملی

وقتی که سیاست‌ها و اولویت‌های بودجه کشور از ابتدا با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" (آنهم بعد از تخلیه‌ی ایران از قوای عراقی و اعلام آمادگی این کشور برای برسمیت شناختن مرزهای بین المللی) آغاز می‌شود و چندین بار اولیه آن نیز تاکید بر اجرای عملی همین شعار است، دیگر جایی برای اولویت سایر موارد باقی نمی‌ماند و مطرح کردن ۳۰ مورد اولویت در زمینه کالاهای تولیدی و عمرانی و... چیزی جز عوام‌فریبی نیست. چرا که با توجه به سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌ی رژیم خمینی و دولت کارگزاران او، اساسا امکان پرداختن و تخصیص بودجه‌های اساسی به سایر موارد وجود ندارد.

مشکلات اقتصادی و اجتماعی که خمینی و رژیم رو به سقوطش در اثر اصرار بر ادامه‌ی این جنگ ارتجاعی و ضد مردمی برای میهنمان فراهم کرده اند روشن شود (۱)

جنگ مقدم‌ترین برنامه و اولویت رژیم در بودجه

موسوی نخست وزیر خائن

بودجه‌های تصویب شده از طرف دولت اعتراف می‌کند. اما از آنجا که خمینی برای استمرار حکومت‌ننگینش چاره‌ای جز ادامه جنگ ندارد، و سعی می‌کند هزینه‌های هنگفت جنگ را از طریق تاراج‌نفت، افزایش بی‌سابقه‌ی مالیاتها و... تأمین نماید. ولی با اینهمه، خمینی نه با تاراج نفت - بدلیل خیانت او در شکستن قیمت‌ها تا نصف قیمت رسمی اوپک و ایجاد رکود

کشانده و رژیم را با مشکلات جدی روبرو کرده است. بطوری که علیرغم تاراج بی‌سابقه‌ی نفت کشور، افزایش بی‌رویه‌ی مالیاتها و غارت مستقیم مردم و... باز هم رژیم قادر نیست هزینه‌های سرسام‌آور مربوط به جنگ را تأمین نماید. افلاس و درماندگی رژیم در رابطه با تأمین هزینه‌های مربوط به جنگ را بخوبی می‌توان در سخنان خمینی دجال در تاریخ ۱۰

بصورت گویا نشان دهیم.
(۱): لازم به توضیح است که تقسیم‌بندی‌های گوناگون درآمدها و هزینه‌ها در بودجه واجد کمال اهمیت است، زیرا اولویت‌ها و مقایسه‌ی آنها را با یکدیگر و با گذشته ممکن ساخته و بدین وسیله سیاست‌های اقتصادی تنظیم کنندگان بودجه (دولت) و آثار و عوارض مختلف اجتماعی و سیاسی آن شناخته شده و قابل پیش‌بینی می‌گردد. البته می‌دانیم که سیاست‌های اقتصادی هر رژیم مستقیما از ماهیت طبقاتی او و اهداف کوتاه مدت و درازمدتی که دنبال می‌کند ناشی می‌شود.

جنگ، بودجه و تورم

در خدمت گسترش آتش جنگ، باعث ایجاد عدم تعادل در تقسیم بندی های بودجه ای کشور و بوجود آمدن توقف و رکود در سایر بخش های تولیدی و خدماتی و... و نهایتاً بهم ریختگی ساختار اقتصادی کشور خواهد شد. ذیلاً به برخی نمونه های بارز در این زمینه اشاره می کنیم.

وقتی جنگی با این ابعاد در جریان است، بالطبع برای حل نیازهای تدارکاتی و مصرفی و... آن نیز باید بهای سنگینی پرداخته شود. افراد و نیروهای انسانی ای را که رژیم به جبهه ها گسیل می کند، باید بلحاظ غذا و پوشاک تامین شوند. گرم نگه داشتن افراد و نیروها در جبهه ها، بحرکت درآوردن ماشین ها و تانکها، به پرواز درآوردن فانتوم ها و... به بزمین، نفت و سایر مواد سوختی نیازمند است. ساختن استحکامات و... به وسایل مکانیزه و ماشین آلات سنگین نیاز دارد. حال باید دید این همه (که تازه فقط بخشی از کل تدارکات مورد نیاز جبهه ها است) چگونه تامین می شود؟ مساله روشن است، همان کالاهای مورد نیاز جامعه که باید در اختیار مردم قرار گیرد، با در اولویت قرار داشتن جنگ خانمانسوز و خائنانه ی خمینی، به جبهه ها فرستاده می شود و از دست دروغ می گردد.

نمی شود و در نتیجه بخشی از تولید کشور تعطیل می گردد. وقتی ماشین آلات سنگین از همه ی بخش های صنعتی، کشاورزی و راه سازی کشور جمع شده و به جبهه ها فرستاده می شود، بالطبع راه سازی و سایر بخش های مربوط به آن متوقف شده و بتعطیل کشانده می شود، وقتی قسمت اعظم امکانات دارو و درمان کشور برای مصارف جنگ تخصیص داده می شود و خلاصه وقتی باعتراف مقامات رژیم، از خمینی گرفته تا رئیس مجلس و رئیس جمهور و نخست وزیر و امام جمعه و استانداری ها و... مساله ی جنگ اولویت درجه ی اول دارد و همه چیز - حتی جان انسانها - باید در خدمت جنگ باشد، روشن است که جنگ بخش عظیمی از امکانات مورد احتیاج جامعه و مردم را به کام خود می کشد و زحمتکشان میهنمان از نیازهای اولیه و روزمره زندگی نیز محروم می ماندند.

اعترافات صریح خود مقامات رژیم در این باره قابل توجه است. موسوی نخست وزیر خائن خمینی طی گزارشی درباره ی اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور چنین اعتراف می کند (اطلاعات ۱۷/آبان/۶۱):
"... لذا امکانات دولت در اختیار جبهه ها است. من فقط یک اشاره ای به ماشین آلات سنگین در سطح کشور می کنم. در یکسال

مندانه ادامه دهیم، هر حرکتی که الان بکنیم، حرکتی کوتاه مدت خواهد بود. برای همین مساله ی جنگ برای ما اولویت دارد و..."
وی در همانجا در زمینه ی بکار گرفتن ارز مملکت در خدمت جنگ و در نتیجه کمبود مواد اولیه و سایر کالاها چنین می گوید:
"... اینست که وقتی جنگ داریم، قسمتی از ارزی که در اختیار داریم را باید به مسائل

وقتی به اعتراف مقامات رژیم، از خمینی گرفته تا رئیس مجلس و رئیس جمهور و نخست وزیر و امام جمعه ها و استانداری ها و... مساله ی جنگ اولویت درجه ی اول دارد و همه چیز - حتی جان انسانها - باید در خدمت جنگ باشد، روشن است که جنگ بخش عظیمی از امکانات مورد احتیاج جامعه و مردم را به کام خود می کشد و زحمتکشان میهنمان از نیازهای اولیه و روزمره زندگی نیز محروم می ماندند.

جنگ اختصاص دهیم. با این ارز که می توان مادی اولیه و یا بعضی از کالاها را خرید، به مصرف مبارزه ی ما با رژیم صدام می رسد."
و سپس به ضربات وارده به بنادر کشور و مشکلات ورود کالاهای ضروری چنین اشاره می کند:
"... مساله ی بنادر باین صورت است که کالا در کشور مساله های بنام نواحی ورودی

صرف نظر از اینکه هزینه های واقعی جنگ و سهم آن در بودجه ای کشور خیلی بیشتر از آن چیزی است که رژیم خمینی ادعا می کند، ولی با یک مقایسه ی ساده میان میزان اعتباراتی که در بودجه سال ۶۱ برای جنگ اختصاص یافته بود چه هائیکه برای سایر موارد (تولیدی، عمرانی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمانی و...) در نظر گرفته شده، ابعاد فاجعه آمیز هزینه های مربوط به جنگ، بیشتر روشن می شود.

مطرح است، یعنی از آن مجراهائی که ما کالا به کشور وارد می کنیم. طبیعتاً بنادر در این زمینه نقش بسیار بزرگی را دارند.
ما بندر خرمشهر را از دست داده ایم و از بندر امام بخوبی نمی توانیم استفاده کنیم... نزدیک حدود ۳ ماه پیش بود که خبر دادند روغن نباتی خام که برای ما می آید، بعلت بسته بودن بندر امام نمی توان بار آن کشتی ها را تخلیه کرد و ما مخزن هم در بندر عباس نداریم و... می دانیم که روغن نباتی هم در زندگی روزمره ی مردم ما چقدر

پیش جبهه ها هر وقت ماشین آلات سنگین خواستند، ما از همه جا جمع کردیم و به جبهه ها گسیل داشتیم. فرستادن این امکانات یک رکودی در کارها ایجاد می کند. طبیعی است برای راه سازی و آباد کردن یک منطقه ی محروم به همی این ماشین آلات نیاز داریم... اگر ما دهها لودر و بولدوزر داشتیم به آنها بیشتر رسیدگی می کردیم که آنجا زودتر رشد کند، اما می دانیم که اگر ما نتوانیم بر دشمن خود و بر رژیم آمریکائی صدام غلبه کنیم و در این جنگ پیروز شویم و این جنگ را پیروز

فی المثل برای تامین نفت مورد نیاز جبهه ها، رژیم از سهمیه ی نفت شهرها و استان های کشور می کاهد، در نتیجه نفت به مردم نمی رسد و به همین دلیل، مردم بایستی بدلیل کمبود سوخت، در سرما جان بدهند. (به گزارشاتی در زمینه ی کمبود نفت در شهرهای ارومیه، باختران (کرمانشاه) و همدان در دو شماره ی اخیر مجاهد (مراجه کنید).) به همین ترتیب برای تامین گاز و قیل مورد نیاز جبهه ها، سوختی که منجمله بایستی به مصرف کشاورزی، مرغداری و... برسد تامین

۳۰ درصد بقیه ی بودجه است، ولی همین ۳۰ درصد هم جذب نشده و فقط ۱۵ درصد آن جذب می شود. (اطلاعات ۲۲/اسفند/۶۰)

هزینه های سرسام آور جنگ و سهم آن در بودجه سال ۶۱ کشور

صرف نظر از اینکه هزینه های واقعی جنگ و سهم آن در بودجه کشور خیلی بیشتر از آن چیزی است که رژیم خمینی ادعا می کند، ولی با یک مقایسه ی ساده میان میزان اعتباراتی که در بودجه سال ۶۱ برای جنگ اختصاص یافته و بودجه های که برای سایر موارد (تولیدی، عمرانی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و...) در نظر گرفته شده، ابعاد فاجعه آمیز هزینه های مربوط به جنگ، بیشتر روشن می شود. بعنوان مثال: طبق بند ۸ هدفها و سیاست های اساسی بودجه ی ۶۱ پیش بینی ۵ میلیارد ریال اعتبار ذخیره جهت تامین اعتبارات اشتغال را و تولیدی کشاورزی... و طبق بند ۱۰ همان سند " اختصاص ۶ میلیارد و پانصد میلیون ریال جهت احداث مدارس روستائی و... در نظر گرفته شده است. و یا در نمونه ی دیگر، طبق بودجه ی پیش نهادی سال ۶۲ از طرف دولت به مجلس، فقط ۱۲ تا ۱۸ میلیارد ریال بودجه برای ۲۲ استان کشور در اختیار استانداری ها قرار می گیرد (اطلاعات دوشنبه ۴ بهمن ۶۱ صفحه ی ۵). حال با یک مقایسه ی ساده

پاورقی: (۳): من باب مثال فرض کنید رژیم درصد معینی از بودجه را برای امور عمرانی (مثلاً راه سازی) و یا امور تولیدی (مثلاً توسعه ی صنایع و کشاورزی) در نظر گرفته باشد، اما وقتی کلیه ی امکانات راه سازی را به جبهه ها فرستاده بدلیل فقدان امکانات لازم در جامعه، قادر به توسعه ی راهها نخواهد بود. و یا اگر خواهد بود به گسترش صنایع و کارخانجات بپردازد و یا تولید کشاورزی را افزایش داده و رونق بدهد بدلیل فقدان مواد اولیه، سوخت و... که جنگ بگام خود کشیده، قادر به اینکار نخواهد بود و نهایتاً اینکه درصد قابل توجهی از اعتبارات در نظر گرفته شده، عملاً غیر قابل جذب خواهد شد.

نقش دارد و دائم خبر می رسد که میزان ذخیره ی روغن نباتی دارد کمتر می شود."
همچنین توکلی خائن وزیر کار و امور اجتماعی که سابقاً سخنگوی دولت هم بود، طی مصاحبه ای در کیهان ۲۱ بهمن ۶۰ در باره ی کمبودهای ناشی از جنگ و قبحانه اظهار می دارد:
"... وقتی جنگ پیش می آید و همه فریاد می زنند جنگ جنگ تا پیروزی، دولت تمام امکانات خودش را صرف جنگ می نماید. وقتی که بودجه ی جنگ به میزان قابل توجهی افزایش می یابد اینها همه اثر در واردات و تولیدات می گذارد و در نتیجه کمبود پیش می آید و قیمت ها بالا می رود و کنترل

وقتی به اعتراف مقامات رژیم، از خمینی گرفته تا رئیس مجلس و رئیس جمهور و نخست وزیر و امام جمعه ها و استانداری ها و... مساله ی جنگ اولویت درجه ی اول دارد و همه چیز - حتی جان انسانها - باید در خدمت جنگ باشد، روشن است که جنگ بخش عظیمی از امکانات مورد احتیاج جامعه و مردم را به کام خود می کشد و زحمتکشان میهنمان از نیازهای اولیه و روزمره زندگی نیز محروم می ماندند.

دولت مشکل تر می شود... گوشت قبلاً ۷۰۰ تن در سطح کشور تولید می شد و پس از جنگ به ۵۰۰ تن رساندیم، یعنی ۳۰۰ تن در تهران و ۲۰۰ تن در شهرستانها توزیع می شود."
بدین ترتیب ملاحظه می کنیم که چگونه سیاست های مالی و اقتصادی رژیم، امکانات و سرمایه های با ارزشی را که عمدتاً بایستی در خدمت رشد تولید و اقتصاد کشور بکار گرفته شوند بمصرف هزینه های سرسام آور یک جنگ ارتجاعی و ضد میهنی رسانده و نابود می کند. از اینروست که تبادل بین تولید و مصرف، و هزینه و درآمد در بودجه بهم ریخته و حتی همان میزان ناچیزی هم که برای مصارف تولیدی و عمرانی و... در بودجه در نظر گرفته می شود دیگر جامعه، قادر به جذب کامل آن نیست، بعبارت دیگر رژیم - چه بلحاظ مدیریت و چه بلحاظ امکانات و... - امکان بمصرف رساندن اعتبارات و باجرا درآوردن طرح های تولیدی و عمرانی را، حتی در همان حدی که در بودجه در نظر گرفته شده ندارد (۳). چنانکه یکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی خمینی (حسینی نیا) طی بحث های موافق و مخالف لایحه ی بودجه ی ۶۱ در مجلس به این مساله اعتراف کرده و اظهار می دارد که علیرغم اینکه بودجه ی عمرانی

جنگ، بودجه و تورم

چنین وانمود کند که گویا درآمدهای دولت را (که در حقیقت اموال به‌غارت رفته‌ی خلق هستند) بیشتر به مصرف رفاه مردم می‌رساند و از طرف دیگر هزینه‌های سرسام‌آور جنگ در بودجه و تأثیرات مخرب آن را ناچیز نشان دهد.

یکی از مواردی که چنین رژیم‌هایی سعی در مخفی نگاهداشتن آن دارند، مسئله‌ی کسری بودجه است. (قابل توجه است که در میان دولت‌هایی که بعد از سال ۱۳۲۵ تا به‌حال در ایران روی کار آمده‌اند، تنها بودجه دولت ملی دکتر محمد مصدق فقید کسری نداشته‌است.)

در رابطه با کسری بودجه دولت، بایستی اشاره کنیم که دولت یکسری درآمدهایی دارد که اقلام عمده‌ی آن از طریق فروش نفت و اخذ مالیات و درصد بسیار کمی از آن هم از طریق صادرات و فروش سایر کالاهای تولیدی و ... حاصل می‌شود.

این درآمدها در واقع از دسترنج مردم زحمتکش و سرمایه‌های طبیعی میهنمان بدست آمده و باید برای افزایش تولید در جهت حل مسائل و مشکلات و تأمین نیازمندی‌های اساسی مردم و رفاه آنها مصرف گردد. از طرف دیگر دولت، هزینه‌هایی که شامل هزینه‌های تولیدی، عمرانی، بهداشت، تسلیحاتی و نظامی ... می‌باشد، دارد که از محل درآمدهای فوق‌الذکر تأمین می‌گردد. وقتی کشوری دچار عقب‌ماندگی و ورشکستگی اقتصادی است و درآمدها را بیشتر به مصارف غیرتولیدی - مثل مصارف تسلیحاتی و هزینه‌های مبرر - به جنگ و از این قبیل - بقیه درصافی ۲۱ پاورقی:

(۴): علاوه بر این مبلغ ۴۰۰ میلیارد ریال) مبلغ ۳۵ میلیارد ریال دیگر طبق بند ب تبصره ۵ از لایحه بودجه ۶۱ در رابطه با هزینه‌های جنگ در نظر گرفته شده است. گسه رژیم با باصلاح زرنگی، فقط رقم ۴۰۰ میلیارد ریال را در اعلام عمومی مربوط به هزینه‌های جنگ در صفحات اول روزنامه‌ها آورده است. (اطلاعات سه‌شنبه ۶ بهمن ۱۳۶۰ صفحه ۶، تبصره ۵ و تبصره ۷ از لایحه بودجه) (۵): بخشی از تسلیحات نظامی وارداتی به ایران که به‌طور ادامه‌ی جنگ با عراق در اختیار رژیم خمینی قرار گرفته‌است، در سرمقاله‌ی مجاهد شماره ۱۳۲ - دعوی کاذب ثبات به‌بهای خون و نفت و تاراج - افشاء گردید.

بطور دائم با کسر بودجه‌های سالانه (بخصوص بعد از شروع جنگ) روبروست، هزینه‌هایی که می‌تواند در ادامگی خودش اقتصاد درهم ریخته و بحرانی رژیم را با فلج و ورشکستگی کامل مواجه سازد.

کسر بودجه‌های سالیانه ناشی از جنگ و شیوه‌های ضد خلقی رژیم برای مقابله با آن

در این زمینه ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که رژیم‌های ضد خلقی بخصوص آنهایی که اقتصاد عقب‌مانده و وابسته دارند - هیچگاه آمار واقعی در زمینه‌های مختلف اقتصادی به مردم ارائه نمی‌دهند و تنها، در دفاتر و اسناد محرمانه آنها می‌توان

۳ و ۳ پیوست اضافه و به دولت اجازه داده می‌شود قانون مزبور را با رعایت مفاد تبصره‌های اصلاحی و الحاقی ذیل به مورد اجرا بگذارد:

تبصره ۱ الف - به اعتبار ردیف ۵۰۳۵۴۱ (هزینه‌های ناشی از جنگ تحمیلی) قانون بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ یکصد و چهل و پنج میلیارد ریال اضافه می‌شود تا بر طبق مفاد تبصره (۸) قانون مزبور به مصرف برسد. همانطور که ملاحظه می‌کنید طبق این لایحه رقمی بیش از ۴۲ درصد متمم بودجه به جنگ اختصاص داده شده است.

تیمیان

صفحه ۱۰ مکرر
شنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۱
شماره ۱۷۲۲۸

لایحه متمم قانون بودجه سال ۱۳۶۱ ماده واحده - با اعتبارات صوب قانون بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ سیصد و سی و چهار میلیارد و سیصد و شصت و هشت میلیون و هشتاد و چهار هزار (۲۴۴۳۳۷۰۰۰) ریال شرح تبصره‌های زیر و جداول شماره ۱ و ۲ پیوست اضافه و به دولت اجازه داده می‌شود قانون مزبور را با رعایت مفاد تبصره‌های اصلاحی و الحاقی ذیل به مورد اجرا بگذارد.

تبصره ۱ الف - به اعتبار ردیف ۵۰۳۵۴۱ (هزینه‌های ناشی از جنگ تحمیلی) قانون بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ یکصد و چهل و پنج میلیارد ریال اضافه می‌شود تا بر طبق مفاد تبصره (۸) قانون مزبور به مصرف برسد.

ب - آن قسمت از اعتبار ردیف فوق‌الذکر که توسط هیات وزیران به بازسازی و نوسازی مناطق جنگی اختصاص یافته و یا خواهد یافت از اعتبارات جاری کسری و اعتبارات طرح‌های عمرانی (سرمایه گذاری ثابت) همان ردیف اضافه خواهد شد.

با چنین اعتبارات هنگفتی که در بودجه به جنگ تخصیص داده می‌شود، طبیعی است که هم مردم زحمتکش میهنمان هر روز محروم‌تر شوند و هم شاهد بسته شدن انبوهی از قراردادهای مخفیانه و خائنانه چند میلیاردی رژیم با اسرائیل و نیز دلالتان بازار سیاه اسلحه و لوازم یدکی نظامی و ورود سیلی از اسلحه و مهمات نظامی به‌داخل کشور باشند (۵)

وقتی سهم قابل توجهی از بودجه‌ی یک کشور آنهم با اقتصادی که همه‌ی احتیاجاتش از خارج وارد می‌شود و وابسته به واردات کالا است - صرف هزینه‌های غیرتولیدی و تورم‌زا (بخصوص مواردی مانند جنگ) شود بطور اتودینامیک و خودجوش بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زا و ضد تورم افت کرده و خلاصه تعادل کل بودجه را بر هم می‌زند. به همین دلیل رژیم

ریال را تقبل کردند". وقتی هزینه‌ی سه روز جنگ ۱۰ میلیارد ریال باشد هزینه‌ی یکسال یعنی ۳۶۵ روز جنگ مبلغی معادل ۱۲۵۰ میلیارد ریال خواهد شد. یعنی چیزی

بین ارقام نجومی ۴۰۰ میلیارد ریال (۴) و ۵۴۵ میلیارد (کیهان ۵ بهمن ۶۱) هزینه‌های مربوط به جنگ با ارقام ۵ میلیارد و ۶ میلیارد و ۱۲ تا ۱۸ میلیارد ریال، ابعاد سرسام‌آور

شماره ۱۶۱۳۶ ششم بهمن ماه ۱۳۶۰

از اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه:

- ۴۰۰ میلیارد ریال هزینه‌های ناشی از جنگ
- ۱۰ میلیارد ریال کمک به خانواده زندان
- ۱۰ میلیارد ریال حمایت از مخترعین

بیش از سه برابر میزانی که رژیم در بودجه‌ی سالانه‌اش بعنوان هزینه‌های مربوط به جنگ (۴۰۰ میلیارد ریال) ارائه داده‌است. این خود نمونه‌ی گویائی است مبنی بر اینکه رژیم از ارائه‌ی ارقام واقعی بخصوص در مورد هزینه‌های سرسام‌آور جنگ، که اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشانده، وحشت دارد و از تأمین چنین هزینه‌هایی عاجز مانده است. چنانکه بودجه‌ی متمم سال ۶۱ و اظهارات و اعترافات برخی مقامات دیگر رژیم مبین همین مساله است.

مروری بر لایحه متمم قانون بودجه ۶۱

رژیم که نتوانسته بود هزینه‌های روزافزون جنگ را با بودجه‌ی سال ۶۱ تأمین نماید و دچار کسری شدید بودجه شده بود، مجبور گردید که در آبان سال ۶۱ لایحه متمم قانون بودجه را نیز بتصویب مجلس ضد خلقی خمینی برساند. طبق این لایحه نزدیک به ۳۴۴ میلیارد ریال به اعتبارات بودجه‌ی سال ۶۱ افزوده شد که طبق بند الف تبصره ۱ آن مبلغ ۱۴۵ میلیارد ریال به هزینه‌های جنگ در سال ۶۱ افزوده گشت. ذیلاً قسمتی از متن لایحه متمم بودجه سال ۶۱ را که در صفحه ۱۰ مکرر روزنامه‌ی کیهان، مورخ ۲۹ آبان ۶۱ بجاپ رسیده عیناً نقل می‌کنیم:

"ماده واحده - به اعتبارات مصوب قانون بودجه‌ی سال ۱۳۶۱ مبلغ سیصد و سی و چهار میلیارد و سیصد و شصت و هفت میلیون و هفتاد و چهار هزار (۳۳۴۳۶۷۰۷۴۰۰۰۰) ریال به شرح زیر و جداول شماره ۱ و

هزینه‌های جنگ در بودجه به نسبت سهم مصارف تولیدی، عمرانی و آموزشی و ... مشخص می‌شود. مضافاً بر اینکه طبق بندهای ۱ و ۲ و ۵ لایحه بودجه سال ۶۱ هزینه‌های مربوط به جنگ خیلی بیشتر از ۴۰۰ میلیارد ریال خواهد بود که رژیم از اعلام علنی و صریح آن ابا دارد. نکته قابل توجه دیگر اینکه ارقام فوق‌الذکر تنها بخشی از هزینه‌های جنگ - عمدتاً هزینه‌های تسلیحاتی - است که بصورت اعتبار در بودجه در نظر گرفته می‌شود. در حالی که جنگ، مصارف هنگفت دیگری - چه بصورت اعتبار و پول نقد و چه بصورت کالا و وسایل و ابزارآلات - در زمینه‌های مصرفی و خدماتی دارد که مستقیماً سرمایه‌ها و سهم مردم را بکام خود می‌کشد، که به بخشی از آن فوقاً اشاره شد.

بعبارت دیگر امکانات و سرمایه‌های فراوان دیگری که ارزش آن چندان کمتر از میزان اعتبارات جنگ در بودجه نیست - بدون اینکه در بودجه‌ی کشور قید گردد از کیسه‌ی مردم زحمتکش میهنمان به‌غارت می‌برود و در خدمت مطامع جنگ‌افروزانه‌ی خمینی قرار می‌گیرد. و بهمین جهت در یک بررسی واقعی و دقیق، بایستی جزو هزینه‌های جنگ محسوب گردد. ماه گذشته نیز ارگان‌های رسمی رژیم (روزنامه‌های جمهوری و اطلاعات ۱۳/ بهمن/ ۶۱)، مطالب قابل توجهی درباره‌ی میزان هزینه‌های جنگ درج کردند: "... اصناف و مردم قم کلیه‌ی هزینه‌های سه‌روز جنگ تحمیلی به مبلغ ۱۰ میلیارد

حماسه های مجاهد خلق،

لحظه های انقلاب

نبردی که تا سقوط دژ خیم ادامه خواهد یافت

گزارشی از درگیری پایگاه اختیاریه

تاریخ وقوع: ۱۳ اسفندماه ۶۰
مکان - حوالی میدان اختیاریه
زمان - ۵ بعد از ظهر

"نشست" هنوز ادامه داشت. "حاجی" (مجاهد شهید محمد مصباح - پدر خانواده ی مجاهد مصباح - که همزمانش او را "حاجی" صدا می کردند) نگاهی به همسرش که بیرون را نگاه می کرد و بعد به دختر کوچکش که در گوشه اتاق با خود سرگرم بازی بود انداخت. تا آنروز ۴ تا از بچه های همراه با عروسی یا در درگیری های مختلف با مزدوران خمینی جلا دادند و یا در برابر جوخه های تیرباران او به شهادت رسیده بودند. بی اختیار فاطمه را در برابر جوخه تیرباران به یاد آورد. قطره اشکی در چشمش درخشید و زیر لب گفت: "بیچاره خمینی! به کجاها پیدایی؟! " و بعد به فکر فرو رفت: سالهای سال مبارزه و زندان و شکنجه و در بدری در زمان شاه... و حالا دوباره در زمان خمینی، لحظه به لحظه و با تمام هست و نیست درگیر مبارزه، مبارزه ای که تا سقوط خمینی ادامه خواهد داشت. هر چند که خمینی باز هم وحشیانه به کشتار و شکنجه ادامه دهد. صدای باز شدن در اتاق، حاجی را بخود آورد. فرمانده عباس بود. او در حالیکه لبخند میزد گفت: "نشست تمام شد پیرمرد! کم کم باید بریم". حاجی خندید و به ساعتش نگاه کرد. ده دقیقه بیشتر به ساعت پنج نمانده بود.

چکلیست خروج از خانه پر شده بود و بچه ها آماده ی خارج شدن بودند که صدای زنگ در پایگاه بلند شد. هیچکس قرار نبود در آن ساعت به پایگاه مراجعه کند. حاجی با سرعت وارد اتاق شد و در

در حالیکه سلاحش را در دست داشت، با نگرانی به بچه ها نگاه کرد و گفت: "پاسداران" و خودش با شتاب برگشت... طرح خروج از پایگاه در موارد اضطراری از مدت ها قبل، ریخته شده بود. فرمانده "عباس" (مجاهد شهید عباس عطاپور) اعلام آماده باش کرد و تمامی افراد متناسب با مسئولیت های که برایشان تعیین شده بود بکار مشغول شدند. "ظاهره" که مسئول برخورد با مراجعین بود، بطرف درب ورودی پایگاه

رفت. ولی هنوز درب را بدرستی باز نکرده بود که پاسدارها هجوم آوردند. ظاهره تنها توانست فریادی بزند و بعد کپسول سیانوروش را در دهان شکست و بلعید. فرمانده عباس از لای پرده ای که حال را به دو قسمت میکرد بیرون را نگاه کرد. دو پاسدار، ظاهره را کشان کشان با خود می بردند و تعدادی دیگر از پاسداران هم در حال هجوم به داخل پایگاه بودند، فرمانده عباس سلاحش را به سینه فشرد و آتش گشود. پاسدارها در حال عقب نشینی به آتش او جواب دادند و گلوله های در سینه ی عباس نشست و او را بر زمین انداخت. فرمانده عباس نگاهی به بچه ها که در حال خروج از پنجره بودند افکند و با سر به آنها اشاره کرد و با صدائی که به سختی از حنجره اش درمی آمد گفت: "زودتر" و بعد بابکار گرفتن آخرین بقایای انرژی هایش نارنجکش را از کمر کشید و ضامنش را در دست گرفت. حاجی و همسرش در حالیکه دختر کوچکشان هم در اتاق

بود، پاسداران ظلمت و تباهی را هدف قرار می دادند. صدای رگبارها همراه با انفجار، اوج گرفت و مردم به خیابان ریختند... فرمانده عباس شب قبل گفته بود: "در هنگام محاصره و هجوم دشمن، زنده دستگیر نشدن خود یک پیروزی محسوب می شود..."

برادر "ج" پنجره را باز کرد و گفت: "عجله کنید!" و خودش پائین پرید. من به خواهر "الف" گفتم: "نوبت توست" و

متوجه من شد و سریعاً خودش را بر زمین انداخت و دستهایش را روی سرش قرارداد. من که متوجه شدم سلاح عمل نمی کند بطرف "الف" و "ج" که دوباره به انتهای کوچه رفته بودند دویدم. در انتهای کوچه درب چوبی کوچکی وجود داشت که "ج" آنرا باز کرد و هر سه داخل خانه ای شدیم. در این موقع شلیک رگبار گلوله های پاسداران مزدور بطرف درب چوبی کوچک شروع شد. پس از گذشتن از دیوارهای خانه ی مزبور، وارد میدان اختیاریه شدیم. "ج" به نگاه و اشاره ای کرد و بعد به سرعت بر اساس طرح قبلی، از ما دور شد و من و "الف" نیز در جهت مخالف او شروع به حرکت کردیم و پس از طی مسافت کوتاهی، جلوی ماشین پژوی سفید رنگی را که در حال عبور بود گرفتیم و سوار آن شدیم. زن و مردی که داخل ماشین بودند ابتدا با دیدن نارنجک در دست من، هراسان و هیجان زده شدند ولی پس از توضیحات ما و اینکه ما می خواهیم، با سرعت ما را از منطقه ی درگیری دور کردند. به "الف" نگاه کردم کفش نداشتم و لباسهایش هم خون -

شب هنگام رژیم خون آشام خمینی با نشان دادن پیکرهای بخون کشیده ی مجاهدین شهید محمد مصباح و فرمانده عباس سرتاپور در تلویزیون به شادمانی نشست... ولی خروش بمب ها و مسلسل های مجاهدین در سراسر ایران ادامه یافت و چندان مه بعدا عدام صدوقی جنایتکار در یزد (شهر زادگاه خانواده ی مصباح) بوسیله ی واحد عملیاتی حاج محمد مصباح نمود.

آلود بود چون هنگام پریدن از پنجره و عبور از دیوارها مجروح شده بود. نرسیده به چهارراه قنات به راننده گفتم: "همین جا نگه دارید" و سپس از زنی که همراه او بود خواستم کفشهایش را درآورد و به "الف" بدهد و او بلافاصله کفشهایش را درآورد و به "الف" داد. راننده نیز بداخل خیابانی که تابلوی ورود ممنوع داشت، وارد شد و توقف کرد و پس از خداحافظی و پیاده شدن ما همانطوریکه به او گفته بودیم با سرعت از آنجا دور شد.

حوالی چهارراه قنات درب خانه ای را زدیم ولی کسی در خانه نبود. برای ارزیابی وضعیت وارد یک مغازه کفش فروشی که در آنجا بود شدیم. لحظاتی بعد ب.ام.و. قهوه ای رنگ که در جلوی درب ورودی پایگاه آنرا دیده بودیم همراه با سه پاسدار که بیکر بی رقیب ظاهره را با خود می بردند از جلوی مغازه کفش فروشی گذشت. و بعد از اینکه تا حدودی از آنجا فاصله گرفت، ما از مغازه کفش فروشی

بیرون آمدیم و به یک مغازه دیگر رفتیم و پس از تهیه لباس مناسب برای "الف" به یکتفر از مشتریان مغازه گفتم: "ما مجاهد هستیم و احتیاج به کمک داریم اگر شما اتمبیل دارید... در این موقع یک نفر از کسانی که داخل مغازه بود حرفهای مرا شنید و گفت: "با من بیائید من شما را بهر جا که بخواهید می رسانم" و بعد سریعاً همراه با ما از مغازه بیرون آمد. او در بین راه با اشتیاق از مقاومت و پایداری مجاهدین و نیز از جنایات خمینی که اینک برای همگان روشن شده بود می گفت و با لعنت و نفرین از خمینی یاد می کرد. مدت زمانی بعد با یاری بیدریغ این هموطن دلیر و از مسیری مناسب به حوالی... رسیدیم و پس از خداحافظی با او به سلامت به یکی دیگر از پایگاههای انقلاب رفتیم. "ج" هم توانسته بود پس از جداسدن از ما بکمر چند تن از هم میهنان مبارز و دلیرمان خود را از منطقه ی درگیری دور کند و خود را به سلامت به پایگاه برساند.

پس از شهادت فرمانده عباس و خروج موفقیت آمیز بچه ها از پایگاه حاجی و همسرش دو ساعت دیگر به نبرد قهرمانانه ی خود ادامه دادند و سرانجام پس از شلیک آخرین گلوله های خود به سوی دژ خیم خمینی جلا دادند. به شهادت رسیدند و صفحه ی درخشان دیگری به کارنامه ی پرافتخار مقاومت و نبرد خلق و پیشتازان مجاهدش بر علیه دژ خیم زمان خمینی جلا دادند. شب هنگام رژیم خون آشام خمینی با نشان دادن پیکرهای بخون کشیده ی حاجی و فرمانده عباس در تلویزیون به شادمانی نشست و باز هم احمقانه از نابودی مجاهدین سخن بمیان آورد ولی خروش بمبها و مسلسل های پیشتازان مجاهد خلق همچنان در سراسر ایران ادامه یافت. چند ماه بعد هم صدوقی جنایتکار در یزد (شهر زادگاه خانواده مجاهد مصباح) که در اوچ کینه ی ضد انقلابی خود، شخشا نیز در اعدام و کشتار خانواده ی مجاهد مصباح انگیزه داشت بوسیله ی واحد عملیاتی حاج محمد مصباح اعدام انقلابی گردید و مردم ایران و بویژه مردم ستمدیده ی استان یزد را که بخصوص پس از خلافت ارتجاعی خمینی، جان و مال و ناموسشان بازبچه ی هوسها و جنایات صدوقی خائن این مهری جنایتکار و سرسپرده ی خمینی بود، عمیقاً خوشحال نمود

بقیه از صفحه اول

خلق و برافراشته شدن پرچم رهایی و آزادی خلق و محو همه ی قید و بندهای استبدادی و استعماری و استثماری و سرانجام تحقق جامعه ی بی طبقه ی توحیدی ادامه خواهد یافت .

اگر در آزمون که نهال این "شجره ی طیبه" در سرزمین پر بار و مجاهد پرور ایران کاشته می شود ، کسی ابعاد نبردها و جانفشانی های عنصر مجاهد خلق را (بدینگونه که در اوج خود امروز در میهن ما و با خمینی دجال و ضدبشر درجریان است) تصویر می کرد شاید خیالی و غیر واقعی بنظر می رسید . نبردی با تمامی هستی و خانمان ، نبردی که از پیران شصت هفتاد ساله تا کودکان چندساله ی مجاهد درگیر آتند و داستان جانفشانیها و دلاوریهای خانواده های مجاهد خلق نیز (به معنای اخص خانواده) در درون خانواده ی بزرگ مجاهدین جای خاص خود را دارد و بررسی و ارزیابی جداگانه ی آن را طلب می کند زیرا در شرایط حاضر دفتر خونین مبارزات خلق قهرمان ایران و پیشاهنگان و پیشاتازانش با نام و خطرات امیدبخش ، پرشور و حرکت آفرین دهها و صدها خانواده ی مجاهد خلق زینت یافته است ، خانواده هایی که گاه تماما (از مادر و پدر و دختر و پسر تا عروس و داماد سلاح بدست گرفته و با خشم و نفرتی عمیق و انقلابی با حاکمیت ضد

خانواده های مجاهدین در نبردی قهرمانانه بر علیه خمینی ضدبشر

شهادت شروع شد . ماجرای نبرد قهرمانانه و شهادتهای حماسی و افتخار آفرین فرزندان مجاهد این خانواده و شرح رنجها و فشارهایی که بر افراد باقیمانده ی آن وارد آمد ، علیرغم تلاشهای مذبحخانه ی رژیم شاه پنهان نماند بطوریکه حتی در سیاهترین سالهای حفقان و دیکتاتوری ، این کانون ، نمودی از حرکت انقلابی و مردمی مجاهدین و مرکزی برای حرکت و جوشش بود . در شروع قیام خلق نیز شرح

تمامی افراد یک خانواده اعم از پدرومادر ، دختر و پسر و عروس و داماد بصورت حرفه ای و تمام وقت ، در جهت تحقق اهداف انقلابی و توحیدی مجاهدین تلاش می کردند . و چه بسا که ارتجاع افسار گسیخته ی حاکم که با هر هجوم به مراکز علنی مجاهدین ، انتظار خموشی ندای انقلاب و بیداری را داشت شگفت زده می شد چراکه مشاهده می کرد که تلاشها و فعالیتها بازم ادامه دارد .

خانواده هایی که گاه تماما (از مادر و پدر و دختر و پسر تا عروس و داماد سلاح بدست گرفته و با خشم و نفرتی عمیق و انقلابی با حاکمیت ضدبشری خمینی بمبارزه برخاستند و در مسیر این مبارزه ی تاریخی و سرنوشت ساز ، بسا خانواده هایی که ، هر کدام چندین شهید (۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ و حتی ۸ شهید) به پیشگاه آزادی و انقلاب تقدیم کرده اند .

فداکاریها و جانبازیهای رضائیهای شهید مرزهای ایران را نیز در نوردیده بود و از آن بمتابه یکی از سمبل های درخشان و انقلابی مبارزات خلق و فرزندان مجاهدش و همچنین بعنوان نمونه ای روشن از جنایات و سیاهکاریهای رژیم شاه خائن نام برده می شد .

اما در فردای پیروزی انقلاب خمینی و دارودسته ی مرتجع او ، جنایات سلف خود یعنی شاه را در حق تمامی مردم ایران و بخصوص پیشاتازان مجاهدش و همچنین خانواده های مجاهدین ، در ابعادی غیرقابل قیاس با شاه تکرار کردند و تقریباً از همان روزهای نخستین پیروزی قیام خلق دیگر بار مجاهدین و خانواده هایشان و بویژه خانواده ی رضائی های شهید را مورد فشار و تهدید و آزار قرار دادند .

با گسترش روزافزون سازمان مجاهدین ، خانواده های مجاهد خلق نیز ابعادی گسترده یافتند . در حقیقت می توان گفت که پس از پیروزی قیام و با توده ای شدن نفوذ اجتماعی مجاهدین ، دیگر ستادها و پایگاههای انقلاب نه فقط در یک نقطه یا چند نقطه از شهرها و روستاهای سراسر ایران برپا می شد ، بلکه دیگر بسیاری از خانواده ها ، محل زندگی و سکونتشان یک ستاد بود . ستادی که در آنجا

آن پیشاتازان مجاهدش نیز می بایستی چشم انداز تازه ای را در مبارزه و جانفشانی بر علیه این دجال ضدبشر عرضه نمایند و تمامی مرزهای پاکبختگی انقلابی را درهم نسودند . و بدینگونه بود که مجاهدین با تمامی هستی و سازمان و وابستگان شان و منجمله خانواده های خود (بمعنای اخص خانواده) و پس از عبور از فراز و نشیب های بسیار و آبدیده شدن در گوران پیچیده ترین مبارزات سیاسی ، توانستند در سرفصل تاریخی ۳۰ خرداد و همزمان با شروع مبارزه انقلابی مسلحانه پای به میدان این نبرد تاریخی و سرنوشت ساز بگذارند . در پایگاههای انقلاب و تحت سخت ترین شرایط به نبرد خویش ادامه می دهند و در این راه تاکنون بسیاری از آنها یا در درون پایگاههای مقاومت یا به هنگام ماموریت های انقلابی یا در میدان های نبرد یا در شکنجه گاهها و در برابر جوخه های تیرباران همراه با زن و فرزند

همگی خوب بخاطر داریم که چگونه علیرغم تمامی فشارها و ضرب و شتم ها ، این فعالیت های انقلابی و افشاگرانه در سراسر مرحله ی مبارزات سیاسی (تا قبل از ۳۰ خرداد ۶۰) ادامه داشت .

سرانجام ارتجاع قرون وسطائی خمینی ، پروسه ی ضد خلقی شدن خود را به اتمام رساند و در سرفصل تاریخی ۳۰ خرداد ۶۰ ، با به رگبار بستن تظاهرات عظیم مجاهدین که در مردم تهران شرکت داشتند ، بجویی نشان داد که از این پس نمی توان جز با زبان قهر انقلابی و جز با بمب و مسلسل و سلاح آتشین ، سخن گفت . آنگاه با شروع شدن عصر بی سابقه ترین اعدام ها و شکنجه ها ، و متقابلاً با آغاز دوران مبارزه ی انقلابی مسلحانه ی سراسری ، علسی - القاعده دیگر کسی چنین انتظاری نداشت که پدران و مادران سالخورده و ... در کنار فرزندان مجاهدشان و در صفوف مقدم مبارزه مسلحانه نیز شرکت کنند . اما صحنه ی نبرد تاریخ ساز ما چنین آرایش یافت که از همان فردای ۳۰ خرداد که دجال زمان "گامی فراتر از شاه" برداشت و از آن پس نیز مرز تمامی جنایات را بسا فراتر از هر رژیم ضد خلقی دیگر درنوردید ، لاجرم خلق و در صفوف مقدم

... به شهادت رسیده اند و بسیاری دیگر نیز هم اکنون با پذیرش سخت ترین شرایط و تحمل خطرات به انجام وظائف و مسئولیتهای انقلابی خود ادامه می دهند و برآستی همه ی اینها چه چیزی را نشانگر و نویدبخش است ؟ جز عزم و اراده ی خلق و پیشتاز و جز شکست و سرنوشتی محتوم خمینی ضدبشر . بی تردید خلق قهرمانی که این چنین به سوی مقصد آزادی و رهایی می شتابد ، هرگز سرنوشتی جز رهایی و آزادی نخواهد داشت . خلق کبیر و قهرمانی که می رود تا فارغ از هریاس و بد بینی با عزم و اراده ی پولادین که تبلور آنرا در چنین مبارزاتی در برابر چشم تاریخ و جهانیان به نمایش گذاشته پرچم پیروزی خود را بر ویرانه های کاخ ستم کاران رنگارنگ برافرازد . اکنون هم زمان با سالگرد شهادت پدر و مادر مجاهد خانواده ی مصباح ، بی مناسبت نیست بعنوان نمونه به برخی از خانواده های مجاهد که هریک چند شهید را در نبرد با خمینی به پیشگاه آزادی و انقلاب تقدیم کرده اند اشاره کنیم . بی تردید نام و یاد اینان و صدها خانواده ی دیگر مجاهد خلق همواره زیب دفتر جانفشانی های خلق قهرمان ایران خواهد بود :

شهادت مجاهد خانواده کبیر مصباح

- ۱- مجاهد شهید محمد مصباح (پدر خانواده) شهادت ۱۳ اسفند ۶۰ در درگیری در پایگاه
- ۲- مجاهد شهید رقیه مسیح (مصباح) مادر خانواده شهادت ۱۳ اسفند ۶۰ در درگیری در پایگاه
- ۳- مجاهد شهید اکبر مصباح ۲۰ ساله دستگیری پس از ۳۰ خرداد ۶۰ تیرباران
- ۴- مجاهد شهید اصغر مصباح ۱۷ ساله شهادت مرداد ۶۰ در جریان درگیری در تهاجم انقلابی به کمیته ضد خلقی رژیم
- ۵- مجاهد شهید محمود مصباح ۱۶ ساله شهادت تابستان ۶۰ تیرباران
- ۶- مجاهد شهید عزت مصباح ۱۵ ساله دستگیری ۳۰ خرداد ۶۰ تیرباران
- ۷- مجاهد شهید فاطمه مصباح ۱۲ ساله دستگیری ۲۵ شهریور ۶۰ تیرباران

★ ★ ★

شهادت مجاهد خانواده شفائی

- ۱- مجاهد شهید دکتر مرتضی شفائی (پدر) مهر ۶۰ تیرباران
- ۲- مجاهد شهید عفت خلیفه سلطانی (مادر) مهر ۶۰ تیرباران
- ۳- مجاهد شهید جواد شفائی ۲۶ ساله دستگیری و شهادت در زیر شکنجه
- ۴- مجاهد شهید مجید شفائی ۱۸ ساله مهر ۶۰ تیرباران
- ۵- مجاهد شهید زهرا شفائی ۱۸ ساله ۱۲ اردیبهشت ۶۱ شهادت در درگیری با مزدوران رژیم
- ۶- مجاهد شهید حسین جلیلی همسر زهرا ۲۸ ساله ۲۰ اردیبهشت ۶۱ شهادت در درگیری با مزدوران رژیم

★ ★ ★

آموزش‌های ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

بقیه از صفحه اول

برمی‌دارند، و در همین رابطه با مشکلات، سوالات و ابهاماتی روبرو شده‌اند که در نامه‌های خود به طرح آنها پرداخته‌اند:

از آنجا که نشریه‌ی مجاهد، همانگونه که در سرمقاله‌ی مجاهد شماره‌ی ۱۳۹ آمده است در شرایط فعلی، اساسا در خدمت رشد و ارتقاء مبارزه‌ی مسلحانه‌ی سراسری خلق می‌باشد بر آن شدیم که فشرده‌ای از سوالات را تحت عنوان "آموزش‌های ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلح" پاسخ دهیم. پاسخ‌هایی که مبتنی بر "رهنمودهایی برای عمل مسلحانه" می‌تواند بطور عام مورد استفاده‌ی تمامی رزمندگان و بطور خاص جوابگوی نیازهای هسته‌های مقاومت مسلح، واقع گردد.

آنچه که مضمون و محتوای ستون "آموزش‌های ویژه" را از سایر مقالات نظامی مندرج در نشریه متمایز می‌کند، اینست که مباحث جدید عمدتا ناظر بر آموزش‌هایی است که از نیازهای "خاص" عملیات نظامی در "شرایط گمنامی" نشأت می‌گیرد همان نیازهایی که محتوای عمومی سوالات مطرح شده در نامه‌ها را نیز تشکیل داده است. مضمون پاسخگویی به سوالات مزبور، تلاش خواهیم کرد که سوال و جوابها حتی المقدور به شکلی ساده بیان شود، تا در سطح گسترده‌تری مورد استفاده قرار بگیرد. پس از آنجا که این آموزش‌ها جنبه‌ی "خاص" دارد و ممکن است حتی هر قسمت از آنها مربوط به عده‌ای از عناصر هسته‌های مقاومت مسلح و در رابطه با مرحله‌ی معینی از تشکل و فعالیت آنها باشد، بنابراین باید به محدود و مشروط بودن این آموزش‌ها دقیقا توجه داشت. محدود به "افراد و عناصر هسته‌های مقاومت مسلح" و مشروط به "شرایط نظامی و پلیسی موجود".

بهر حال سلسله آموزش‌های نظامی که از این پس در قالب پرسش و پاسخ در مجاهد درج خواهد گردید، اساسا در جهت رشد و ارتقاء و گسترش هسته‌های مقاومت می‌باشد، که این آموزش‌ها طبعاً برای رزمندگان و هسته‌های نظامی مقاومت نقش راهگشا و راهنمای عمل را دارد و لذا باید مورد توجه آنان قرار گیرد.

بی‌تردید آموزش‌های لازم برای عمل نظامی شامل مباحث متعدد و گسترده‌ای می‌باشد. از اینرو ستون "آموزش‌های ویژه" را حتی المقدور بطور پی‌درپی دنبال خواهیم کرد و به ترتیب از نیازهای "ابتدائی ولی ضروری" برای یک هسته مقاومت مسلح که پس از شکل‌گیری درجهت انجام عمل نظامی گام برمی‌دارد شروع کرده و تا مباحث و آموزش‌های مربوط به اجرای عملیات نظامی - و البته متناسب با ضرورت‌های مرحله‌ی دوم استراتژی که ناظر بر عملیات ضد اختراق یعنی ضربه‌زدن بر بدنه‌ی نظامی رزیم خصمی ضدبیشتر می‌باشد - پیش خواهیم رفت. در کنار آموزش‌های ویژه تا آنجا که مقدور باشد مقالات "آزری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق" را نیز ادامه خواهیم داد تا "دانش عمومی نظامی" نیز ارتقاء پیدا کند. ولی بازهم تکرار می‌کنیم با

توجه به اینکه هرکس در صفحه‌ی مختصات نبرد نقش ویژه‌ای دارد طبعاً آموزش‌های خاص خود را نیز طلب می‌کند. بعنوان مثال عضو یک تیم نظامی آموزش‌های معینی را می‌بیند و لی فرماندهی همان تیم، علاوه بر آنها، بهمین ویژه‌ی فرماندهی را نیز باید بیاموزد. بهمین جهت این آموزش‌ها که در رابطه با رزمندگان جبهه‌های نبرد انقلابی مسلحانه‌ی سراسری تنظیم شده است، چه بسا بتواند برای سایر افرادی که به فعالیت‌های "پشت‌جبهه‌ای" مشغول هستند مفید واقع شود ولی ممکن است که برای آنها بازنده‌ی کافی باز نشده و شاید برخی مفاهیم و مضامین آن با پراتیک خاص عناصر پشت‌جبهه هم‌اهنگی و انطباق کافی نداشته باشد.

در اینجا لازم است به نکته‌ی مهم دیگری اشاره کنیم و آن تفاوت آموزش‌های مکاتبه‌ای با آموزش‌هایی است که توسط فرماندهان و مسئولین بطور مستقیم و شفاهی مطرح می‌شود. در آموزش‌های شفاهی و مستقیم، می‌توان مباحث را با در نظر گرفتن شرایط ویژه‌ی شنونده تنظیم کرد و مثلا بسته به اینکه او در چه قسمتی از بحث دارای ابهام و سوال است، بعضی جنبه‌ها را بیشتر تشریح و تاکید نمود، برخی مطالب را خیلی ریز و مبسوط طرح کرد و از برخی دیگر با اشارات گذشت و خلاصه محدود و ضرورت هر مطلب را متناسب با شنونده تعیین و سپس بیان نمود. اما آموزش‌های کتبی و نشریه‌ای و بخصوص آنچه که بعنوان آموزش‌های ویژه در نشریه منعکس خواهد شد، عملکرد ویژه‌ی خود را دارند. بایستی توجه داشت که این آموزش‌ها به شکل نوشته‌ی کامل در دست آموزش‌گیرنده‌ها باقی می‌ماند و می‌توان با مراجعات مکرر به نوشته و با بحث‌های جمعی پیرامون مطالب آن، درک خود را از مباحث و آموزش‌ها تعمیق کرد و گسترش داد.

همچنین لازم است، به این موضوع نیز اشاره کنیم که بدلیل گوناگون و منجمله جنگی که با دشمن داریم، نمی‌توان تمام مطالب مورد نیاز را در نشریه منعکس کرد. از اینرو لازمست که اولاً - رزمندگان هسته‌های مقاومت مسلح، متناسب با شرایط خاص خود و محیط پیرامونشان و با دقت و بحث جمعی مکتبی به بهره‌گیری از مباحث آموزشی بپردازند. ثانیاً - در جهت دریافت آموزش‌هایی که نمی‌تواند در نشریه منعکس شود - از طرقی که می‌دانند اقدامات لازم را بعمل آورند. در این رابطه توجه می‌دهیم که بخصوص از رادیو "صدای مجاهد" می‌توان استفاده‌های بسیار بیشتری کرد. در این شماره اولین قسمت از "آموزش‌های ویژه" پیرامون مسأله "ارتباطات" را آغاز می‌کنیم و امیدواریم که با پی‌گیری آن به بسیاری از نیازهای "آموزش عملیاتی" جهت هسته‌های مقاومت مسلح، پاسخ‌های لازم را بدهیم.

سوال اول: ارتباطات در سازماندهی، تشکل و ارتقاء هسته‌های مقاومت مسلح، که برای عملیات نظامی آماده می‌شوند چه جایگاهی دارد؟

جواب: هر هسته‌ی مقاومت مسلح قبل از دست زدن به هرگونه عمل نظامی باید سه مرحله را طی کند. این مراحل عبارتند از: سازماندهی، برقراری ارتباطات جدید و دریافت آموزش‌های لازم نظامی - تشکلاتی.

جوهر هر نوع سازماندهی "ارتباطات" می‌باشد. بدین معنی که اگر یک تیم و یا هسته‌ی مقاومت برای ورود به مرحله‌ی عملیات نظامی، ضروری است که سازماندهی خود را تغییر دهد یکی از جنبه‌های مهم آن، تغییر در روابط داخلی تیم و یا هسته و شکل ارتباطات بین افراد آن می‌باشد. به بیان دیگر موقعی که محتوای کار یک هسته تغییر می‌کند و از فعالیت‌های غیرنظامی به طرف فعالیت‌های نظامی گام برمی‌دارد، متناسب با تغییری که در محتوای کار آن هسته ایجاد شده است لازم است که در "شکل روابط" "سازماندهی" خود نیز تغییراتی ایجاد کند. چرا که می‌دانیم هرگونه عدم تطابق بین شکل و محتوا، تأثیرات "سو" خود را در عملکرد تیم گذاشت.

تغییر در ارتباطات که جنبه‌ای از تغییر در "شکل" می‌باشد بخش قابل ملاحظه‌ای از قوام و شکل‌گیری نظامی یک تیم را تشکیل می‌دهد. بدین مفهوم که اگر از ابتدای تجمع و شروع کار یک هسته تا مرحله‌ی انجام عملیات نظامی را به صد قدم تقسیم کنیم، هشتاد قدم مربوط به قبل از انجام عملیات نظامی است که ۶۰ قدم آن را مسئله‌ی ارتباطات تشکیل می‌دهد.

از اینرو "ارتباطات" بیشترین قسمت از مسیری است که یک هسته‌ی نظامی در طول شکل‌گیری خود باید طی کند. به همین مقیاس لازم است که انرژی کافی اعم از فکری و عملی نیز به آن اختصاص داده شود.

در حالیکه اغلب افراد مبتدی، بیشترین مشکلات را، پیچیدگی‌ها و تهدیدات و، در مسائل ویژه صحنه‌ی عملیات نظامی می‌بینند و طبعاً بیشترین قسمت از انرژی خود را در رابطه با آن مصرف می‌کنند، ولی تاکنون تجربه نشان داده است که اغلب ضرباتی که به تیم‌های نظامی وارد می‌شود، نه در صحنه‌ی عملیات و مثلا

بخاطر کمبود و قدرت آتش و یا ضعف در تجربیات ویژه‌ی نظامی و دیگر اشکالات تکنیکی و تاکتیکی، بلکه قبل و یا بعد از عملیات و دقیقا بخاطر اشکالات و ضعف‌های ارتباطی بوده است.

سوال دوم: تغییر در ارتباطات یک هسته‌ی مقاومت در مرحله‌ی عملیات نظامی از چه ضرورت‌هایی ناشی می‌شود و عدم توجه به آنها چه تأثیری بر عملکرد هسته دارد؟

جواب: اعضای هسته‌های مقاومت، قبل از اینکه به سمت عمل نظامی گام بردارند و بخصوص قبل از تشکل هسته‌ی مقاومت، بدلیل محتوای کار و فعالیت قبلی‌شان، عموماً از ارتباطات آزاد و گسترده‌ی برخوردار بوده‌اند. به هر جا می‌توانستند بروند. در هر زمان و به هر شکلی با دوستان آشنایان و فامیل‌هایشان تماس برقرار نمایند و... خلاصه محدودیت و ضوابط مشخص امنیتی و حفاظتی‌ای که هر واحد نظامی در شرایط دیکتاتوری و حفقان باید رعایت کند، بر ارتباط آنها حاکم نبوده است. ولی همین افراد در شرایطی که به عنوان عضو یک هسته‌ی مقاومت مسلحانه جهت انجام عملیات نظامی دوران آمادگی را طی می‌کنند لازم است که با برخورد جدی و قاطع، ارتباطات خود را بر مبنای ضوابط جدید تنظیم کرده و از هرگونه رفتار لیبرالیستی و بدون ضابطه خودداری کنند.

بی‌توجهی به موقعیت خاص "ارتباطات" در یک هسته‌ی نظامی که در واقع نشانه‌دهنده "انسجام"، "تشکل" و "سازمان" یافتگی آن می‌باشد. بطور مستقیم به ضربات نظامی منجر می‌شود. مثلا برقراری تماس‌های پراکنده و حساب نشده و عدم توجه کافی به مسائل امنیتی از جانب عناصر یک هسته‌ی نظامی می‌تواند به درگیری‌های ناخواسته با دشمن منتهی شود. بنابراین لازم است که تیم‌ها و هسته‌هایی که پس از شکل‌گیری اولیه قدم در راه انجام عملیات نظامی می‌گذارند متناسب با شرایط نظامی محیط و شرایط و امکانات خودشان، روابط و تماس‌های بیرونی و درونی خود را با فکر و بحث کافی تنظیم کرده، ساده‌گزینی را کنار گذاشته و با پرداختن بهای کافی به لحاظ وقت و انرژی، پیچیدگی لازم را در ارتباطات خود ایجاد نمایند. چرا که محتوای کار جدید یعنی عملیات نظامی در مقایسه با فعالیت‌های مراحل

آموزشهای ویژه تیمها و هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

قبلی یک تیم، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و طبعاً نیاز به پیچیدگی، تمرکز، وقت و انسجام بیشتری در شکل کار دارد و این انسجام دقیقاً در برقراری "روابط پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر نظامی" قابل حصول است. برای روشن‌تر شدن این مسئله، یک مثال می‌زنیم: انگشتان یک دست در حالت عادی، رابطی مشخصی با یکدیگر دارند و کارهای فراوانی نیز می‌توانند انجام دهند ولی نمی‌توانند "ضربه‌ی سنگین وارد نمایند. برای ضربه وارد کردن باید روابط جدید و "متمرکز" خاصی بین آن‌ها ایجاد کرد. به این مفهوم که انگشتان و کل دست را به شکل "مشت" درآورد، و آنگاه ضربه وارد کرد. اما اگر در حالت معمولی و با همان روابط و مناسبات قبلی بین انگشتان دست، ضربه وارد کنیم. اولاً آسیب چندانی به شیء مورد تهاجم نمی‌رسد و ثانیاً چه بسا بیشترین دسته و ضربه را خود انگشتان دست ببینند.

بر همین منوال اگر یک تیم یا هسته، بدون ایجاد ارتباطات ویژه‌ی مرحله‌ی نظامی قدم در راه انجام عملیات بگذارد، با توجه به حضور و بهره‌برداری دشمن، در درجه‌ی اول بیشترین آسیب را خودش خواهد دید. این ارتباطات نه تنها لازم است که در صحنه‌ی عمل نظامی حاکم باشد، بلکه از همان لحظه‌ای که یک تیم تصمیم بر انجام عمل نظامی می‌گیرد باید روابط ویژه‌ی جدید را بر کل ارتباطات خود حاکم گرداند. زیرا در حقیقت از همان لحظه‌ی ورود، محتوای جدیدی از فعالیت یعنی "جنگ و نبرد رودرو" شروع می‌شود و در چنین شرایطی خیلی بیشتر از وضعیت قبلی اعضای تیم روابط آن‌ها حساس و ضربه‌پذیر گردیده است. این ضربه‌پذیری بخصوص در دوره‌ی گذار از فعالیت‌های قبلی به فعالیت و عمل نظامی بسیار بیشتر نیز می‌باشد.

با این توضیحات، مشخص می‌شود که تیم‌ها و هسته‌های نظامی که تازه تشکیل شده‌اند و یا آن‌هایی که مدتی از ورودشان به مرحله‌ی نظامی گذشته، لازم است که وقت و انرژی مکفی جهت ایجاد و برقراری یک روابط صحیح بگذارند و بهای آن را بپردازند. تهدیدات و نقاط

ضعف ارتباطات خود را بطور همه‌جانبه بررسی کنند و با پیش‌بینی موارد و مشکلاتی که ممکن است پیش‌باید، خطوط برخورد و رهنمودهای مشخص و عملی استخراج کرده و هیچ مسئله و ابهامی را بدون پاسخ نگذاشته و به آینده موکول نکنند. زیرا جنبه‌ی مهمی از تکامل و رشد هر سیستم زنده و پویا و در اینجا تیم‌های نظامی - هر چند کوچک و حتی دو نفره در ارتقاء و پیچیدگی روابط آنها انعکاس پیدا می‌کند، بطوری که می‌توان با بررسی روابط یک تیم حد تکامل یافتگی و رشد آنرا دقیقاً تعیین کرد.

سوال سوم: تشدید و افت غلظت نظامی دشمن در شهرها در دامنه و محدوده‌ی "ارتباطات" یک هسته‌ی مقاومت مسلحانه چه تأثیری می‌گذارد؟

جواب: ارتباطات برای واحدها و تیم‌های نظامی دارای ضوابط خاصی است که متناسب با تشدید غلظت نظامی محیط، محدودیت‌های آن بیشتر شده و اشکال پیچیده‌تری بخود می‌گیرد. هم‌چنین متناسب با افت فضای نظامی شهر، امکان

و آگاهی نسبت به وضعیت دشمن در برقرار کردن "ارتباطات" دینامیزم و تحرک لازم را کسب کرد. در شرایطی که لازم است ارتباطات را پیچیده‌تر نمود و برعکس هوشیاری و آمادگی نیز داشت تا بخصوص در شرایط و لحظات ویژه‌ای که در مسیر هر انقلاب ممکن است پیش بیاید، یعنی به محض ایجاد مختصر شکافی در حاکمیت

دیکتاتوری و جو خفقان، با گسترش ارتباطات و فعالیت - های نظامی، دشمن را تا نابودی کامل مورد تهاجم مستمر قرار داد. بنابراین داشتن تحلیل مشخص از شرایط و دقت نسبت به تغییرات آن برای همه‌ی هسته‌ها و تیم‌های نظامی و رزمندگان واحدهای عملیاتی بسیار مهم است.

مثلاً در شرایط عادی، افراد

باید به اشکال پیچیده‌تری تبدیل شود. به عنوان نمونه محل قرارها، از خیابان‌ها به کوچه‌های شهر منتقل شود و یا از اماکن عمومی که امکان کنترل آن‌ها کمتر است استفاده گردد. یا در شرایطی که دشمن با تمرکز نیروهایش به کنترل تلفن‌های عمومی می‌پردازد، تا شاید از آن طریق به رزمندگان دسترسی پیدا کند، می‌توان با استفاده از تلفن مغازه‌ها و منازل و شرکت‌ها و یا شیوه‌های جدید و ابتکاری دیگر، تماس‌های تلفنی ضروری را برقرار نمود. و هم‌چنین در صورتی که شدت غلظت نظامی اجازه‌ی تماس‌های متعدد روزانه را نمی‌دهد می‌توان با به حداقل رساندن ارتباطات، پیچیدگی و امنیت بیشتری در آن‌ها ایجاد کرد.

می‌کند و از شدت و ضعف بیشتر یا کمتری برخوردار می‌شود. برای روشن شدن مفهوم قانونمندی ارتباطات در درجه‌ی اول لازم است که بدانیم مقصود از ارتباطات یک هسته چیست؟ مقصود از وجود یک ارتباط صحیح و کامل بین یک تیم، بین تیم و مسئول بالاتر، و بین افراد تیم بانیه‌های پائین‌تر، این است که آنها بتوانند ضمن داشتن اطلاع مستمر از سلامتی یکدیگر، در هر زمانی که ضرورت ایجاد کند با یکدیگر تماس برقرار نموده و باهم ملاقات کنند. روشن است که ارتباطات یک تیم متناسب با ازدیاد تعداد آنها پیچیده‌تر و مشکل‌تر می‌شود و هر قدر که تعداد آنها کمتر بشود - مثلاً ۲ نفر که حداقل لازم و در شرایط فعلی

موقعی که محتوای کار یک هسته تغییر می‌کند و از فعالیت‌های غیر نظامی به طرف فعالیت‌های نظامی گام برمی‌دارد، متناسب با تغییری که در محتوای کار آن هسته ایجاد شده است لازم است که در "شکل روابط" و "سازماندهی" خود نیز تغییراتی ایجاد کند. چرا که می‌دانیم هرگونه عدم تطابق بین شکل و محتوا، تأثیرات سوء خود را در عملکرد تیم یا هسته‌ی نظامی باقی خواهد گذاشت.

مکفی برای یک تیم نظامی می‌باشد امکان برقراری ارتباط بین آنها بیشتر بوده و تماس و ملاقات از پیچیدگی کمتری برخوردار می‌باشد. اما در هر نوع از ارتباط - چه ارتباط گسترده و پیچیده و چه محدود و ساده - و در هر مرحله‌ی مبارزه‌ی مسلحانه مخفی، لازم است که با آگاهی به قانونمندی‌های عام، شکل ویژه‌ی ارتباطات هر مقطع را مشخص کرد و در صحنه‌ی عمل با اجرا درآورد.

مهمترین قانونمندی‌های عام ارتباطات را به شکل زیر می‌توان بیان کرد:

- اصل حداقل اطلاعات در ارتباطات
- حفظ و برقراری مستمر ارتباطات ضروری
- دینامیزم و تحرک در ارتباطات
- علامت سلامتی و علامت خطر در سیستم‌های ارتباطی.

سوال پنجم: اصل حداقل اطلاعات در ارتباطات چه مفهومی دارد؟

جواب: "اطلاعات" در یک مبارزه‌ی مخفی مهم‌ترین عاملی است که ارتباطات را پیچیده و مشکل می‌کند. اگر همه می‌توانستند محل و آدرس‌خانه‌ها و پایگاه‌های یکدیگر را بدانند و در هنگام ضرورت به محل‌های استقرار یکدیگر مراجعه کنند، ارتباطات اساساً شکل دیگری بخود می‌گرفت. اما در شرایط کنونی

مثلاً می‌توان تماس‌ها را فقط به "ارتباطات داخلی" تیم‌ها محدود نمود و با استفاده از امکاناتی نظیر رادیو و نشریه جهت دریافت خطوط کار و دستورات لازم، ضرورت ارتباطات خارجی را به حداقل ممکن کاهش داد. هم‌چنین می‌توان با افزایش کیفیت نشست‌ها و ملاقات‌ها، فاصله‌ی زمانی بین دو ارتباط را

تیم‌ها و هسته‌های نظامی که تازه تشکیل شده‌اند و یا آن‌هایی که مدتی از ورودشان به مرحله‌ی نظامی گذشته، لازم است که وقت و انرژی مکفی جهت ایجاد و برقراری یک روابط صحیح بگذارند و بهای آن را بپردازند. تهدیدات و نقاط ضعف ارتباطات خود را بطور همه‌جانبه بررسی کنند و با پیش‌بینی موارد و مشکلاتی که ممکن است پیش‌باید خطوط برخورد و رهنمودهای مشخص و عملی استخراج کرده و هیچ مسئله و ابهامی را بدون پاسخ نگذاشته و به آینده موکول نکنند. زیرا جنبه‌ی مهمی از تکامل و رشد هر سیستم زنده و پویا و در اینجا تیم‌های نظامی - هر چند کوچک و حتی دو نفره - در ارتقاء و پیچیدگی روابط آنها انعکاس پیدا می‌کند، بطوری که می‌توان با بررسی روابط یک تیم حد تکامل یافتگی و رشد آنرا دقیقاً تعیین کرد.

حتی الامکان زیاد نمود.

سوال چهارم: قانونمندی‌های عام و خاص ارتباطات چیست؟

جواب: "ارتباطات" مانند هر مسأله‌ی دیگری که یک تیم نظامی با آن روبروست و به حل آن می‌پردازد، دارای قانون - مندی‌های شناخته شده‌ایست. بعضی از آنها جنبه‌ی عام دارد و مربوط به تمام شرایط و مراحل یک مبارزه‌ی مسلحانه‌ی مخفی است و برخی دیگر جنبه‌ی خاص دارد و متناسب با شرایط تغییر

می‌توانند برای برقراری تماس و ملاقات با یکدیگر از قرارهای خیابانی و یا تلفن استفاده کنند اما زمانی که دشمن با بسیج مقطعی نیروهای خود و ازدیاد تسویرهای نظامی بازرسی و به حداقل رساندن گشتی‌های متحرک، کنترل شدیدتری را در سطح شهر اعمال می‌کند و با وحشی‌گری تمام عموم مردم را در خیابان‌ها مورد بازرسی قرار می‌دهد، استفاده از قرارهای خیابانی جهت تماس و ملاقات

گسترده کردن تماس‌ها بیشتر شده و می‌توان اشکال ساده‌تری و بالطبع سریع‌تری را برگزید و در جهت گسترش منظم و حساب‌شده‌ی ارتباطات قدم برداشت.

به این ترتیب می‌توان گفت که گسترش و یا محدود کردن دامنه‌ی ارتباطات تابعی از شرایط نظامی و جو خفقان و دیکتاتوری و همچنین توان تیم و هسته‌ی نظامی است. از اینرو باید با شناخت شرایط

آموزش‌های ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

لازم است که کلیه کسانی که نسبت به یک پایگاه "اطلاعات" دارند، طبق یک برنامه مشخص خبر سلامتی خود را مستمرا به اطلاع افراد پایگاه برسانند. هرگونه اختلال در مساله‌ای اطلاع خبر سلامتی ناچار به تخلیه‌ی پایگاه منجر خواهد شد و این مساله‌ایست که انرژی بسیاری را در خود اختصاص خواهد داد. از اینرو لازم است که جهت حفظ سلامت پایگاه‌ها و ایجاد امکان مستمر استفاده از آنها، حداقل نفرات نسبت به پایگاه استقراری یک تیم، اطلاعات داشته باشند. این موضوع کمک می‌کند تا پیگیری خبر سلامتی آنها حداکثر در طول هر ۲۴ ساعت یک بار نیز امکانپذیر باشد. اصل حداقل اطلاعات در مبارزه مخفی مسلحانه فقط

اطلاعات غیر ضروری شده و آنها را دریافت می‌کنند، باندازه‌ی همان کسانی مسئول هستند که آگاهانه یا بشکل خودبخودی به دادن اطلاعات اضافه اقدام می‌کنند.

سوال ۶: آیا "اطلاعات" فقط به‌ردهای مستقیم محدود می‌شود؟
جواب: همانطور که گفتیم دانستن آدرس، شماره تلفن و هرگونه رد مشخص دیگر در رابطه با یک پایگاه، "اطلاعات" محسوب می‌شود.

اما آنچه که بخصوص باید به آن توجه داشت این است که اطلاعات همیشه شامل ردها و

رعایت اصل حداقل اطلاعات و ممانعت از کسب اطلاعات جدید - چه به وسیله‌ی خودمان و چه دیگران - به هیچ وجه دال بر بی‌اعتمادی نیست، بلکه رعایت یک ضابطه و اصل مهم امنیتی است. از اینرو کسانی که حاضر به شنیدن اطلاعات غیر ضروری شده و آنها را دریافت می‌کنند، به اندازه‌ی همان کسانی مسئول هستند که آگاهانه یا به شکل خودبخودی به دادن اطلاعات اضافی اقدام می‌کنند.

مطالب مشخص مثل آدرس و یا شماره تلفن یک پایگاه نیست. بلکه نکاتی که بطور غیر مستقیم نیز بتواند بدانستن محل یک پایگاه منجر شود، "اطلاعات" محسوب می‌گردد. اطلاعات غیر مستقیم غالباً بطور ناخودآگاه در صحبت‌های بین افراد رد و بدل می‌شود و پس از مدتی ناگهان مشخص می‌گردد یک فرد با مجموعه‌ی اطلاعات پراکنده‌ای که دریافت کرده عملاً محل پایگاه را شناخته است. اطلاعات غیر مستقیم و پراکنده بسیار متنوع است و چه بسا بنظر می‌رسد که اصلاً هیچ نکته‌ی اطلاعاتی در آنها وجود ندارد. شاید هر کدام از آنها نیز به تنهایی "اطلاعات" محسوب نشوند ولی جمع شدن تعدادی از آنها معمولاً یکدیگر را تکمیل کرده و باگامی کامل از محل یک پایگاه منجر می‌شود. مثلاً دانستن اینکه صاحبخانه‌ی یک پایگاه چه شغلی دارد، خیلی مهم نیست. ولی در صورتی که مشخص شود در فلان اداره‌ی دولتی کار می‌کند و منزلش در یک خیابان یک‌طرفه واقع است و هم‌منظر سن او،

مربوط به کسب اطلاع از محل پایگاه افراد نیست، بلکه به تمام مسائل و مطالب دیگر نیز می‌توان گفت که دادن یا گرفتن هرگونه اطلاعات و عملاً از محل پایگاه مواضع و وظایف افراد، تعداد نفرات و... فقط در صورتی مجاز است که "ضرورت" داشته باشد. یعنی پیشرفت کار مشروط و منوط به کسب اطلاعات جدید بشود. در این رابطه بهیچ عنوان نباید ساده‌گزیستی کرد و صرفاً برای ایجاد سرعت در کارها به دیگران اطلاعات غیر ضروری داد و یا خود اطلاعات جدیدی کسب کرد. تجربه نشان داده است که با مقداری کار فکری و برخورد پیچیده و پذیرش سختی و مشکلات بازم بیشتر، می‌توان مسائل را بنحوی حل کرد که منجر با افزایش اطلاعات افراد نشود. رعایت اصل حداقل اطلاعات و ممانعت از کسب اطلاعات جدید - چه به وسیله‌ی خودمان و چه دیگران - بهیچ وجه دال بر بی‌اعتمادی نیست، بلکه رعایت یک ضابطه و اصل مهم امنیتی است. از اینرو کسانی که حاضر به شنیدن

آنچه باقی می‌ماند، ارتباطات اعضای تیم برای انجام وظایف محوله می‌باشد.

برای اینکه ارتباطات ضروری قطع نشود، لازم است که تمام شقوق و احتمالاتی که ممکن است بقطع ارتباط منجر شود، پیش‌بینی شده و مورد بررسی قرار گیرد و برای هر کدام پاسخ و راه حل مشخص و مطمئنی ارائه گردد.

مثلاً اگر ۲ نفر از طریق قرارهای خیابانی با یکدیگر تماس برقرار می‌کنند، باید پیش‌بینی کنند که اگر یک نفر نتوانست بموقع سرفرار حاضر شود، یا منطقه مشکوک بود و یا بدلیل انجام عملیات در حوالی محل قرار بار نظامی منطقه بالا رفته بود، ارتباط چه می‌شود؟ همچنین اگر ارتباط بین دو نفر از طریق تلفن برقرار می‌شود در صورت خراب شدن تلفن و یا ایجاد مسائل و موارد امنیتی برای محل تلفن، موارد چگونه حفظ می‌شود؟ بهمین ترتیب اگر محل ملاقات ۲ نفر، یک پایگاه مشترک می‌باشد، در شرایطی که مسایل امنیتی برای آن ایجاد می‌شود و یا علامت خطر آن زده می‌شود، ارتباط و تماس چگونه ادامه می‌یابد؟ همچنین اگر در فاصله‌ی بین دو ملاقات، ارتباط گرفتن ضرورت پیدا کرد، از چه طریق امکانپذیر است و یا اگر یک نفر دستگیر و یا شهید شد ارتباط افرادی که به او وصل هستند چه می‌شود و چگونه حفظ می‌گردد و یا اگر... به این ترتیب باید احتمالات و شقوق مختلف قطع ارتباط، مورد بررسی قرار گیرد و برای هر کدام پاسخ معینی که حتی المقدور منجر به افزایش اطلاعات نگردد مشخص گردد. این کار مستلزم صرف انرژی و وقت مکفی و شاید بحث‌های مفصل، طولانی و مستمر باشد و اعضای تیم‌ها

تعداد فرزندان و مشخصات ظاهری خانه نیز بطور ناخودآگاه در بین صحبت‌ها گفته شود، مجموعاً تفاوت کیفی با دانستن آدرس مستقیم پایگاه ندارد. بنابراین لازم است که در صحبت‌ها اطلاعات پراکنده و بظاهر غیر مهم گفته نشود. برای کنترل بیشتر می‌توان پس از هر مدتی از افراد خواست که اطلاعات متفرقه‌ای را که از یک محل بدست آورده‌اند، نوشته و به مسئول پایگاه ارائه دهند.

مسئول مربوطه نیز با جمع‌بندی و بررسی نوشته‌ها مشخص کند که آیا با آن مجموعه‌ی اطلاعات می‌توان به پایگاه دسترسی پیدا کرد یا نه. در صورتی که جواب مثبت بود، لازم است که افراد مستقر در پایگاه، مستمرا از سلامت فرد مذکور اطلاع داشته باشند. باین ترتیب اطلاعات افراد مختلف در یک پایگاه مستمرا مورد بررسی و کنترل قرار می‌گیرد و افراد مستقر در آنجا اشراف لازم را نسبت به وضعیت اطلاعاتی پایگاه خود پیدا می‌نمایند.

سوال ۷: مفهوم حفظ و برقراری ارتباطات ضروری چیست؟
جواب: تیم برای اجرای کارها و وظایف خود نیاز به یک سری ارتباطات ضروری دارد که بهیچ عنوان نباید قطع شود. در صورت قطع این ارتباطات، تیم ناچار است برای ادامه‌ی

و ظافش، کار درجه‌ی اول خود را وصل مجدد روابط قطع شده، قرار دهد. ضروری‌ترین ارتباطات یک تیم، روابط اعضای تیم با یکدیگر و سپس رابطه‌ی آنها با مسئول بالاتر بمنظور گرفتن خطوط و برنامه‌ی کار و دیگر آموزش‌های لازم می‌باشد ولی در شرایطی که خط کار مشخص باشد و یا از طرق دیگر منجمله رادیو و نشریه امکان دریافت آنها وجود داشته باشد، ضرورت تماس مستمر با بالا نیز کاهش می‌یابد.

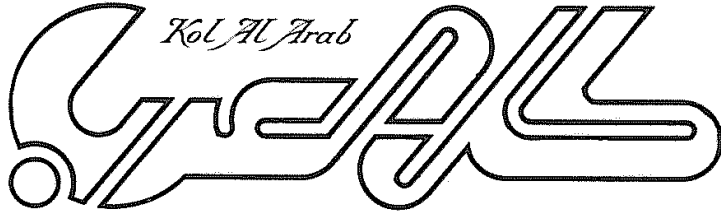
ارتباطات، کهنه شده و کارآیی خود را از دست می‌دهند. بعضی از آنها برای دشمن شناخته می‌شوند و یا دشمن با تمرکز نیروهایش یک نوع از ارتباطات را تحت کنترل ویژه قرار می‌دهد. در چنین شرایطی باید با دینامیزم و تحرک و پیش‌بینی‌های لازم، شیوه‌های جدیدتری برای ارتباطات اتخاذ نمود. هر تاکتیک، عمر مشخصی دارد و در جازدن در یک شیوه‌ی ثابت از برقراری ارتباط و استفاده مستمر و طولانی از آن و همزمان با شرایط به جلو نرفتن، مسلماً بضرر منجر خواهد شد. دینامیزم در ارتباطات را تا آنجا باید پیش برد که حتی برای قطع ارتباطات مقطعی نیز آمادگی داشت. مثلاً در شرایطی که برای برقراری یک ارتباط، اطلاعات لازم از سلامتی طرف مقابل وجود ندارد، باید آگاهانه از گرفتن هرنوع تماس مشکوک خودداری کرد و آگاهانه قطع ارتباط را پذیرفت. برای چنین شرایطی لازم است که پیش‌بینی شیوه‌های درازمدت برقراری مجدد ارتباط حتماً شده باشد. تجربه نشان داده است که بدلیل عدم پیش‌بینی شرایط قطع ارتباط و طبعاً عدم کسب آمادگی‌های لازم، افراد ناچار شده‌اند خود را به آب و آتش زده و به برقراری تماس‌های کاملاً مشکوک نیز اقدام نمایند. از همین طریق نیز تاکنون رزمندگان مجاهد ضرایب متعددی دریافت کرده‌اند. در صورتی که اگر پیش‌بینی‌های لازم برای شرایط قطع ارتباط می‌شد، سرانجام رابطه‌ی آنها بگونه‌ای دیگر وصل می‌گردید و آنها ناچار نبودند خطرات و مشکلات زیادی را به منظور حفظ ارتباطات متحمل شوند. با توجه به توضیحات

باید احتمالات و شقوق مختلف قطع ارتباط، مورد بررسی قرار گیرد و برای هر کدام پاسخ معینی که حتی المقدور منجر به افزایش اطلاعات نگردد مشخص شود. این کار مستلزم صرف انرژی و وقت مکفی و شاید بحث‌های مفصل، طولانی و مستمر باشد و اعضای تیم‌ها باید درک اهمیت ارتباطات بهای کافی برای آن قائل شده و با پیدا کردن سیستم‌های متعدد "زایاس" ارتباطات ضروری خود را محفوظ نگاه دارند.

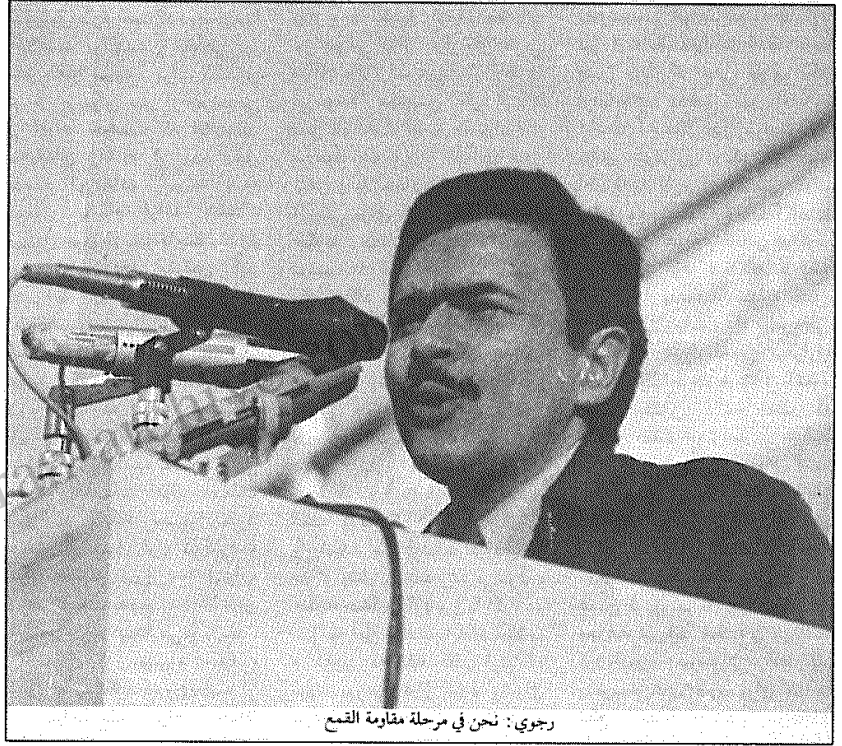
سوال ۸: "دینامیزم و تحرک در ارتباطات" چه مفهومی دارد؟
ج: پیدا کردن شیوه‌های جدید و ابتکاری و تغییر مستمر تاکتیک‌های برقراری ارتباطات، لازمه‌ی یک سیستم پویا، متحرک و زنده است. زیرا شرایط، مستمرا تغییر می‌کند و تاکتیک‌های

فوق، کلیه افراد موظف هستند که در جهت تغییر مستمر تاکتیک‌های ارتباط و کسب دینامیزم کافی اقدام نمایند. در ضمن باید توجه داشت که حد و اندازه‌ی ارتباطات، متناسب با محتوای کار و ضرورت‌های آن نیز کم و زیاد می‌شود. مثلاً اگر در حال تدارک برای عملیات هستیم، به یک مقدار معین از ارتباطات نیاز هست ولی در شرایط اجرای عمل نظامی بار ارتباطات بالا خواهد بقیه در صفحه ۱۷

مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با مجله "کل العرب"



متن گزارش "کل العرب" را که خبرنگاران آن همراه با تعدادی دیگر از خبرنگاران عربی با برادر مجاهد مسعود رجوی بدنیال ملاقات نایب نخست وزیر عراق با برادر مجاهدان مصاحبه کرده اند، ذیلاً ملاحظه می کنید. توضیحات مندرج در مجله مختصری کوتاه شده است:



رجوی: نحن في مرحلة مقاومة القمع

ستون پنجم در حالیکه جنگ ادامه دارد قرار نمی گیرد؟
* (حرف من را قطع کرده با تسم گفت): اخیراً عدهی دیگری نیز در این مورد، احتیاط (وغمخواری) شان را به من ابراز داشتند. به آنها جواب دادم آیندهی من بخشی از آیندهی مجاهدین است. من فرزند این جنبش انقلابی هستم. مردم ایران می دانند که خمینی و مجاهدین که هستند. این مردم و تمام جهان شاهد فداکاریهای مجاهدین در برابر حاکمیت شاهنشاهی و طغیانگری خمینی بوده و هستند. امروز ما به مردمان دست آوردی را که می توانند در پایان دادن به جنگ عراق و ایران نقش داشته باشند، تقدیم می نمایم تا (بالمال) مردم ایران از این حکومت جاهلان خلاص شوند.
— آیا پرزیدنت بنی صدر نیز از جمله دوستانی بوده که به شما در مورد دیدار با عراقیها هشدار داده است؟
* نه

(سپس رجوی از من پرسید):
بنظر شما چه کسی مانع صلح است؟
— آنکس که در این جنگ مناقشی دارد.
* (او) — رجوی — به تندری گفت: (خمینی خواهان پایان دادن به جنگ نیست. پرزیدنت بنی صدر شاهد است که در ماه سوم سال ۱۹۸۱ شرایط مناسب برای تحقق صلح شرافتمندانه کاملاً آماده شده بود ولی خمینی آنرا رد کرده بوده است. کشورهای غیرمتعهد، کشورهای کنگره اسلامی، سازمان ملل و کشورهای دیگری چون الجزایر به کوششهایی جهت برقراری صلح پرداختند، ولی خمینی که خواستار برقراری جمهوری اسلامی از نوع جمهوری خودش در عراق است، کلیهی این کوششها را به شکست کشانده است. تهمت "ستون پنجم" به مجاهدین نمی چسبد، آنها بایستی از خمینی بپرسند که چرا تانکها و هواپیماهای شارون برای

و خطری که ممکن است برای منطقه پدید آورد، پرداخته و درک این موضوع را از سوی رژیم زیر سوال می برد.
(رجوی) یک نسخه از بیانیهای مشترک را که پس از دیدار با طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق به هنگام دیدارش از پاریس در اواخر ماه جاری صادر شده بود به من نشان داده و گفت: آیا این را خوانده اید؟
* بله
* این امر (درهم شکستن سیاست جنگ طلبانهی خمینی) مرا بیش از هر وقت دیگر خوش بین می کند.
— از صحبتتان چنین فهمیده می شود که به بغداد می روید؟
* هنگامیکه شرایط اجازه دهد...
— ولی آیا این نزدیکی با عراقیها مورد بهره برداری رژیم ایران و متهم نمودن شما به

هستند، متمرکز نموده اند. منابع رجوی می گویند که (سازمان مجاهدین) هزار تن از پاسداران انقلاب را در نیمه دوم سال گذشته به هلاکت رسانده است. همچنین او می گوید مرحلهی قیام عمومی پس از آنکه مردم بر ضد رژیم به حرکت درآیند فرا خواهد رسید.
رجوی مخالف با جنگ است و ایمان دارد که ایجاد روابط سالم با عراق بر اساس حسن همجواری و عدم دخالت در امور یکدیگر و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی خواهد بود و این امر زیربنای مناسب برای حل شرافتمندانه و عادلانهی جنگی است که در هر خانهای ایرانی باعث اندوه و خون گردیده است.
بعد از این مقدمات، او به احتمال شروع جنگ داخلی و شرکت ابرقدرتها در این جنگ

این مجله ابتدا تحت عنوان "رژیم، سقوط نموده ولی به پایان راه بن بست رسیده است" به تحلیل شرایط ایران پرداخته است. در این تحلیل به مخالفت شدید طبقه متوسط که نمایندهی آن بزعم نویسندگی مقاله بازرگان است اشاره کرده و بخشی از نامه او را به هاشمی رفسنجانی نقل نموده است. سپس به مسألهی حقوق بشر و نقض آن و جاننشینی خمینی پرداخته و می نویسد:
مجاهدین خلق ضربات شدیدی که بدنهی سازمان مخفی آنان را هدف قرار داده بود، تحمل نموده اند ولی آنها نیز توانستند مشروعیت رژیم را از بین ببرند و در این مرحله آنها (مجاهدین) می گویند که ضربات خود را بر سیستم سرکوب، یعنی سپاه پاسداران و سایر نهادهای رژیم که مسبب "تروریسم رسمی" بر علیه مردم

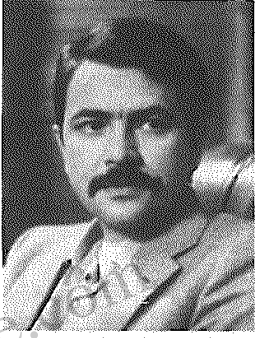
کشاور مردم لبنان و فلسطین با نفت او پرمی گردد؟
— ولی شما از موقع آمدنتان به پاریس گفته اید که بزودی به تهران باز خواهید گشت؛ حال آنکه نزدیک یکسال ونیم است که شما در اینجا بسر می برید و رژیم هنوز برقرار است؟ این امر را چگونه تفسیر می کنید؟
* بقای حاکمیت (و سقوط نکردن) خمینی به دو امر برمی گردد: اختناق (غیرقابل تصور) داخلی و جنگ با عراق (و کمکهای خارجی). رژیم از نظر مردمی سقوط کرده و مجبور به ادامه و افزایش سرکوب و اختناق برای طولانی نمودن عمر خود است. ولی این سرکوب نمی تواند ادامه یابد و در نتیجه اگر جبههی جنگ عراق و ایران شعله ور نباشد رژیم مشکل بتواند باقی بماند. در اینجا نقش مجاهدین مطرح می شود که با مقاومت داخلی خود سعی در نابودی نهادهای سرکوبگر رژیم نموده و با خون خود پیوسته بهای آنرا می پردازند. رهبری رژیم به از بین رفتن سه هزار عضو سرکوبگر، منجمله عناصر رهبری کشته اش اعتراف نموده است.
یکسال پس از آغاز مقاومت، مرحلهی اول آن در روشن گذشته پایان یافته است. در این مرحله پنج هدف مشخص تحقق یافته و عبارتند از:
اول: افشای چهرهی حقیقی خمینی به عنوان طغیانگری مستبد دوم: از بین رفتن مشروعیت و آیندهی خمینی. سوم: بهارنزه درآوردن رژیم پس از نابودی عناصر رهبری کنندهی آن، بطوریکه در برابرش هیچ چشم اندازی جز بالابردن سرکوب قرار ندارد. چهارم: تثبیت نظامی مجاهدین پس از آنکه قبلاً در سطح اجتماعی و سیاسی پروسهی تثبیت خود را بپایان رسانده بودند. پنجم: معرفی نمودن آلترناتیو دمکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت. از ژوئن ۱۹۸۲ مرحلهی استراتژیک دوم مبارزه جهت سرنگونی رژیم بقیه در صفحه ۱۶

سؤال روزنامه عربی زبان "الوطن" از برادر مجاهد مسعود رجوی

۲۴ صفحه
الوطن
 فلس

AL-WATAN Mon 3 - JAN - 1983 No 2826 Year 21 • ۲۱ السنة ۱۹۸۳ العدد ۲۸۲۶

این روزنامه به مناسبت سال جدید مصاحبه‌هایی با شخصیت‌های مختلف عربی و ایرانی انجام داده، تا نقطه نظرات آنها را در مورد مسائل خاورمیانه، جنگ ایران و عراق و مسائل داخلی ایران منعکس نماید.



* مسعود رجوی

سؤال "الوطن" اینست: در سال ۱۹۸۳ انتظار چه جنگ و یا صلحی در خاورمیانه دارید؟ مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران و رئیس شورای ملی مقاومت ایران می‌گوید: با پیش‌بینی آینده سال ۱۹۸۳، مسأله صلح در منطقه کاملاً روشن بنظر نمی‌آید. زیرا عواملی که باعث شعله‌ور شدن بحرانها و جنگها شده‌اند همچنان وجود دارند. در غرب منطقه خاورمیانه با مشکل لبنان و فلسطین روبرو هستیم که پس از تجاوز اخیر اسرائیل تشنج بیشتری یافته و می‌رود که به مرکز دائمی و فعال تنش، تحول یابد و این وضع تا وقتی که مردم فلسطین به حقوق مشروع خود نرسند و لبنان بطور کامل از نیروهای صهیونیستی تخلیه نگردد، ادامه خواهد یافت. همچنین در شرق این منطقه با بحران اساسی که جنگ ایران و عراق است روبرو هستیم. این جنگ تا وقتی که خمینی در قدرت است، انتظار می‌رود ادامه یابد. مسأله در اینجا، بحرانی است که وبای رژیم کنونی ایران و دشمنی‌اش با کشورهای دیگر منطقه بوجود آورده و صلح و استقرار در منطقه را بخطر انداخته است. بطور مثال جنگ ایران و عراق باعث انشعاب و بحران در قلب سازمان اوپک شده است. عدم احترام رژیم ایران به مصوبات اوپک، منافع کشورهای نفتی منطقه را مورد تهدید قرار داده است و این تهدید نیز ادامه خواهد یافت. کافیتس در اینجا به آنچه که هفت تن از متخصصین برجسته امور نفتی مطرح نموده‌اند اشاره نمائیم که دوتن از این متخصصین قبلاً دبیر کل سازمان اوپک بوده‌اند. آنها در اظهارات خود که بطور وسیع در اروپا منتشر شد، گفته‌اند که کم شدن هر دلار از قیمت هر بشکه، سالانه ۷/۵ میلیارد دلار به کشورهای اوپک ضرر زده است.

است این امر به اختلاف جدید و خطرناکی بینجامد. بدین ترتیب، آینده صلح، روشن نیست مگر آنکه کلیه کشورهای مسؤل در منطقه به راه حل‌های سریعی، چه برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و چه برای بازگرداندن حقوق مشروع مردم فلسطین و لبنان به آنها، دست یابند. اینها یک پاسخ کلی بود؛ ولی بهتر است مفصلاً به سوال شما که معتقدم با یکدیگر ارتباط دارد، پاسخ گویم. در ابتدا می‌خواهم اشاره بکنم که پیش‌بینی تحولات آینده ضرورتاً به وضع کنونی منطقه‌باز می‌گردد. وضعی که با مشکلات کشور من و جنگ ایران و عراق متمایز می‌گردد. جنگ ایران و عراق برای ما به منزله میزبان الحرام‌هاست که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت. در این چهارچوب، تحولات سیاسی در آینده منطقه اساساً بر موقعیت استراتژیک ایران و جنگش با عراق - که در منطقه نفتی جریان دارد - و تأثیرات این امر، بر کشورهای منطقه تکیه دارد. روشن است رویدادهایی که در منطقه در دو سال گذشته و بخصوص سال قبل، پیش آمده این امر را قبلاً ثابت کرده است. در این رابطه در نامهای که به روسای جمهور کشورهای پایداری نوشته شده بود هشدار داده و در آن از نقش این جنگ و آثار آن در جهان عرب و مشکل لبنان و فلسطین مفصلاً صحبت کرده

در حقیقت کلید پایان جنگ پس از عقب نشینی عراق و قبول نمودن مرزهای بین‌المللی در قرارداد ۱۹۷۵ دیگر دست رژیم کنونی ایران نیست، بلکه بدست آلترناتیو دمکراتیکی در سطح ملی است که توسط شورای ملی مقاومت نمایندگی می‌شود. و صلح را در صدر برنامه‌های خود قرار داده است. در مورد سیاست‌های محافظه کارانه‌ای که بعضی از رژیم‌های عربی در برابر رژیم کنونی ایران اتخاذ نموده‌اند باید در اینجا تأکید کنم که نقطه نظرهایی که معتقد است پرداخت غرامت به خمینی به آرام کردن گراشات خصمانه‌ی او می‌انجامد، کاملاً غلط است؛ بلکه برعکس، خمینی از آن در داخل ایران برای توجیه خود و تقویت حاکمیتش استفاده می‌کند. در

بودم. در این نامه تأکید شده بود که برنده‌ی حقیقی در رابطه با سیاست خصمانه رژیم کنونی ایران در منطقه اسرائیلی خواهد بود و بجزیر از مردم ایران و عراق که در این جنگ قربانی می‌شوند، خلق فلسطین نیز بهای گزافی پرداخت خواهد کرد. همچنین از موقع آمدن به پاریس مکرراً هشدار داده بودم که این جنگ، زمینه را برای حمله

بحران اوپک شده، بطوری که توازن اجتماعی - اقتصادی منطقه را در اثر خساراتی که به منافع کشورهای عربی و ایران وارد آورده، مورد تهدید قرار داده است و این کشورها را به بازگشت به دوران قبل از بوجود آمدن سازمان اوپک تهدید می‌کند. انتظار می‌رود تکامل اقتصادی - اجتماعی کشورهای ذینفع، ضربات شدیدی خورده و ممکن

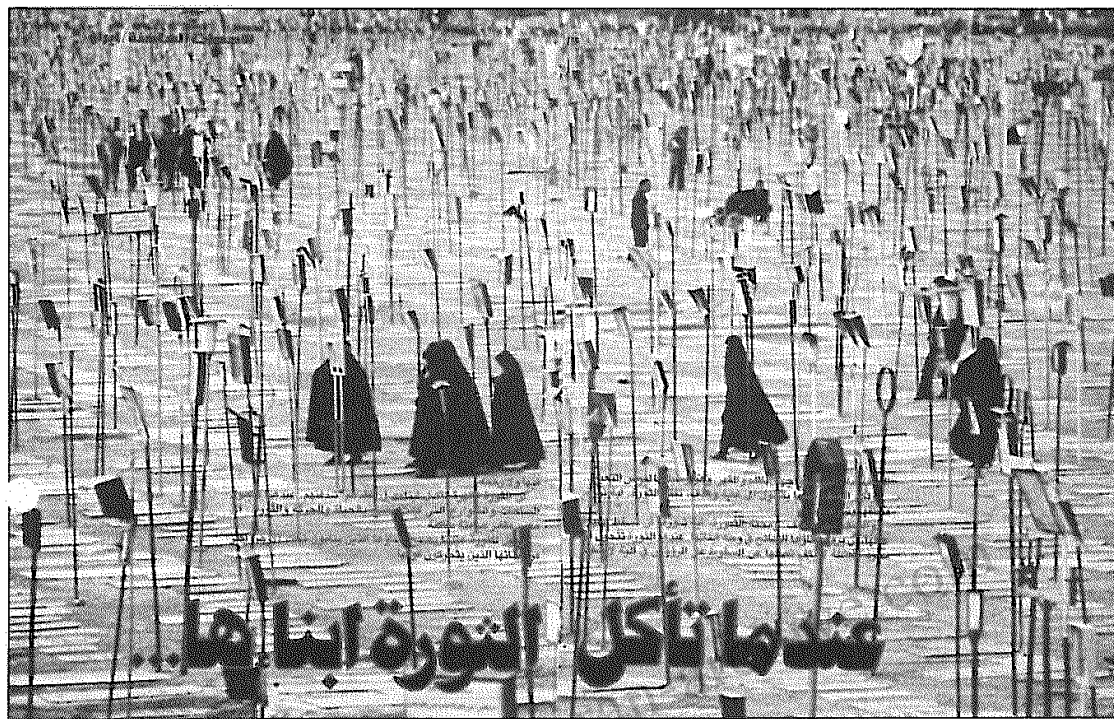
صلح و برادری بخود نخواهد دید. این وضعیت به ماهیت فاسد و ارتجاعی این رژیم که قادر به اداری اوضاع اقتصادی - اجتماعی رو به اضحلال خود نیست، مربوط می‌گردد. این رژیم قادر به پیشرفت، تکامل و رشد نبوده و نمی‌تواند زندگی کند؛ مگر در جوی پر از بحران و ماجراجویی. امر جدیدی که نشان دهنده ابعاد نوینی از سیاست خصمانه رژیم است در اظهار نظرهای نخست‌وزیر ایران که علناً کویت را به "مجازات به علت مواضع شیطانیش" تهدید نمود، می‌باشد. بعد از آن خبر انفجار بمبی در برابر ساختمان (سفارت) کویت در یونان را شنیدیم. همچنین برپایی پایگاههای نظامی به هدف سرنگ کردن رژیم عراق تحت نام "مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق" و بیش از آن اینکه منتظری که پس از خمینی قدرت مذهبی را بدست دارد خودش امر صدور تروریست‌ها بخصوص به کشورهای عربی و اسلامی را بهمهده دارد و خبرهایی به ما رسیده که نشان می‌دهد او مشخصاً بریک اردوگاه جنگی که اخیراً در جنوب غربی ایران برای این امر ایجاد شده و مبالغ زیاد و پاسپورت‌های جعلی بسیاری در اختیار آن گذارده شده، نظارت می‌نماید. بنابراین چطور ممکن است کسی در چنین جوی آرزوی صلح در منطقه را با وجود این رژیم ارتجاعی و غیر مسؤل، عملی بداند.

در حقیقت کلید پایان جنگ پس از عقب نشینی عراق و قبول نمودن مرزهای بین‌المللی در قرارداد ۱۹۷۵ دیگر دست رژیم کنونی ایران نیست، بلکه بدست آلترناتیو دمکراتیکی در سطح ملی است که توسط شورای ملی مقاومت نمایندگی می‌شود. و صلح را در صدر برنامه‌های خود قرار داده است. در مورد سیاست‌های محافظه کارانه‌ای که بعضی از رژیم‌های عربی در برابر رژیم کنونی ایران اتخاذ نموده‌اند باید در اینجا تأکید کنم که نقطه نظرهایی که معتقد است پرداخت غرامت به خمینی به آرام کردن گراشات خصمانه‌ی او می‌انجامد، کاملاً غلط است؛ بلکه برعکس، خمینی از آن در داخل ایران برای توجیه خود و تقویت حاکمیتش استفاده می‌کند. در

مصاحبه مجله "کل العرب" با...

بقیه از صفحه ۱۴

نماید که اعلامیه‌ی ایران و عراق صادره در حومه‌ی پاریس در بالابردن الترنتیو دمکراتیک رژیم خمینی از نظر داخلی و خارجی نقش داشته، بطوریکه بقیه‌ی الترنتیوها شانس خود را از



ترک کرده و بما پیوسته‌اند. حتی روزنامه‌های خارجی اینها را منعکس کرده‌اند. بیاد می‌آورید که در اولین مصاحبه‌ای که پس از آمدن به پاریس انجام دادم، گفتم که در کوتاه مدت، امکان کودتای ارتشی اصلاً وجود ندارد. بدنه‌ی ارتش به نسبت آنچه که در زمان شاه بوده کاملاً تغییر کرده است.

دست داده‌اند. - ولی من از اپوزیسیونهای دیگر (سلطنت طلب و غیرسلطنت طلب) شنیده‌ام که ارتش ایران دست به اقدامی خواهد زد و این امر بفتح شما خواهد بود آیا در این خوش بینی‌تان مبالغه نمی‌کنید؟ * نه دوست من، ما ابتدا مبالغه نمی‌کنیم. من معتقدم که شما روزنامه‌ها را خواننده و تسدات

ملت را در آینده ایجاد نموده‌ایم. با توجه به اینکه این منطقه یکی از حساسترین مناطق جهان است. دستاوردی که با عراقیها به تحقق درآورده‌ایم دارای ابعاد دراز مدت و تاریخی نیز هست که می‌تواند در نجات منطقه از جنگال بازی- گران بین‌المللی مشارکت نموده و امکانات آنرا در جهت رشد اقتصادی و اجتماعی بکار گیرد. رجوی فراموش نمی‌کند اشاره

داده‌است باضافه‌ی نیم میلیون مجروح و معلول و حدود سه میلیون آوارهی بی‌پناه و بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت مادی، یعنی باندازه‌ی ۱۰ سال درآمد نفتی ایران... - انعکاس این امر در درون ارتش و در منطقه چه بوده‌است؟ * عناصر ملی ارتش بزودی بر اقدامات خود بر ضد خمینی خواهند افزود و در مورد منطقه ما سنت صلح پایدار بین دو

آغاز گردید. مسعود رجوی این مرحله را به تفصیل شرح داده و می‌گوید هدف مرحله‌ی دوم "شکستن شبکه‌ی سرکوب و آماده نمودن مردم جهت مرحله‌ی آینده می‌باشد. ولی رژیم خمینی از ادامه‌ی جنگ برای توجیه سرکوب اجتماعی، سیاسی اقتصادی‌ای که بر مردم تحمیل نموده سود برده، میهن پرستان ارتش را در مرزها مشغول نگه داشته، تضادهای داخلی را پوشانده و سعی دارد سپاه پاسداران را به ارتش جدیدی تبدیل کند.

این امور، "مجاهدین" را بر آن داشته تا این استراتژی رژیم را با ایجاد شکاف در جبهه‌ی جنگ افروزانه‌ی خارجی و برقراری زیربنای روابط آینده‌ی سالم بین عراق و ایران، پاسخ گویند. این بخشی از طرح جایگزینی است که شورای ملی مقاومت برای مردم ایران مطرح نموده‌است و این بهانه‌ی اساسی را از رژیم می‌گیرد.

رهبر مجاهدین ابعاد مختلف بیانیه‌ی مشترکی را که با طارق عزیز امضاء نموده این چنین جمع بندی می‌کند: "این دیدار و بیانیه‌ای که بدنیاال آن صادر گردید، موازنه‌ی سیاسی‌ای را که بعلت سیاست جنگ طلبانه‌ی خمینی برقرار بود، تغییر داده است و به تضادهای درونی رژیم در مورد جنگ دامن خواهد زد. ایران تا بحال حدود ۳۰۰ هزار کشته و مجروح در این جنگ

بازهم اعدام در انظار عمومی مردم

هرچند رژیم جنایت پیشه‌ی خمینی با توسل به چنین شیوه‌ی هائی قصد ایجاد وحشت در میان مردم را دارد ولی آنجا که می‌داند چنین وحشی‌گری‌هایی جز به نفرت و انزجار خلق از رژیم نمی‌افزاید، از خشم و عصیان احتمالی مردم نیز بشدت وحشت دارد.

لازم به توضیح است که مجاهد شهید محمد پورا براهیمی برادر مجاهد شهید مقدس خلق علی پورا براهیمی است که اوایل سال جاری در جریان اعدام انقلابی احسانبخش جنایتکار نماینده‌ی قدرتمند خمینی در گیلان از طریق عملیات مقدس انتخاری به شهادت رسید.

ساعت ۹/۱۰ دقیقه صبح روز پنجشنبه پنجم اسفندماه جاری مجاهد خلق محمد پور- ابراهیمی بدست دژخیمان خمینی خون آشام در میدان فرهنگ رشت و در میان بهت و حیرت و انزجار مردم رشت به شهادت رسید.

پاسداران مزدور و سایر عوامل اختناق خمینی از یک روز قبل در مساجد و مراکز انجمن‌های ضد اسلامی به تبلیغ پیرامون این جنایت رژیم که قرار بود روز بعد انجام گیرد، پرداخته بودند. در روز حادثه با بستن خیابان‌های اطراف میدان و ایجاد حکومت نظامی، سعی در کنترل شهر داشتند، چرا که

است. رهبران فلسطین نقش منفی و ادعاهای احمقانه و غیر جدی رژیم کنونی ایران را محکوم کرده و کم و بیش مورد انتقاد قرار داده‌اند. آنچه که می‌توان در مورد آینده‌ی آرمان فلسطین انتظار داشت، امری است که وابسته به وحدت و همکاری کشورهای عربی با مقاومت فلسطین و سرنوشت جنگ ایران و عراق می‌باشد. این دو مساله بدون شک بر آینده‌ی منطقه بطور کلی تاثیر خواهند داشت و آرزوی منم با روشن نگری رهبران فلسطین و وحدت جهان عرب، آنها در سال جدید پیروزی‌های جدیدی برای خلق فلسطین بدست آورند.

سؤال روزنامه عربی زبان "الوطن" از...

همچنانکه ابوعمار در گذشته گفته است: "این ضربات، ضرباتی هستند که گرم را نشکسته و مرا نمی‌کشند بلکه زنده‌ام می‌کنند" هم اکنون انقلاب فلسطین دست- آوردهای سیاسی فوق العاده مهمی بدست آورده است. آنها بخوبی مقاومت کرده‌اند، تمام جهان و بخصوص اروپا این امر را فهمیده و واقعیت آرمان فلسطین و سازمان آزادی بخش فلسطین را برسمیت شناخته‌اند. در جریان آنچه که در این سال در لبنان فلسطین اتفاق افتاد برای همه روشن است که رژیم ایران نتنها به توسعه‌ی جنگ ایران و عراق پرداخته بلکه به تجاوز سیاسی و عملی بر ضد انقلاب فلسطین پرداخته و بار دیگر همدستی خود را با بگین ثابت نموده

این مورد به کلیه‌ی کسانی که در پی صلح در جهان عرب و استقرار در منطقه هستند باید پیام داد که غرامت دادن به خمینی خطرناکتر بوده و این نحوه‌ی رفتار سیاسی در آرام کردن رژیم ایران موفق نخواهد بود.

در مورد انقلاب و مردم فلسطین. در جهان همگی به این امر اعتراف کرده‌اند که آرمان فلسطین، آرمان مردمی است که می‌بایستی مالک سرزمین‌های خود باشند و قاطعانه ثابت شده که سازمان آزادی بخش فلسطین تنها نماینده‌ی قانونی آن بوده است و علیرغم ضرباتی که بر انقلاب فلسطین در لبنان وارد آمده

آموزشهای ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱)

بقیه از صفحه ۱۳

ارتباطات

رفت و پس از اجرای عمل تا کسب آمادگی برای عمل بعدی، اکت قابل ملاحظه‌ای پیدا خواهد کرد. تصور این مساله که میزان ارتباطات باید همیشه در یک حد ثابت باقی بماند، غلط است و ناقص اصل دینامیزم در ارتباطات می‌باشد. بنابراین همانطور که برای تغییر تاکتیک ارتباطات باید آمادگی‌های لازم را داشت، جهت ازدیاد و یا تقلیل ارتباطات و مدت آن نیز باید آمادگی داشت. همچنین لازم است که برای قطع ارتباطات مقطعی و "فعالیت مستقل" نیز پیش‌بینی‌های لازم شده باشد. داشتن آمادگی‌های کافی ذهنی برای برخورد با چنین ناگنی کمک بسیار زیادی خواهد کرد.

سوال ۹: علامت سلامتی و علامت خطر در سیستم ارتباطاتی چیست و چه نقشی دارد؟

جواب: قبل از برقراری هرگونه تماس لازم است که از سلامتی طرف مقابل، اطلاع حاصل کرد و آنگاه ارتباط را برقرار نمود. علامت سلامتی و علامت خطر در رابطه با انواع تماس‌ها - که در شرایط کنونی عمدتاً از طریق قرارهای خیابانی تماس تلفنی و یا مراجعه به یک پایگاه است - مصداق دارد و باید در رابطه با تمام آنها رعایت گردد.

مثلاً وقتی می‌خواهیم به یک پایگاه مراجعه کنیم اولاً لازم است که از منطقه‌ای خارج از بگه و از طریق تلفن، از سلامتی پایگاه مطمئن شویم. در صورتی که تلفن وجود نداشته باشد، می‌توان با ایجاد یک تغییر مشخص و عادی در نمای ظاهری پایگاه، سلامت بودن آن را مشخص کرد. و پس از اطمینان از سلامت پایگاه به آنجا مراجعه کرد و زنگ درب را با رمز مشخص بصداد آورد و وارد پایگاه شد.

در رابطه با تماس‌های تلفنی نیز می‌توان با تعیین کلمات و جملات خاصی که بیان آنها در پشت تلفن، عادی است، سلامتی و یا خطر را اطلاع داد. برای اجرای قرارهای خیابانی هم باید با تعیین سیستم‌های مناسب، سلامت طرف مقابل را دریافت کرد. بخصوص در شرایطی که می‌خواهیم برای اولین بار با فردی که او را نمی‌شناسیم، قرار اجرا کنیم.

به همین ترتیب در کنار هر علامت سلامتی، علامت خطر را نیز باید تعیین کرد. بعنوان مثال برای بیان خطرات مشخص

یک پایگاه، از قبیل مشکوک بودن منطقه و یا عدم اطلاع از سلامت دیگر افرادی که محل پایگاه را می‌شناسند، از طریق تلفن می‌توان جملات یا کلماتی را تعیین کرد که هرکدام مفهوم خاصی برای طرف مقابل داشته باشد.

سیستم علامت سلامتی و علامت خطر، موارد استفاده‌ی دیگری نیز دارد. مثلاً زمانی که برای فردی خطری پیش می‌آید و معلوم نیست که دستگیر شده و یا شهید شده و یا ... لازم است که کلیه‌ی اطلاعات اوتوسط افراد دیگر پاک شود. برای این کار می‌توان از علامت‌ها و رمزهای خطر استفاده کرد و در اسرع وقت کلیه‌ی کسانی را که بنحوی تحت پوشش اطلاعات نفوذ دستگیر شده قرار دارند از موضوع آگاه کرده تا اقدامات مقتضی را بعمل آورند. هرسیمتی که بتواند در حداقل زمان سلامتی و یا خطرات یک قسمت را به کل سیستم اطلاع دهد، از ارتباطات پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تری برخوردار است.

اعضای تیم‌ها و هسته‌های نظامی موظفند، همانطور که برای برقراری ارتباطات برنامه‌ریزی می‌کنند، برای دادن و

قانونمندی‌های عام ارتباطات در شرایط کنونی، از چه شیوه‌هایی جهت ارتباط می‌توان بیشتر استفاده کرد؟

جواب: اشکال مختلف ارتباط برای شرایط کنونی، علی‌العموم عبارتند از: قرار، ارتباط تلفنی، سرپل تلفنی، جایگاه مشترک و ارتباط مکان‌ته‌ای. شیوه‌های فوق برای کسانی که

نازه‌کار و پائین‌تر که آشنائی کافی با مساله‌ی ارتباطات ندارند باید هوشیاری و دقت بیشتری اعمال نمایند.

سوال ۱۱ - قرار چیست و مهمترین نکات آن چه می‌باشد؟

جواب: قرار خیابانی یکی از شیوه‌هایی است که افراد جهت ملاقات یکدیگر می‌توانند مورد استفاده قرار دهند. در مورد قرار مختصراً به چند نکته اشاره می‌کنیم و بحث مفصل آنرا به آینده موکول می‌کنیم. اولین نکته در مورد قرار، "زمان" اجرای آن است. بطور کلی زمانی را برای اجرای قرار باید انتخاب کرد که با زمان تردد عمومی مردم در خیابانها هماهنگی بیشتری داشته باشد. این مسئله در نقاط مختلف شهر تفاوت

هرتا کتیک، عمر مشخصی دارد و در جاذدن در یک شیوه‌ی ثابت از برقراری ارتباط و استفاده مستمر و طولانی از آن و همزمان با شرایط به‌جلو نرفتن، مسلماً به‌ضرر منجر خواهد شد. دینامیزم در ارتباطات را تا آنجا باید پیش برد که حتی برای قطع ارتباطات مقطعی نیز آمادگی داشت.

دارد. بعضی مناطق، روزها خلوت هستند در حالیکه برخی دیگر از مناطق ممکنست شبها خلوت باشند ولی علی‌العموم صبحها و عصرها که مردم به محل کار رفته و با بازمی‌گردند، بار تردد در خیابانها از اوقات دیگر بیشتر است.

دومین نکته، "مکان" قرار است. مکان قرار نیز علی‌العموم بهتر است که شلوغ باشد. می‌توان متناسب با زمان قرار،

در یک مبارزه مسلحانه و مخفی درگیر هستند - اعم از افراد علنی و شناخته‌شده و یا افراد مخفی و شناخته شده - بنحو یکسانی قابل استفاده است. اما ارتباطاتی که بین افراد علنی برقرار می‌شود بمراتب ساده‌تر از تماس افراد مخفی با یکدیگر یا با افراد علنی می‌باشد. زیرا تحرک افراد علنی خیلی بیشتر و سهل‌تر از افراد مخفی است. اما این تفاوتها در محتوای بر-

اعضای تیم‌ها و هسته‌های نظامی موظفند، همانطور که برای برقراری ارتباطات برنامه‌ریزی می‌کنند، برای دادن و گرفتن علامت سلامتی و خطر و تعیین فاصله‌های زمانی مناسب بین هر بار کسب اطلاع - متناسب با شرایط - نیز برنامه‌ریزی کنند و با گذاردن انرژی و وقت کافی و بررسی شقوق و احتمالات مختلف، سیستم‌های "زاپاس" را نیز برقرار نمایند. حتی مفید است در صورتی که شرایط و علاقه‌های سلامتی و خطرو سیستم زاپاس هرکدام توسط اعضای تیم مانور نیز بشود تا هم بطور کامل برای افراد جا بیفتد و هم اشکالات کار در صحنه عمل مشخص گردد.

فراری ارتباط تاثیر اساسی نمی‌گذارد. چرا که ارتباطات همگی آنها در بستر یک مبارزه مخفی و مسلحانه انجام می‌شود و لازم است که قانونمندی‌های عام ارتباطات را رعایت کنند. ولی به‌رحال دست افراد علنی در رابطه با اشکال برقراری ارتباط کمی بازتر است، اما تفاوت کیفی با شیوه‌ی برقراری ارتباط توسط افراد مخفی، ندارد.

شیوه‌های برقراری ارتباط توسط افراد علنی یا مخفی، مبتدی یا با تجربه، یکسان است. اما لازم به تذکر است که چه افراد علنی و چه مخفی در تماس با نیروهای

مکانهای مختلفی را انتخاب کرد. مثلاً خیابانهای فرعی، روزها عمدتاً خلوت هستند و فقط صبحها و عصرها کمی شلوغ می‌شوند. در حالیکه در حوالی بازار، تردد مردم در روز به حد اکثر خود می‌رسد. مکان قرار باید به‌گونه‌ای انتخاب شود که حضور افراد در آنجا عادی باشد. ضمناً عادی‌سازی‌های لازم از قبیل لباس و تیپ ظاهری متناسب در مراحل مختلف مبارزه و متناسب با حساسیت دشمن، مکان قرار تفاوت پیدا می‌کند. یک روز از خیابانها به کوچه‌ها منتقل می‌شود، یک روز

به مکانهای عمومی شهر مثل سینما، اداره، بیمارستان، حمام و یک روز به ... افراد باید متناسب با شرایط بهترین مکان را انتخاب کنند.

سومین نکته در مورد اجرای قرار، داشتن سلامتی طرف مقابل بر طبق ضوابط تعیین شده، می‌باشد. نکته‌ی دیگری که در مورد اجرای قرار، لازم است رعایت شود، تسلط و آشنائی کامل افراد به محل قرار است. چرا که در هنگام اجرای قرار، افراد نباید نسبت به محل قرار شک کرده و دچار سردرگمی شوند. در غیر اینصورت نمی‌توانند به راحتی به یکدیگر "چفت" شوند. ساعت اجرای قرار نیز لازم است که بین افراد دقیقاً تعیین و به وضوح بیان شده باشد. هم‌چنین رعایت کامل آن نیز ضروری است. چرا که افراد نباید در محل قرار بیش از حد منتظر بمانند. برای اینکه افراد، زیادتر از حد لازم در خیابان با یکدیگر همراه نباشند، بهتر است پیرامون موضوعاتی که قرار است صحبت شود از قبل فکر کرده و آنها را دسته‌بندی نمود. این کار باعث می‌شود که موضوعات نیز فراموش نشوند.

برای اجرای یک قرار صحیح و کامل می‌توان "چکلیست" زیر را پرنمود و با اطمینان خاطر جهت اجرای قرار از پایگاه خارج شد.

چکلیست اجرای قرار:

- ۱ - آیا زمان و مکان قرار کاملاً مشخص است؟
- ۲ - آیا زمان خروج از منزل را متناسب با فاصله زمانی پایگاه تا محل قرار تنظیم کرده‌اید؟
- ۳ - آیا هدف از قرار مشخص است؟

- ۴ - نسبت به مطالبی که باید گفته شود فکر کرده و آنها را دسته‌بندی نموده‌اید؟
- ۵ - آیا عادی‌سازی لازم را رعایت کرده‌اید؟
- ۶ - در صورتی که غیرمسلح حرکت می‌کنید محل مناسب مشخص کرده‌اید؟

سوال ۱۲: موارد استفاده از تلفن و نقاط ضعف و قوت آن چیست؟

جواب: تلفن یکی از شیوه‌های ارتباط سریع است و کارآئی بسیار زیادی دارد. اما تهدیدات ویژه خود را که عمدتاً کنترل مخفی تلفن و هم‌چنین مشکلات تلفن‌زدن می‌باشد نیز به‌همراه دارد. به توجه به همین تهدید باید شکل استفاده از تلفن را تنظیم نمود. مثلاً مطالب را در قالب مسائل عادی روزمره بیان کرد. زمان صحبت کردن، کوتاه‌باشد، از گفتن مسائل "اطلاعاتی" جدا

اوضاع بحرانی و فلاکت بار اقتصادی رژیم از زبان نخست وزیر

این روزها، رژیم روبه زوال خمینی یکی از بدترین و فلاکت - بارترین شرایط اقتصادی خود را می گذراند. بویژه اینکه کاهش قابل توجه قیمت نفت در بازارهای جهانی، رژیم را برای حل موقت مشکلات اقتصادی - اجتماعی، در تنگنای بیشتری قرار داده است. کاهش بهای نفت از آن نظر نیز حائز اهمیت است که اقتصاد ورشکسته و لرزان رژیم خمینی، با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی و در رأس آنها مخارج سرسام آور جنگ با عراق، بیش از همه به فروش بی وقفه نفت متکی است. همچنین از سوی دیگر، بحران اقتصادی موجود، بر دامنه اختلافات و تضادهای درونی رژیم نیز افزوده است.

موسوی نخست وزیر خائن رژیم در سخنانی که بهمین منظور در تاریخ ۱۶ بهمن ۶۱ برای اصناف و بازاریان تهران ایراد نمود ضمن تشریح وضعیت بحرانی کشور در سال گذشته، گوشه هایی از این اوضاع رقت بار اقتصادی و اجتماعی رژیم را بیان نمود. (جمهوری یکشنبه ۱۷/۱۱/۶۱) او ابتدا به اختلافات و تضادهایی که بین دولت و بازار بروز نموده، اشاره کرد و سپس در تشریح اوضاع نابسامان و فلاکت بار اقتصادی کشور در بخشی از سخنانش چنین گفت:

(تأکیدات زیر خطوط از ماست)

"... تلاش زیادی می شود که بصورت مرموزانه های بین دولت و بازار را اختلاف بیندازند من فکر می کنم برای آنکه بفهمیم که چرا این فعالیتها مرموزانه صورت می گیرد، همین قدر شما توجه داشته باشید که بازار اگر بصورت سوپرمارکتی بود (بطور تمثیلی خدمت برادران عرض می کنم) طبیعتا هر نوع تلاشی برای اختلاف انداختن بین دولت و یک سوپرمارکت بسیار خنده دار و مضحک بنظر می رسد، پس این جا نقشی هست و اهمیتی دارد که این همه سرمایه گذاری بر روی آن می شود.

دیدید که الان در دولت وجود دارد نسبت به اصناف

محترم از طرف دشمنان، تلاش می شود که وارونه جلوه داده شود یا محدود نشان داده شود ولی قضیه این است که اگر به دولت های خط امام خواه دولت شهید رجایی و خواه این دولت که خودش را خدمتگزار مردم می داند و راهی که در پیش گرفته است انشاء الله همان ادامه ی راهی باشد که آن شهید بزرگوار در کنار شهدای دیگر در پیش گرفتند (و این صحبتها که در دولت شده نگاه کنیم و تجزیه و تحلیل کنیم و بصورت آگاهانه و صحیح نظر افکنیم، ما زمینهای برای این بدبینی نخواهیم یافت و اگر این باشد ما باید بگردیم و در بیابیم که این

بدبینی ها از کجاها می تواند نشأت بگیرد.

"... توطئه برای درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی از طریق اقتصادی بسیار بسیار گسترده بود و هنوز هم ادامه دارد کنفرانس اوپک را نگاه کنید در آنجا عربستان و چند کشور ارتجاعی آمده اند و این بحث را می کنند و به بهانه های مختلفی می گویند که سطح تولید کشورها باید پائین بیاید و تکیه می کنند روی کشور ما کشور ما که روزی ۶ میلیون بشکه نفت می فروخته است و الان که می خواهد حدود دو میلیون ونیم نفت صادر کند برای عربستان مساله شده و می گویند که ما قیمت نفت را می شکنیم.

"قیمت نفت را می شکنیم"

آموزشهای ویژه تیمها و هسته های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

خودداری گردد.

استفاده های مختلفی از تلفن امکان پذیر است مثل دادن و گرفتن خبر سلامتی، و یا علامت خطر، احضار افراد برای قرار... همی این استفاده ها باید با توجه به تلفن انجام شود در غیر اینصورت تلفن به یک وسیله ی ضربه زننده تبدیل می شود.

سوال ۱۳: - اشکال دیگر برقراری ارتباط چه می باشد؟

جواب: برای برقراری ارتباط شیوه های متعدد دیگری وجود دارد که ما در اینجا فقط به ۳ شیوه آن اشاره می کنیم.

الف: پایگاه مشترک

یکی دیگر از شیوه های ارتباط، استفاده از پایگاههای مشترک است. بدین ترتیب که افراد، هر کدام یک پایگاه جداگانه دارند که در آن مستقر هستند. و فقط برای ملاقات یکدیگر در محل مشترکی جمع می شوند. داشتن محل مشترک بخصوص برای نشستها و بحثهای مفصل طولانی ضروری است، حتی وقتی که تعداد نفرات نشست ۲ نفر باشد. کیفیت نشست در حالت استقرار، خیلی بالاتر است و می توان با استفاده از قلم و کاغذ، تمرکز بیشتری ایجاد کرد و راندمان بالاتری گرفت.

ب: سرپل تلفنی

سرپل، محلی است که از پایگاه استقرار افراد تیم جدا می باشد. سرپل موارد استفاده ی بسیار زیادی دارد و بطور کلی افراد یک تیم می توانند بوسیله آن مسترا با هم رابطه داشته باشند. می توان به آنجا تلفن زد و خبر سلامتی داد و یا گرفت. همچنین مطالب لازم دیگر را می توان از آن طریق به دیگر افراد انتقال داد. داشتن یک سرپل تلفنی، باعث می شود که افراد حتی در صورت الزام از تلفن پایگاههای یکدیگر نیز اطلاع نداشته باشند؛ چراکه دانستن تلفن یک پایگاه تفاوتی با دانستن آدرس آن ندارد. تجربه نشان داده است که سرپل تلفنی و پایگاه مشترک، از بهترین شیوه های برقراری ارتباطات در شرایط کنونی است. ولی مثل هر شیوه ی دیگر، تهدیدات خاص خود را هم دارد که باید با تعیین ضوابط و استفاده صحیح از آن، خطرات آن را به حداقل کاهش داد.

ج: ارتباط مکانی

افراد یک تیم می توانند بعضی مطالب خود را بر روی کاغذ منعکس کرده و به شیوه های مناسب منجمله گذاشتن در یک محل تعیین شده از قبل برای یکدیگر ارسال نمایند. برای دریافت و یا ارسال دستورات و خطوط کلی کار نیز شیوه ی مکانی، بسیار مفید و عملی است. در این رابطه بخصوص می توان از جوهر نامرئی بطور گسترده استفاده نمود.

پیرامون شیوه ی فوق و دیگر شیوه هایی که برای برقراری ارتباط گفتیم، مطالب بسیار زیادی هست که فعلا به همین مختصر اکتفا می کنیم. در ضمن یادآور می شویم که شیوه های مختلف دیگری مثل بی سیم و... برای برقراری ارتباط نیز وجود دارد که فعلا جای طرح آنها نیست. توضیحات بیشتر در زمینه شیوه های ارتباط را به آینده موکول می کنیم.

سوال ۱۴: - "ارتباطات" بطور عام از جانب چه عواملی تهدید می شوند؟

جواب: مواردی هستند که

بطور عام ارتباطات یک تیم را مورد تهدید قرار می دهند. توجه به این مسائل، بسیار ضروری است. مساله اول، زمانها و نقاط انفعال ارتباطات است که حتی علیرغم وجود علامت سلامتی و داشتن سیستم های زاپاس، می تواند موجب قطع کامل ارتباط بشود؛ بخصوص اگر زمان انفعال، طولانی باشد و امکان پیش بینی کامل مسائلی که ممکن است رخ دهد، وجود نداشته باشد. بنابراین هنگامی که می دانیم زمان انفعال، طولانی است، باید تماس بعدی را با رعایت مسائل امنیتی کاملا حساب شده و دقیق تنظیم نمود.

تهدید بعدی ارتباطات، قرار گرفتن ناآگاهانه در محیط محدودی تمرکز دشمن است. مثلا در حالیکه اساس ارتباطات ۲ نفر، تلفن می باشد، ممکن است که به دلایلی دشمن با تمرکز نیروهای کنترل ویژه ای بر روی تلفن ها اعمال نماید. به این ترتیب افراد بطور ناخود - آگاه وارد تور دشمن می شوند. بر همین منوال ناآگاهان ممکن است قرارهای خیابانی و یا... مورد تهدید واقع شود. برای دور ماندن از چنین تهدیداتی لازم است که با هوشیاری و جمع بندی اخبار و اطلاعات مربوط به دشمن و تاکتیک هایی که در هر مقطع، اتخاذ می کند؛ مسترا آگاهی و تسلط داشت. به محض بدست آوردن هرگونه اطلاع جدیدی از تاکتیکهای دشمن در اولین فرصت آنرا به دیگران نیز اطلاع داد.

تهدید بعدی که بسیار ق توجه است، شرایطی است که ضربه وارد می شود. ارتباطات در شرایط عادی، روال منظم خود را دارند. اما وقتی ضربه ای وارد می شود و مثلا چند نفر بدست دشمن اسیر می گردند، علیرغم اینکه بخش مهمی از "ارتباط"، بالقوه مورد تهدید دشمن واقع شده است، لازم است که برای دادن علامت خطر خارج کردن افراد از تهدید دستگیری... ارتباطات را فعال کرد. در چنین شرایطی "ارتباطات"، محاسبه و دقت مضاعفی را طلب می کند و لازم است که با افزایش هوشیاری و حفظ آرامش اساسا بر روی "احتمالات" حساب باز نکند. حتی به بهای پذیرفتن فسخ ارتباط از برقراری هر نوع تماس مشکوک خودداری کرد. در این مورد، تجربه نشان داده است که به دلیل گرفتن ارتباطات حساب نشده، نه فقط ضربه، مهار نشده بلکه دامنه ی آن گسترش نیز یافته است. در صورتی که جلوگیری از گسترش ضربه کاملا امکان پذیر بوده است. در انتها با توجه به اهمیت ارتباطات بازم تاکید می کنیم که باید بهای آنرا با صرف انرژی و دقت مکنی پرداخت و از کنار کوچکترین مساله نیز نباید بی توجه گذشت.

★ ★ ★

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

اوضاع بحرانی و فلاکت بار اقتصادی رژیم از زبان نخست وزیر

جمعه اهواز که از خوزستان تشریف آورده بودند، صحبت کردیم و با استاندار خوزستان و وزارت بازرگانی در مورد این عمل هماهنگی کردیم تا این عمل انجام گیرد و الان که نزدیک هفت ماه از موضوع می‌گذرد بما فرصت می‌دهد که آن مساله را عنوان کنیم. ما در حالی که دستان تنگ است، مجبوریم که حساب شده کار کنیم و کالاهای را به آنجائی بفرستیم که نیاز بیشتری هست و مجبوریم بخاطر همین شرایط جنگی و بخاطر نفوذ پیام انقلاب اسلامی و بخاطر عظمت این انقلاب که کم‌کم بصورت یک قدرت شاخص و یک فریاد بلند از سوی محرومان درجهان مطرح می‌شود، تنگناها را بپذیریم. شما برادران می‌دانید که همدی مسائل را در ارتباط با امور اقتصادی نمی‌شود که آمد توضیح داد و شما در ارتباط با مسائل جاری خاصی یک راهزانی دارید، وقتی که مساله منتقل می‌شود به یکا بعد اقتصاد در سطح کشور و حتی در سطح جهان ما مجبوریم راهزانی داشته باشیم و ما مجبوریم محتاط تر عمل کنیم»

سوسنگرد به ما خبر دادند که بعضی از بچه‌ها از گرما فلج شده‌اند و هیچ وسیله‌ای نیست و همه چیز مردم از بین رفته است. ما آمدیم تمام واردات یخچال و یکنگه و تمام چیزهایی را که بنحوی برودت ایجاد می‌کند و همچنین سردخانه‌ها را تخصیص دادیم به خوزستان و خواستیم که به جای دیگری فرستاده نشود و نهنها این کار صورت گرفت بلکه وزارت بازرگانی موظف شد که در سطح تهران بدون آنکه گفته شود همین یخچال‌های موجود را هم که در انبارها هست به خوزستان بفرستد. ما یقین داریم که اگر این مساله را می‌آمدیم به ملت می‌گفتیم و به شما می‌گفتیم و در وسایل ارتباط جمعی منعکس می‌کردیم، همه پشتیبانی می‌کردند ولی در عین حال وضعیت آن دستگاهها در آن گرما از نظر قیمت بسیار بدتر می‌شد. ما تحمل کردیم و فقط با آقای موسوی جزایری امام

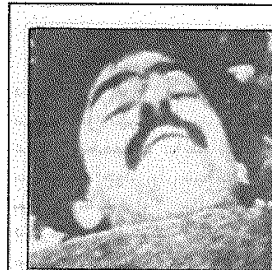
عرض کردم که ما با این کم‌وارد کردن کالا، بازارهای مان خالی خواهد شد و دست مردم تنگ خواهد شد و اتفاقا همان موقع مسالهی حاجب‌الدوله را مثال زدیم و خدمت امام عرض کردم ممکن است بازارهای ما خالی از بشقاب‌ها و چینی‌آلات هم بشود و کالاهای مصرفی هم نداشته باشیم. ما این کار را کردیم و ملت مقاومت کرد و با این تنگی‌ها ساخت و با این تنگدستی‌ها ساخت و تحرک هم نشان دادیم و وضعیت ما بهتر شد. بعضی چیزها هست که بطور علنی نمی‌توانیم بگوئیم گرچه منجر به آن شود که این گفتن‌ها یکنوع ظنی هم در مورد دولت بوجود آورد. پس از حمله‌ای که منجر به خرمشهر شدن خونین شهر شد یک هجومی به خوزستان و مناطق گرمسیر آغاز شد، که از نظر سیاسی نیز برای ما بسیار اهمیت داشت و می‌خواستیم که آنجا را راه اندازیم و در آن گرمای

آن جمعیت را دیدم همین احساس را داشتم و در هر جا که باشیم همین احساس را داریم و مملکت را اراده‌ی مردم و عشق مردم به انقلاب است که می‌چرخاند. با حضور همین مردم و با علاقه و کمک همین مردم ما تمام توطئه‌ها را درهم شکستیم با تکیه‌ای که ملت ما به شعار "نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی" داشته است، ما توانستیم این اعتماد به نفس را داشته باشیم که در سخت‌ترین شرایط بدون آنکه دستان را به طرف شرق و غرب دراز کنیم، روی پای خودمان بایستیم. ولی طبیعتا این ایستادگی بعضی وقتها سختی‌هایی هم دارد و برخی از این سختی‌ها ممکن است منتقل به خود بازار هم بشود. من یکبار خدمت برادران در مدرسه‌ی رفاه عرض کردم که سال گذشته در روستان در دی ماه وقتی ذخائر ارزی خود را می‌دیدیم و می‌دیدیم فروش نفت ما تقریبا یک حالت تحریم شده‌ای در سطح جهان دارد و دارد پائین می‌آید و هزینه‌های جنگی را هم می‌دیدیم که در حالی که برای مان از اولویت برخوردار است و خود شما و همدی ملت می‌گوئید "جنگ، جنگ تا پیروزی" و ما مجبوریم از این درآمدهای محدود ارزی یک قسمت عمده‌ای را در اختیار جنگ قرار دهیم و همان موقع بنده خدمت امام عرض کردم با این مقدار ارزی که دست ماست و ما مجبوریم قطره قطره آنرا مصرف کنیم و بر اساس اولویت‌ها مصرف کنیم، مسلما ممکن است که روزی برسد که ما به بجز گندم نتوانیم چیزی وارد کنیم، اگرچه همدی کارخانه‌های ما بخوابد و اگرچه همدی بازار ما بخوابد و ما یقین داشتیم از این مساله که اگر می‌آمدیم به ملت می‌گفتیم، ملت استقبال می‌کرد و در این زمینه هیچ شکی نداشتیم، گفتیم که ما با این برنامه پیش می‌رویم ولی انشاءالله با این حرکتی که دولت دارد، در برخورد با کشورهای خارجی و در برخورد با بازارهای بین‌المللی که بحث بسیار طولانی دارد ما یقین داریم که به این مرحله حاد نخواهیم رسید و بعدا خدمتشان

به چه معناست؟ بدین معناست که اگر ظرفیت فروش نفت عربستان به ۴/۵ میلیون بشکه رسیده باز هم به ۵ میلیون بشکه می‌رسد تا سهم ایران پائین‌تر آید، خوب در یک بازار بین‌المللی همه دنبال جنس ارزان می‌گردند و ما اگر بخواهیم قیمت‌ها را از قیمت آنها پائین‌تر بیاوریم، نتیجه چه خواهد شد؟ خوب همین بودجه‌ی ما به یک نحو موثری به درآمدهای نفتی وابسته است. آیا ما می‌توانیم خلاص ناشی از پائین آمدن قیمت را با زیاد صادر کردن نفت پرکنیم و آیا این مساله به چاههای نفت ما آسیب نخواهد زد؟ یک فشار سیاسی عمیقی در تدریج به سمت تصمیم ساده‌ی اقتصادی نهفته است، فشاری که برای آن ۶ ماه مقدمه‌چینی می‌شود. الان وزرای همین کشورهای ارتجاعی که نفت هم دارند از سوی عربستان یک جلسه مشترک دارند و گویت حتی هنوز آن جلسه تشکیل نشده، نفت ارزان را وارد میدان کرده است و من اصطلاح روزنامه‌های زاپتی را در این مورد بگویم: "سیل نفت ارزان گویت وارد بازارهای جهان شد." حال آیا عربستان که فقط ۲۰ میلیون دلار ذخیره ارزی آن در آمریکا است، نیازی به این مساله دارد یا اینکه یک مساله سیاسی مطرح است؟ برای درهم شکستن کدام رت و نیروئی در منطقه این عمل انجام می‌شود؟ آیا عربستان برای گویت این کار را می‌کند یا برای عراق؟ برای کدام کشور انجام می‌دهد؟ توطئه‌های اقتصادی تا این اندازه در سطح جهان بر علیه ما گسترده است و شما برادران این مساله را خوب احساس می‌کنید. ولی با ابتکار این مردم ایثارگر و با تحرکی که ملت ما داشته است و با کمکی که همدی ملت به دولت کرده‌اند که در حقیقت نظام را مردم نگه - داشته‌اند و ما جز خدمتگزاران کوچک و حقیر چیزی نیستیم و دائما هم همین احساس را داریم کارها به یاری خداوند اصلاح می‌شود. من وقتی که به بافق رفتم و

انعکاس مطبوعاتی راهپیمائی

بقیه از صفحه ۲۶ یادبود شهادت "خیابانی" و "اشرف ربیعی"



الدستور
العدد ۱۱ فسطاط
فبراير ۱۹۸۲ العدد (لندن ۲۷۲)

خیابانی بعد استشهد

ذکری استشهد بهاد "خیابانی" و "اشرف ربیعی"

اقامت المعارضة الإيرانية في الخارج حفل تأبين في الأسبوع الماضي بمناسبة مرور عام على استشهاد ۲۰ من قيادات منظمة مجاهدي خلق في الثامن من شباط/فبراير عام ۱۹۸۲. كان حرس الخميني قد اكتشف موقعا لقايات المنظمة داخل إيران، وقام أكثر من ۲۰ من حرس النظام بمهاجمة الموقع واستمر الاشتباك عن استشهاد بعض قيادات المجاهدي خلق، ومن بينهم: موسی خیابانی، القائد العسكري للمنظمة وروحه ادر رضاني والسيدة اشرف ربیعی زوجة مسعود رجوي زعيم المنظمة. وفي المقابل اسفر الهجوم عن مقتل ما يقرب من اربعين من حرس الخميني.

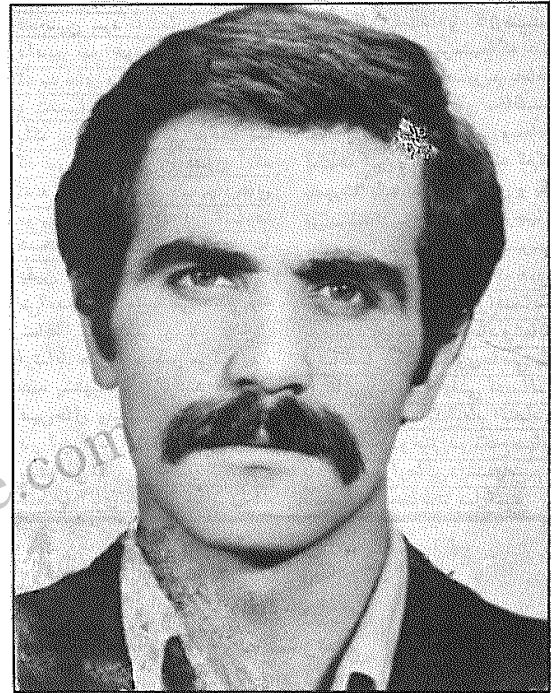
در هفته‌ی گذشته اپوزیسیون ایرانی در خارج کشور بمناسبت نخستین سالگرد شهادت ۲۰ تن از فرماندهان سازمان مجاهدین خلق در ۸ فوریه سال ۱۹۸۲ مراسمی را برپا کرد. پس از آنکه محل اقامت رزمندگان سازمان در داخل ایران کشف شد، با بیش از ۲۰۰ پاسدار به محل حمله کردند که منجر به شهادت چند تن از فرماندهان مجاهدین خلق منجمله موسی خیابانی، فرماندهی نظامی سازمان و همسرش آذر رضائی، خانم اشرف ربیعی همسر مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین شد. طی همان حمله در حدود ۴۰ تن از پاسداران خمینی نیز متقابلا کشته شدند. در مراسم بزرگ - داشتی که در لندن برگزار شد علاوه بر شرکت صدها تن از ایرانیان تعدادی از شخصیت‌های انگلیسی منجمله نمایندگان و روسای اتحادیه‌های کارگری و نویسندگان نیز حضور داشتند.

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاحها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانده رویم!

فرازهائی از زندگی انقلابی

مجاهد شهید عباس عطاپور (حمید علوی)

مَقَالَةُ اللَّهِ الْجَاهِدِينَ عَلَى الْقَائِمِينَ جَرَأَتِيماً



قرار گرفت. عباس در تمامی مدتی که در زندان بود در ارتباط با مجاهدین فعالیت می‌کرد و بخوبی توانست با فراگرفتن آموزش‌های سیاسی - ایدئولوژیک و هماهنگ‌ساختن خود با مناسبات انقلابی و تشکیلاتی، بروسی رشد و ارتقاء را سریعاً طی کند و صلاحیت و شایستگی خود را بخوبی نشان دهد.

در کنار برخوردهای قاطع او با مزدوران شاه و نیز مرزبندی صریح و روشن او در پرتو آموزش‌های سازمان با جریانات انحرافی - اعم از راست ارتجاعی و اپورتونیست‌های چپ‌نم - باید از روحیه پرشور و شاداب عباس در زندان یاد کرد که در سخت‌ترین شرایط و زیر فشار طاقت‌فرسای دوران شکنجه و بازجوئی نیز در او به وضوح به چشم می‌خورد.

پس از آزادی از زندان در سال ۵۷، برادر مجاهد عباس عطاپور همگام با دیگر خواهران و برادران مجاهدش، فعالانه در جریان قیام پیکارچهره خلق بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه شرکت جست و پس از پیروزی قیام، در بخش کارگری سازمان به فعالیت پرداخت. او در این دوران با رفتن به کارخانجات و ایجاد ارتباط با کارگران محروم، آنان را با آرمان‌های رهائی‌بخش مجاهدین آشنا می‌نمود و به افشاء ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری مرتجعین حاکم می‌پرداخت و به سهم خود در جهت پیاده کردن خطوط سازمان در زمینه آگاهی و تشکل انقلابی کارگران، فعالانه تلاش می‌کرد.

مجاهد شهید عباس عطاپور که از حل‌شدگی تشکیلاتی، قاطعیت انقلابی و جدیت و

مجاهد شهید عباس عطاپور در سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای متوسط در تهران بدنیا آمد. عباس تحصیلات ابتدائی و متوسطی خود را در تهران پایان رساند. او از سال چهارم دبیرستان، با شرکت در جلسات سیاسی - مذهبی که در آن شرایط تشکیل می‌شد، اولین گام‌ها را در جهت کسب آگاهی - های سیاسی و شروع فعالیت‌های انقلابی‌اش برداشت. مجاهد شهید عباس عطاپور در سال ۵۳ وارد دانشگاه شد و در

علاوه بر این، در همین دوره، او به کمک تنی چند از دوستان مبارزش در محله‌ای که سکونت داشت، کتابخانه‌ای دایر کرد و در ضمن آشنا کردن جوانان محل با مسائل اجتماعی و سیاسی و تشویق آنان به مطالعه کتابهای مربوطه، برای آنها برنامه‌های جمعی و سازنده از قبیل کوهنوردی و اردو و ... تشکیل می‌داد و از این طریق آنها را با مسائل مبارزاتی بیشتر آشنا می‌کرد. مجاهد شهید عباس عطاپور

عباس در بسیاری از مراسم و تظاهرات سازمان، فرماندهی واحدهائی از میلیشیا را به عهده داشت. منجمله در جریان میتینگ عظیم مجدیه در خرداد ۵۹، فرماندهی حفاظت از درب ورودی استادیوم و دفع تهاجمات جما قساران و پاسبانان مزدور را عهده‌دار بود و بنحو درخشانی مسئولیتش را به انجام رساند.

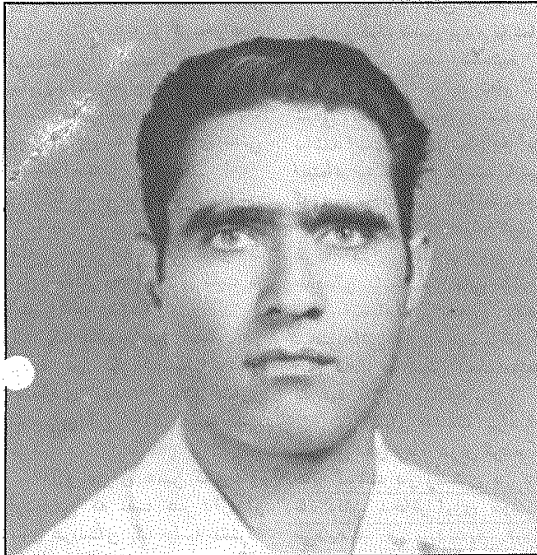
پشتکار در انجام مسئولیت‌های محوله بنحو چشمگیری برخوردار بود، بخوبی توانست صلاحیت - های لازم جهت ارتقاء به مدارج بالاتر تشکیلاتی را احراز کند. وی در سال ۵۹ پس از ارتقاء به "شورای نهاد کارگری سازمان"، ابتدا مسئولیت چند شاخه‌ی بقیه در صفحه ۲۳

در ادامه‌ی همین فعالیت‌های سیاسی بود که، در اردیبهشت ۵۵ توسط مزدوران رژیم شاه دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های زیاد به ۲ سال زندان محکوم گردید. او در زندان توانست با مجاهدین خلق ارتباط برقرار کند و از آن پس در رابطه‌ی نزدیک با سازمان

رشته‌ی مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی (شریف) تحصیلاتش را ادامه داد و در عین حال با استفاده از امکانات موجود در محیط دانشگاه، به برقراری ارتباط و تماس با سیردانان دانشجویان مبارز پرداخته و در کلیه فعالیت‌های دانشجویی و حرکات اعتراضی آنان بر علیه رژیم شاه

فرازهائی از زندگی انقلابی
مجاهد شهید محمد مصباح

مَقَالَةُ اللَّهِ الْجَاهِدِينَ عَلَى الْقَائِمِينَ جَرَأَتِيماً



حمید نژاد بهره‌های فراوان برد. پس از ضربی ۵۰ او نیز به همراه بسیاری دیگر از برادران مجاهدش دستگیر شد و تحت شکنجه‌های وحشیانه‌ی مزدوران شاه خائن قرار گرفت. در همین حال سرپرستی ۶ فرزند خرد - سالش که بزرگترین آنها ۱۱ ساله بود بعهده‌ی همسر مقاوم و صبوری (مجاهد شهیدرقیه مصباح) قرار گرفت. همسری که در دوران اسارت شوهرش، در منت - تنگدستی، باروتی بازو گشاده - که از عمق آگاهی او نسبت به راه پرافتخار همسر مجاهدش برمی‌خاست - همه‌ی شادائی و سختی‌ها را تحمل کرد. مجاهد شهید محمد مصباح بلافاصله پس از آزادی از زندان در سال ۵۳، با برادران مجاهد خود ارتباط برقرار نمود. اما مدتی بعد مجدداً توسط مزدوران شاه خائن دستگیر شد و دو سال و نیم دیگر را در زندان بسر برد. این بار نیز پس از آزادی از زندان، مجدداً ضمن برقراری ارتباط با سازمان به فعالیت انقلابی خود در صفوف مجاهدین خلق ادامه داد. پس از سقوط رژیم شاه و آغاز دوران جدید فعالیت سازمان مجاهدین خلق، مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مجاهد شهید محمد مصباح نیز ایجاب وسیعتر و گسترده‌تری یافت. در این زمان بخشی از فعالیت‌های او در ارتباط با شهرستان یزد بود. یعنی شهری که در زیر حاکمیت بقیه در صفحه ۵

مجاهد شهید سید محمد مصباح در سال ۱۳۱۲ در شهرستان یزد و در خانواده‌ای محروم و زحمتکش دنیا آمد. او که از کودکی ناگزیر بود برای تأمین مخارج خانواده به کارگری و کار بافندگی بپردازد بالاخره با تحمل مشکلات فراوان و با پشتکار و جدیت موفق شد دوران ابتدائی را پایان برساند. ۲۰ ساله بود که به تهران آمد و تا مدتها با جامه‌داری حمام و شاگردی بازار ارتزاق می‌نمود. مجاهد شهید محمد مصباح از روحیه‌ی ضد ظلم و مبارزه جو برخوردار بود که نمی‌توانست در برابر تبعیضات و نابرابریهای اجتماعی و فشارها و تحقیرهای ناشی از آن بر محرومان و ستم - کتان، ساکت بماند و منفعلانه تسلیم شرایط موجود شود. ذهن فعال و جستجوگر او در پی یافتن علل این نابرابریها و یافتن راهی برای پایان بخشیدن بدان‌ها بود و لذا پس از سالها شرکت در محافل و مجالس "سیاسی - مذهبی" آن زمان، سرانجام موفق شد آنچه را که به دنبالش بود ولی هرگز نیافته بود، با دسترسی یافتن به سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتباط با آن بیابد. وی در سازمان ابتدا در بخش مربوط به بازار به انجام فعالیت‌های انقلابی مشغول گردید و برای مدتی نیز بطور مستقیم از آموزش‌های شهید بنیانگذار، مجاهد کبیر محمد

جنگ، بودجه و تورم

بقیه از صفحه ۸

می‌رساند، بطور مرتب با کسری بودجه مواجه شده و هزینه‌هایش بیش از درآمدهایش می‌گردد. و بدین ترتیب علیرغم بودجه‌ای که در ابتدای سال تنظیم کرده و هزینه‌هایی که به هر کدام از برنامه‌ها اختصاص داده در جریان عمل، توازن و تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها بهم خورده و با کسری بودجه مواجه می‌گردد.

رژیم خمینی که در اثر سیاست‌های چپاولگرانه و ضد خلقی خود و همچنین به دلیل هزینه‌ها و خسارات هنگفت ناشی از جنگ و اصرار بر ادامه و گسترش آن همواره پس از شروع جنگ با کسری چقدر ابعاد وسیع مواجه بوده است، ولی هیچگاه به ابعاد واقعی آن اشاره نکرده و با ناچیز نشان دادن میزان کسر بودجه و حتی گاهی با انکار کامل آن (۶) سعی در پوشاندن ورشکستگی اقتصادی و رشد روزافزون تورم، گرانی رواج بازار سیاه و ... و فقر و گرسنگی نموده است. اما با اینحال گاه و بیگاه خود مقامات بالای رژیم ناخواسته به بخشی از آن اعتراف کرده‌اند.

کسری بودجه سال ۶۰

نخست وزیر خائن رژیم ضمن ارائه لایحه بودجه‌ی سال ۶۱ به مجلس در باره‌ی نتایج دهه و تصویر مالی سال ۶۰ چنین می‌گوید (روزنامه‌های اطلاعات پنجم و ششم بهمن ماه ۶۰):

"پیش‌بینی می‌شود که در پایان سال ۱۳۶۰ درآمدهای دولت به رقم ۱۵۸/۳ میلیارد ریال و پرداخت‌های دولت به رقم ۲۶۰۰ میلیارد ریال بالغ گردد. در نتیجه بودجه‌ی این سال، معادل ۱۰۱۲/۷۰ میلیارد ریال کسری خواهد داشت."

کسری بودجه سال ۶۱

نخست‌وزیر رژیم خمینی در بهمن ماه سال ۶۰ ضمن ارائه لایحه بودجه‌ی سال ۶۱ (اطلاعات ۶/بهمن/۶۰) جمع هزینه‌های دولت را معادل ۳۸۵ میلیارد ریال و جمع درآمدهای دولت را معادل ۴/۲۵۱۹ میلیارد ریال و کسری بودجه را ۵۶۵/۶ میلیارد ریال یعنی در حدود ۱۸/۳ درصد بودجه‌ی سال ۶۱ برآورد کرده بود. درحالی‌که رژیم بدلیل هزینه‌های سنگین

بودجه‌ی امسال را با کم‌کردن از بودجه‌های جاری و حتی محدود کردن کارهای عمرانی پائین می‌آورد.

اگر اوضاع اقتصادی و مشکلات صدور نفت و جنگ در سال ۶۱ مثل امسال ادامه یابد و درآمدهای دولت بطور واقع بیش از دریافت‌های امسال نباشد کسر بودجه رقمی در حدود ۵۰ درصد نسبت به کل بودجه خواهد بود که امیدوارم چنین وضعی پیش نیاید. (۷)

می‌بینیم که موجدی ساوجی از یکطرف به میزان کسری بودجه‌ی هنگفت دولت اشاره می‌کند و از طرف دیگر به دوز و کلک‌های گمراه کننده‌ی رژیم در غیرواقعی نشان دادن آمار و ارقام اعتراف می‌نماید.

رژیم همواره ضمن طرح مسئله بودجه‌ی هر سال ادعا کرده است که کسر بودجه نسبت به سال قبل به میزان قابل توجهی کاهش یافته است! در حالی‌که با مقایسه بودجه‌های سال‌های گذشته مشخص می‌شود که هیچگاه چنین نبوده و رژیم صرفاً برای اینکه نشان دهد که بر مشکلات اقتصادی فائق آمده و دچار ورشکستگی نیست، همواره چنین ادعائی می‌کند. اعترافات موجدی ساوجی نماینده‌ی خائن مجلس، ضمن پاسخگویی به بانکی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در این باره شنیدنی است (کیهان ۲۵/آبان/۶۱):

جنگ نتوانست با بودجه‌ی تصویبی سال ۶۱ پاسخگوی بیش از ۶ ماه مشکلات و هزینه‌های اقتصادی باشد، در آبان ماه امسال (۶۱) ناچار شد که لایحه‌ی متمم بودجه ۶۱ را معادل سیصد و سی و چهار میلیارد و سیصد و شصت و هفت میلیون و هفتاد و چهار هزار (۲۳۴۳۶۷۰۷۴۰۰۰۰) ریال به تصویب رسانده و بودجه‌ی سال ۶۱ را افزایش می‌دهد. اما رژیم هیچگاه رسماً کسر بودجه واقعی را اعلام نکرد. ولی بحث‌هایی که در مجلس بر سر لایحه‌ی بودجه، صورت گرفت مسئله را تا حدودی آشکار ساخت و دروغگوئی و عوامفریبی رژیم را برملا نمود. چنانکه موجدی ساوجی نماینده‌ی خائن مجلس در باره‌ی لایحه‌ی بودجه سال ۶۱ در مجلس چنین گفت (اطلاعات ۲۲/آسفند/۶۰):

"... باین ترتیب: درآمد نفت ۱۴۹، مالیات‌ها ۶۸ و سایر درآمدها ۳۵ میلیارد تومان یعنی ۵۶ میلیارد تومان کسری بودجه است. و این در صورتی است که اخذ درآمدهای پیش‌بینی شده از محل فروش نفت بسیار بعید بنظر می‌رسد. زیرا در سال جاری کل پرداخت‌های دولت ۲۶۰ میلیارد تومان و درآمد‌هایش ۱۵۹ میلیارد بوده

بر رقم کسری بودجه افزوده گردیده." (۷)

جالب اینجاست که عباس عباسی نماینده‌ی دیگر مجلس ضد خلقی برای دفاع از لایحه‌ی بودجه و توجیه علل کسری بودجه‌های دو سه سال اخیر، نقش هزینه‌های جنگ در کسری بودجه را آشکار می‌سازد (همان منبع):

"دیگر اینکه جنگ تحمیلی چه مقدار هزینه سنگین بر بودجه‌ی کشور دارد. درآمد امسال ما نسبت به سال گذشته قابل مقایسه نیست و ما در سال گذشته درآمد خوبی داشتیم. ما هرچه از جنگ دورتر بشویم مسلماً کسری بودجه کمتر خواهد شد." (۷)

همچنین تصویر مالی سال ۶۱ را که نخست وزیر خمینی در هنگام ارائه لایحه‌ی بودجه سال ۶۲ به مجلس گزارش کرده است (اطلاعات ۵/بهمن/۶۱) نیز بیانگر همین واقعیت است.

او کسری بودجه سال ۶۱ را در سال گذشته ۵۶۵/۶ میلیارد ریال (کمی بیش از ۱۸ درصد) برآورد کرده بود در حالی‌که در ماه گذشته مجبور شد این کسری را به میزان ۹۹۸/۶ میلیارد ریال (نزدیک به ۳۰ درصد) اعتراف نماید.

سه شنبه ۵ بهمن ماه
۱۳۶۱ - شماره ۱۶۹۶

سه شنبه ششم بهمن ماه
۱۳۶۰ - شماره ۱۶۶۶

تصویر مالی سال ۱۳۶۱

پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۳۶۱، درآمدهای دولت به رقم (۲۲۹۶/۴) میلیارد ریال و پرداخت‌های دولت به رقم (۲۲۹۰/۰) میلیارد ریال بالغ گردد. در نتیجه اختلاف بین درآمدها و پرداخت‌های دولت در این سال معادل (۹۹۸/۶) میلیارد ریال خواهد بود که (۵۶۶/۶) میلیارد ریال از محل استقرار از سیستم بانکی تامین می‌شود.

براساس برآوردهای موجود، درآمدهای دولت از محل صادرات نفت، تا پایان سال ۱۳۶۱، با (۱۶۶۴/۰) میلیارد ریال و درآمدهای مالیاتی با (۶۰۸۷/۰) میلیارد ریال و سایر درآمدها با (۲۳۳۲/۲) میلیارد ریال، ترکیب درآمدهای دولت را تشکیل میدهد.

پرداخت‌های جاری دولت، بالغ بر (۱۹۰۰) میلیارد ریال و سرمایه‌گذاری ثابت، رقمی نزدیک به (۸۵۰) میلیارد ریال و هزینه‌های ناشی از جنگ تحمیلی، حدود (۵۴۵) میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود.

سه شنبه ششم بهمن ماه
۱۳۶۰ - شماره ۱۶۶۶

چهارچوب کلی بودجه سال ۱۳۶۱

در بودجه سال ۱۳۶۱ جهت فعالیت‌های جاری دولت مبلغ (۲۲۶۶/۹) میلیارد ریال و برای فعالیت‌های عمرانی مبلغ (۸۱۸/۱) میلیارد ریال منظور گردیده است. باین ترتیب جمع هزینه‌های دولت در سال ۱۳۶۱ معادل (۲۰۸۵) میلیارد ریال یعنی حدود ۴۸۵ میلیارد ریال بیش از پیش‌بینی عملکرد سال جاری برآورد میگردد.

درآمد های دولت در سال ۱۳۶۱ از محل صادرات نفت به میزان (۱۴۸۹/۲) میلیارد ریال و از محل مالیات‌ها مبلغ (۶۸۲/۲) میلیارد ریال و از محل سایر درآمدها حدود (۲۴۸) میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. به این ترتیب جمع درآمدهای دولت در سال ۱۳۶۱ معادل (۲۵۱۹/۴) میلیارد ریال در حدود (۹۲۲/۱) بیش از پیش‌بینی عملکرد سال ۱۳۶۰ برآورد می‌شود.

انجام هزینه‌ها نسبت به کل درآمدهای مورد انتظار بالغ بر (۵۶۵/۶) میلیارد ریال کسری خواهد داشت که پیش‌بینی می‌شود مبلغ (۱۰۰) میلیارد ریال آن از محل برگشتی سنوات قبل تامین گردد و مبلغ (۱۶۶۴/۰) میلیارد ریال نیز از محل مرغه جوئی ضمن اجرای بودجه جاری تامین می‌شود.

سه شنبه ششم بهمن ماه
۱۳۶۰ - شماره ۱۶۶۶

تصویر مالی سال ۱۳۶۰

پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۳۶۰ درآمد های دولت به رقم (۱۵۸۷/۳) میلیارد ریال و پرداخت‌های دولت به رقم (۲۶۰۰) میلیارد ریال بالغ گردد. در نتیجه بودجه این سال معادل (۱۰۱۲/۷) میلیارد ریال کسری خواهد داشت که (۱۵۰) میلیارد آن از محل برگشتی های سنوات قبل و (۱۲۰) میلیارد از محل بهای فروش نفت بهمن و اسفند ماه و بقیه از طریق سیستم بانکی تامین میگردد.

براساس برآوردهای موجود، درآمد های دولت از محل صادرات نفت تا پایان سال ۱۳۶۰ با (۸۶۵) میلیارد ریال و درآمد های مالیاتی با (۵۴۹) میلیارد ریال و سایر درآمدها با (۱۷۲/۸) میلیارد ریال ترکیب یافته‌ی دولت را تشکیل میدهد.

پاورقی:

(۶): به لوائح بودجه‌ی سالهای ۶۰ و ۶۱ و لایحه‌ی پیشنهادی ۶۲ و سخنرانی‌های موسوی در این باره در مجلس مراجعه کنید.

(۷): تاکید از ماست.

"در پاسخ به اظهارات آقای بانگی که فرمودند این کسری هیچ نگرانی ندارد، باید بگویم مسأله کنترل اهمیت زیادی دارد و از سال ۵۹ با اینطرف می‌انگ کسری بودجه تا سال ۶۰ مرتب اضافه شده است و امسال هم باز

۱۰۱ میلیارد کسر بودجه داشته است. و عجیب آنکه کمیسیون مبلغ ۷۵ میلیارد ریال بر درآمد ها و در برابر ۸۷ میلیارد ریال بر هزینه‌ها بطور گتیبی افزوده است. در صورتیکه بر صلاح دولت و ملت بود که سقف

جنگ، بودجه و تورم

شیوه‌های ضد خلقی خمینی برای مقابله با مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و تأمین کسر بودجه‌های مربوط به آن

رژیم چپالوگر خمینی برای مقابله با مشکلات اقتصادی و تأمین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و کسر بودجه‌های ناشی از آن بناچار به تاراج نفت، افزایش بی‌رویه مالیاتها و غارت و چپاول مستقیم مردم، چاپ اسکناس بدون پشتوانه و... روی می‌آورد و ناجاتی که بتواند سرمایه‌های خلق و میهن را به تباهی می‌کشد و به انهدام تولید و حرث و نسل ایران می‌پردازد.

رژیم خمینی مدتهاست که به تاراج نفت ایران پرداخته‌است بخصوص در ماههای اخیر جهت تأمین هزینه‌های تسلیحاتی خود بی‌محابی به حراج نفت کشور دست زده و در این راه از هیچ خیانتی فروگذار نکرده‌است. افزایش بی‌رویهی صدور نفت، موجب افزایش شدید تورم در جامعه شده و اقتصاد ایران را با مشکلات جدی روبرو ساخته است (اگر به لوائح بودجه طی سال‌های گذشته نگاه کنیم، می‌بینیم که اولین منبع تأمین کسر بودجه، درآمد حاصل از صدور نفت است.)

اما خمینی برای ارضای مطامع جنگ‌افروزانه‌اش به حراج نفت اکتفا نکرده و با افزایش بی‌رویه مالیاتها و عوارض و... به غارت مستقیم و بی‌واسطهی مردم نیز دست می‌زند. رژیم از آن جهت که افزایش مالیاتها، حجم پول در گردش را پائین می‌آورد، دست خود را در استفاده از این شیوه باز می‌بندد (دومین منبع تأمین کسری بودجه و افزایش درآمد دولت، افزایش مالیاتهاست - این افزایش در لوائح بودجه ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ کاملا مشهود است.)

با افزایش مالیاتها با توجه به اقتصاد ورشکستهی رژیم، قیمتها بالا می‌رود، کالاهای مورد نیاز مردم کمیاب می‌شود و بازار سیاه رواج بیشتری می‌گیرد. یکی دیگر از شیوه‌های تأمین

هزینه‌های دولت و جبران کسری بودجه، چاپ اسکناس بدون پشتوانه است. این شیوه یکی از ضد خلقی‌ترین شیوه‌های تأمین درآمد است که آثار وسیعاً مخرب آن مستقیماً بر دوش مردم زحمتکش ما فشار می‌آورد (۸) از اینروست که وقتی رژیم خمینی اسکناس بدون پشتوانه چاپ می‌کند و در جامعه به جریان می‌اندازد، ارزش پولی که در دست مردم است پایین می‌آید، تورم افزایش پیدا می‌کند و قدرت خرید طبقات محروم و متوسط بشدت کاهش می‌یابد.

البته این مسئله که رژیم برای مقابله با مشکلات جدی اقتصادی و اجتماعیش به کدامیک از شیوه‌های فوق بیشتر متکی است و از طریق آن در ابعاد وسیع‌تری بهره‌برداری می‌کند، به عوامل و شرایط مختلفی بستگی دارد. ولی با وجود اینکه نفت اساسی‌ترین سرچشمه‌ی موجودیت و حیات اقتصادی رژیم خمینی است، اما در شرایط حاضر دست خمینی برای آنکه تمامی نیازهای ارزی جبهه - های جنگ را از طریق نفت تأمین نماید کاملاً باز نیست. چراکه از یکطرف خمینی با تاراج نفت ایران بقیتمت‌های نازل موجب شکستن قیمت نفت در بازارهای جهانی شده که به تبع آن کشورهای دیگر نیز ناگزیر به پائین آوردن قیمت نفت خود می‌شوند، در آن صورت بازار جهانی نفت دیگر مانند گذشته برای خمینی داغ نیست. و از طرف دیگر تاکنون افزایش بی - رویه‌ی صدور نفت، افزایش شدید تورم را در اقتصاد کشور بیار آورده و رژیم را با مشکلات فراوانی روبرو کرده‌است.

التیبه بررسی دقیق این مسئله که آیا رژیم برای مقابله با مشکلات جدی اقتصادی و اجتماعی‌اش به کدامیک از شیوه‌های فوق بیشتر متکی است به آمار و ارقام دقیق‌تری نیازمند است. ولی آنچه مسلم است، چاپ اسکناس بدون پشتوانه یکی از سهل‌ترین شیوه‌های ضد خلقی تأمین هزینه‌های رژیم است که با توجه به سیاستهای خائنانه‌ی رژیم خمینی، اقدام به بهره‌برداری از این شیوه برای او امریست کاملاً طبیعی!

تورم، گرانی بازار سیاه و...

پس از شروع جنگ در آخر

از آن پس روند افزایش تورم ده‌تنها متوقف نشد بلکه با ادامه و گسترش جنگ و سیاستهای چپالوگرانه و مخرب رژیم هم - چنان به سیر صعودی خود ادامه داد و در مسیر خود کمبود شدید کالا و رواج بازار سیاه را نیز به همراه آورد. ادامه و گسترش جنگ در سال‌های ۶۰ و ۶۱ به تدریج امکانات و سرمایه‌های میهنمان را آنچنان به کام خود کشید که تورم، بازار سیاه، کمبود، بیکاری و... از مهمترین مسائل مبتلا به مردم شد. بطوریکه هم‌اکنون همی مردم و

شهریور ۵۹، رژیم که سیاست‌های جنگ‌افروزانه و توسعه‌طلبانه‌اش با ادامه‌ی آن همخوانی و همسویی داشت، تمامی امکانات و سرمایه‌های ملی را بکار گرفت تا آتش جنگ را روشن نگاه‌دارد. از طرف دیگر در ماههای اول جنگ خسارات فراوانی بر تولید و صنعت کشور وارد آمد. مجموعی

به مجلس). اما بعضی از مقامات رژیم بطور غیر صریح به میزان بیشتری (حتی تا صد درصد) افزایش تورم اعتراف کرده‌اند. بانکی خائن وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه‌ی ری طی برشمردن ویژگیهای لایحه‌ی بودجه ۶۲ می‌گوید (اطلاعات ۴/ بهمن/۶۱):

"... مثلاً بطور تقریب اعتبارات وزارت کشاورزی دو برابر شده است. لازم می‌دانم که توضیح بدهم که اعتبارات براساس تقویم برنامه‌هاست و وزارت کشاورزی در سال گذشته

یکی دیگر از شیوه‌های تأمین هزینه‌های دولت و جبران کسری بودجه، چاپ اسکناس بدون پشتوانه است. این شیوه یکی از ضد خلقی‌ترین شیوه‌های تأمین درآمد است که آثار وسیعاً مخرب آن مستقیماً بر دوش مردم زحمتکش ما فشار می‌آورد. از اینروست که وقتی رژیم خمینی اسکناس بدون پشتوانه چاپ می‌کند و در جامعه به جریان می‌اندازد ارزش پولی که در دست مردم است پائین می‌آید، تورم افزایش پیدا می‌کند و قدرت خرید طبقات محروم و متوسط بشدت کاهش می‌یابد.

با ارائه‌ی فکرها و طرح‌های زیر - بنائی و بسیار اصیل در جهت رشد و شکوفائی کشاورزی اقدامات سازنده‌ای انجام داد و به همین دلیل می‌بینیم که بیش از دو برابر، بودجه‌ی عمرانی

پاوقی: (۸): برای روشن شدن آن یک مثال ساده می‌زنیم: فرض کنید اگر کل پول در گردش در دست مردم ۱۰۰ تومان باشد (همانطور که گفتیم این فقط یک مثال ساده است) مردم کل کالاهای و تولیدات موجود در جامعه (که طبعاً ارزش کل آنها معادل همان ۱۰۰ تومان است) را قادرند با همین ۱۰۰ تومان خریداری کنند. اما وقتی رژیم

فوق‌توان اقدام به چاپ ۵۰ تومان اسکناس بدون پشتوانه می‌کند و آنرا در بازار به گردش درمی‌آورد مجموع پول در گردش در بازار ۱۵۰ تومان می‌شود در حالیکه میزان تولید موجود و درآمد مردم افزایش پیدا نکرده است. در اینصورت مردم با ۱۰۰ تومان خود قادرند فقط دوسوم کالاهای و تولیدات موجود را تهیه کنند و یک سوم باقیمانده را در حقیقت رژیم به یغما برده است. چرا که قدرت خرید مردم را به میزان یک سوم کاهش داده است. اینرا در اصطلاح علمی "تورم" و "پائین آمدن ارزش پول" می‌گویند. بیهوده نیست که هیچکدام از کشورها و بانکها در سطح جهان، حاضر به قبول و تبدیل پول ایران نیستند. چون می‌دانند که پول ایران ثبات ندارد و ارزش آن بطور مداوم کاهش پیدا می‌کند.

این عوامل موجب شد که در عرض چند ماه قیمتها بطور بیسابقه‌ای بالا رفته و تورم افزایش پیدا کند. مقایسه‌ی قیمت برخی از کالاها و مایحتاج اولیه‌ی زندگی مردم پیش از آغاز جنگ و سه ماه پس از آن رشد بی‌سابقه‌ی قیمتها حتی در مسواری نشان تا صد درصد را نشان می‌دهد.

هرچند رژیم خمینی چند سال است که نرخ افزایش تورم را رسماً اعلام نکرده و یا هرگاه اعلام کرده بصورت غیرواقعی آنرا تا حد ۱۵ الی ۲۵ درصد وانمود کرده است (کیهان ۵/ بهمن/۶۱)، گزارش نخست‌وزیر

جنس	قیمت قبل از جنگ	قیمت بعد از جنگ
سیب زمینی	۲۰ ریال	۴۰
پیاز	۲۰	۳۵
عدس	۶۰	۱۸۰
ماش	۱۰۰	۱۸۰
برنج معمولی	۱۶۵	۲۴۰
لوبیا	۱۰۰	۱۳۵
لوبیا چیتی	۹۰	۱۶۰
نخود	۵۶	۸۰
قند	۲۵	۹۰
شکر	۳۰	۷۰
روغن ۵ کیلوئی	۲۳۵	۲۷۰
مرغ گردو	۸۵۰	۱۱۰۰
زرد ۵ گرمی	۱۲	۱۵
پنیر معمولی	۱۲۰	۱۸۰
پنیر تیریز	۱۸۰	۳۰۰
کبریت	۲۰	۵۰
گوشت گوساله	۲۲۰	۴۳۰
گوشت گوسفند	۱۳۰	۳۲۰
مرغ	۱۷۵	۲۴۰
تخم مرغ دولتی	۱۳۵	۱۵۵
تخم مرغ آزاد	۱۲۵	۱۷۵
پرتقال	۴۵	۸۰
سیب درختی	۶۵	۱۰۰
ناید متوسط	۱۴	۱۶
صابون یاس	۲۰	۲۵
دفتره ۱۰ برگ مرغوب	۶۰	۹۰
خودکار بیک	۱۵	۲۰
باطری بزرگ	۲۰	۲۵
چوراب	۵۰	۸۰

جنگ، بودجه و تورم

کشاورزی بالا رفته است که به تبع آن بودجه‌های جاری این وزارتخانه نیز فزونی یافته است. سلامتی وزیر کشاورزی رژیم در همانجا اعلام می‌دارد:

"در مورد کشاورزی بطور اخص بودجه‌ی سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ تفاوت زیادی خواهد داشت... منتهی وقتی تورم را در نظر بگیریم می‌بینیم که در همان حدود بودجه سال جاری است و این مبین این است که با وجود تحرک و حرکت قابل

تحسین برادران و آمادگی ارگانها و با در نظر گرفتن کل بودجه‌ای که به ما اختصاص داده شده است نتوان نسبت به سال

ی تحرک فوق العاده‌ای را بوجود آورد." (تاکید از ماست) ملاحظه می‌کنید اعتبارات کشاورزی در بودجه ۶۲ نسبت به بودجه ۶۱، ۲ برابر شده یعنی صد درصد افزایش داشته است -

ولی طبق اظهارات سلامتی رشدی در بودجه کشاورزی مشاهده نمی‌شود. این نشان - دهنده‌ی اینست که تورم صد درصد افزایش داشته تا توانسته است رشد صد درصد اعتبارات را خنثی سازد.

این مسئله آنقدر اجتماعی شده است که ارگانهای رسمی رژیم هم بارها این مسئله را اعلام کرده‌اند. روزنامه‌ی اطلاعات بیست و دوم آبانماه امسال افزایش قیمت برخی از کالاها و اجناس ضروری مردم از سال ۶۰ تا سال ۶۱ را در زلی به شرح زیر آورده است که البته روند افزایش قیمتها از این هم بیشتر است.

سیاه تهیه کنند. بطور نمونه در حالیکه قیمت رسمی روغن نباتی کیلویی ۶۵ ریال اعلام شده، در بازار آزاد کمتر از ۶۰ ریال (یعنی ۹ برابر قیمت رسمی) در دسترس نیست. و یا در حالیکه نرخ رسمی شکر ۲۴ ریال است، در بازار آزاد، کمتر از ۲۵۰ ریال (یعنی بیش از ۱۰ برابر قیمت رسمی) بفروش نمی‌رسد. در همین زمینه روزنامه‌ی اطلاعات ۲۲ آبانماه جاری قیمت رسمی و قیمت بازار آزاد پاره‌ای از اجناس را با هم مقایسه کرده است:

شنبه ۲۲ آبانماه
۱۳۶۱ - شماره ۱۶۸۶۶

نوع جنس	قیمت رسمی	بازار آزاد
کیسه فریزر ۱۲۰ کیلو	۶۰ ریال	۲۰۰ ریال
روغن نباتی کیلویی	۶۵ ریال	۶۰۰ ریال
کره کیلویی	۳۰۰ ریال	۸۰۰ ریال
خرما کیلویی	۲۰۰ ریال	۲۴۰ ریال
برنج ایرانی کیلویی	۲۲۰ ریال	۳۵۰ ریال
پسته کیلویی و بز یکسبه	۴۰ ریال	۸۰ ریال
مازولای یکگانه	۴۵ ریال	۲۰۰ ریال
روغن نباتی ۱۷ کیلویی	۱۰۲۰ ریال	۷۰۰۰ ریال
شکر	۲۴ ریال	۲۵۰ ریال
قند	۱۹ ریال	۲۵۰ تا ۲۸۰ ریال
ناید کوچک	۲۵ ریال	۱۰۰ ریال
شوما معمولی	۶۴ ریال	۲۸۰ ریال
شامبو داروگر	۵۵ ریال	۱۵۰ ریال
شامپون زیتون	۲۰ ریال	۱۵۰ ریال
بخجل ۱۲ فوت	۴۰۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰۰ ریال
چرخ گوشت	۵۰۰۰۰ ریال	۳۵۰۰۰ ریال
قرب ماشینی	۴۰۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰۰ ریال
تابو بزبون فیلیس ۲۴ اینچ	۲۳۰۰۰ ریال	۸۰۰۰۰ ریال
تابو بزبون ۲۴ اینچ رنگی	۳۰۰۰۰ ریال	۳۰۰۰۰ ریال
آبمیوه گری	۸۰۰ تا ۶۰۰۰ ریال	۳۰۰۰۰ ریال
پلو بز ۶ نفره	۶۰۰۰ ریال	۶۰۰۰۰ ریال
پلو بز ۱۲ نفره	۱۰۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰۰ ریال
باطری قلمی	۱۰ ریال	۴۰ ریال
باطری متوسط	۲۵ ریال	۵۵ ریال
باطری بزرگ	۲۵ ریال	۷۵ ریال
چادر مشکی متری	۴۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال
لامب خواب	۵۰ ریال	۱۵۰ ریال

نوع جنس	قیمت در تعاونی	بازار آزاد
دفتر ۶۰ برگ	۲۸ ریال	۴۰ ریال
دفتر ۱۰۰ برگ	۴۵ ریال	۷۰ ریال
شامبو ساغر	۱۰۵ ریال	۲۱۰ ریال
خمیر دندان	۸۱ ریال	۱۵۰ ریال
شامپو کنت	۹۰ ریال	۲۱۰ ریال
شامپو صدر محبت	۵۰ ریال	—
سیم ظرفشویی	۴۲ ریال	۸۵ ریال
شامپو بام	۱۱۰ ریال	۲۲۰ ریال
خمیر دندان لاک	۹۴ ریال	۱۵۰ ریال

فرازهائی از زندگی انقلابی مجاهد شهید عباس عطاپور

درستی درک کرده بود، با تمام قوا و با پشتکار و جدیت، به انجام مسئولیت‌های محوله پرداخت. بویژه آنکه پس از ۳۰ خرداد و شروع نبرد انقلابی مسلحانه بر علیه رژیم ضدبشری خمینی، مسئولیت او در این بخش، دقت، هوشیاری، قاطعیت و نیز فداکاری خاصی را نیاز داشت.

عباس در کنار تمام وظائف و مسئولیت‌هایی که به عهده داشت، با احساس مسئولیت و تیزبینی خاص خود، در جهت ارتقاء روابط درونی پایگاه و بخصوص افراد تحت مسئولیتش تلاش می‌کرد و حتی اوقات سرپرستی کودکان خردسال پایگاه صرف می‌نمود. او در حل و فصل کارهای مختلف پایگاه - از مسائل اخص نظامی و امنیتی گرفته تا مسائل تشکیلاتی افراد تحت مسئولیتش و حتی مسائل صنفی پایگاه - نقش ویژه‌ای داشت و روحیه‌ی شاداب و پر نشاط تأثیرات بسیار مثبتی بر سایر همزمانش می‌گذاشت.

مجاهد شهید عباس عطاپور در بخش حفاظت نیز همچون مسئولیت‌های قبلیش، بخوبی قابلیت‌ها و ویژگی‌های انقلابی خود را آشکار ساخت و بزودی بعنوان یکی از فرماندهان لایق بخش حفاظت، مسئولیت‌های متعددی را عهده‌دار گردید. ۶۰ سرانجام در ۱۳ اسفندماه ۶۰ پس از نبردی نابرابر با پاسداران ظلمت و تباهی خمینی قهرمانانه جان باخت و در مسیر رهایی خلق و تحقق اهداف انقلابی و توحیدی مجاهدین و همپهرا تنی چند از همزمانش منجمله ۲ از اعضای خانواده‌ی شهید مصباح (مجاهدین شهید، محمد و زینب مصباح) شهادت رسید. یادش گرامی باد.

کارگری به او واگذار شد و پس از مدتی بعلت برخورداری از کارآیی بالای نظامی، مسئولیت نظامی نهاد کارگری به عهده‌ی او قرار گرفت.

در زمستان سال ۵۹ عباس به نهاد "محللات" منتقل شد و در آنجا نیز ابتدا مسئول نظامی در "شورای نهاد" بود و سپس به "مرکزیت نهاد" محللات ارتقاء یافت. عباس در بسیاری از مراسم و تظاهرات سازمان، فرماندهی واحدهائی از ملیشیا را به عهده داشت، منجمله در جریان میتینگ عظیم امجدیه در خرداد ۵۹، فرماندهی حفاظت از درب ورودی استادیوم و دفع تهاجمات چماق‌داران و پاسداران مزدور را عهده‌دار بود و بنحو درخشانی مسئولیتش را انجام رساند. پس از انتقال به بخش حفاظت در اواخر سال ۵۹، برادر مجاهد عباس عطاپور که عمق و سنگینی مسئولیت خود را در این بخش حساس سازمان به

بازار سیاه نسبت به نرخ رسمی - باید در تفاوت بین قیمت رسمی و قیمت بازار آزاد طی همان دوره جستجو نمود.

از طرف دیگر، در بررسی قیمت کالاها و مختلف درمی‌یابیم که قیمت کالاها و ضروری و پر-مصرف بیشتر از سایر کالاها افزایش پیدا کرده است و مصرف کنندگان اصلی این کالاها را اکثریت عظیم جامعه یعنی طبقات محروم و متوسط تشکیل می‌دهند. بنابراین، این توده‌های محروم و زحمتکش میهنمان هستند که بیش از همه بار تورم را به دوش می‌کشند و هزینه‌ی گرانی را می‌پردازند. در حالیکه به دستمزدها و درآمدهایشان افزوده نشده است. در واقع با چنین وضعیتی آنها بیش از

همچنین روزنامه‌ی اطلاعات ۲۰ آبان با ارائه‌ی قیمت رسمی و قیمت بازار آزاد در مورد انواع سیگار، نرخ تورم را در این مورد تا ۴۰۰ درصد برآورد کرده است:

نوع سیگار	نرخ اصلی	بازار آزاد
بمب	۸۵	۴۵۰
آزادی	۷۰	۳۲۰
شیراز	۵۵	۲۵۰
زر	۴۰	۲۲۰
هنا فیلتر دار	۳۰	۱۵۰
آتش	۲۰	۱۳۰
هنا پنجاه تایی	۵۰	۱۸۰
هنا بیسی	۵۰	۲۰۰
زردین	۵۰	۲۰۰
وینستون	۲۰	۵۵۰

نیمی از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند و مابازا آنرا خمینی برای ارضای جاه‌طلبی‌ها و جنگ‌افروزی‌هایش به یغما برده است. آنچه در این مقاله بررسی کردیم تنها بخشی از گرفتاری‌های

بمنظور بی‌بردن به میزان واقعی افزایش قیمتها و نرخ تورم برای مردم، نباید صرفا به مقایسه‌ی نرخهای رسمی طی یکدوره اکتفا کرده، بلکه نرخ تورم را - با توجه به رواج گسترده‌تر

شنبه ۲۲ آبانماه
۱۳۶۱ - شماره ۱۶۸۶۶

نوع جنس	قیمت در آبان ۶۱	قیمت سال ۶۰
عسد هرکیلو	۲۱۰ تا ۲۵۰	۴۰ تا ۱۵۰
لوبیا چینی هرکیلو	۲۴۰	۱۵۰
لوبیا قرمز هرکیلو	۲۴۰	۱۷۰ تا ۱۵۰
لپه هرکیلو	۲۶۰	۱۵۰
لوبیا سفید هرکیلو	۲۰۰	۱۰۰
آلبوموی یک شیشه	۱۲۰ تا ۱۴۰	۱۰۰
نمک خوابان	۹۰	۷۵
نمک آشپزخانه	۱۵	۱۰
دستمال کاغذی	۴۹	۴۹
انواع کمیوتها	تغیری نکرده	—
اسکاج	۳۰	۱۰
سیم ظرفشویی یکسدرگمی	۵۰	۴۰
رب گوجه فرنگی	۲۴۰	۱۸۰
چین‌چین (یک کیلویی)	۱۴۰	۱۲۰
ماست سطل کوچک	۳۰	۲۵
کبریت یکسسته همدردی	۷۰	۵۰
و اینکس	۱۱۰	۹۰
مایع ظرفشویی	۷۰	۵۰
کسرو دلمه	۲۰۰	۲۰۰
پنیر	۲۰۰	۲۰۰
کره ۲۵۰ گرمی	۹۰	۹۰

مصدق

پیر بزرگ احمدآباد

از: م. سحر

خورشید بالا بلند جاودانگی غرور تاریخی کشورم
ای آبروی همواری مردم میهنم
مصدق، پیر بزرگ احمدآباد

می‌خواستم بیاد تو ماشب، خوشه‌ی شعری را، به منظر دفترم بنشانم
و آتش یادت را، بر گلبرگ‌های ارغوانی‌اش فرو ریزم
آنچنان که بر باغچه‌ی بی‌بهار گفتارم، نهالی از دلیرترین و دلاویزترین
گلپوته‌های تاریخ بروید

نهالی که پایداری و فضیلت، کوچک‌ترین غنچه‌ها باشند که بر کوچکترین شاخسار
آن پدیدار خواهند شد.
می‌خواستم که خاطرات را، به شور آتشین رنگ مشعلی ریزم که بر تاریک‌ترین
صحیفه‌ی تاریخ کشورم تابان شود،
و چشم‌ها را بر آینه‌ای بزرگوار خیره سازد، که کمترین انعکاس آن تصویری تابناک
و بلند از نام خونین آزادی است.
بر آینه‌ای که از شرف خشم تو، در بیدادگاه بی‌شرم تر دلالگان زمان صیقل
خورده باشد.

آئینه‌ای به صافی فریادت که فریاد نسل‌هاست
و فریاد ستمزدگان کشورم ایران است.

رنج بزرگ شعله‌ور آسمان میهن من
مصدق، پیر بزرگ احمدآباد
می‌خواستم از ستیغ قلعه‌ی نامت
با تیشه‌ی تبلور احساس در کلام
رخشان و آبدیده شمشیری بر آورم، که آفتاب را بر آسمان سوگوار البرز، طالع کند
و آرامش سیاه قبیله‌ی خفاش را درهم ریزد.
تا هجوم پتیارگان پریشان گردد
و مفاک و سیاهچال و تباهی از ایشان اشباع شود
و پلید مکان پلیدی‌گزیند
و در خورترین جایگاه و سزاوارترین مقام را، در یابد
و خانه‌ی ملت از خراب خالی شود.

مصدق، پیر بزرگ احمدآباد
می‌خواستم نامت را آنچنان بلند و شعله‌وار، بر آسمانه‌ی میهن بگویم،

که دیوتر زشت مسلکان زمانه
آن‌ان که به امامت یک ننگ ملت خوارهی فرهنگ سوز تاریخ گداز گردن نهاده‌اند
همانند ستون‌های یک ارگ باستانی پوسیده، که از عظیم‌ترین لریزه‌های زمین به خود
می‌پیچند در خویشتن فرو ریزند

و "امام خمینی"

انبانه‌ی خیانت تاریخ زشت گیشی و تزویر و غدر
به مهیب‌ترین اعماق در افتد

با میراث هزاران هزار ساله‌ی دروغ و بیداد و جهل
که گوله‌بار عظیم‌تر پلشتی تاریخ، بر شانه‌های فرتوت او استوار است
که تکیه‌گاه تمامی شبهاست.

مصدق، پیر بزرگ احمدآباد
می‌خواستم از تو چنان بگویم، که غرور گریختن استعمار از دریچه‌ی میهن

و امید آزادی در قلمرو مشرق
و حضور یک تنه‌ی انسانی به بزرگی نامت به دفترم ریزد

و بدینسان از پاکتر فرزند کشورم
که فرزند تمامی ستمزدگان زمین است خاری آتشین سازم و در چاله‌های چشم

سیاه‌روی‌تر پلید زمانه‌ام

بت اعظم، "امام خمینی" فرو گویم

تا نهایت شب، دود وار از شیشه‌ی شگسته‌ی عمر دیو برخیزد
و همراه تمامی غباران دوردست به اعماق تاریخ فرو رود
به آنجا که منزلگاه پایسته و بازگشت ناپذیر اوست.

مصدق، پیر بزرگ احمدآباد
می‌خواستم از تو چنان بگویم

که پایبوسان رنگ‌رنگ دروغین تو در تنگنای مصلحت‌اندیشی و فرصت‌خواهی فرومانند
و پای در جای فرو گویند.

از تو چنان بگویم که

سیاست‌گران تهی‌منش،

آن‌انکه بر جای پای تو نماز عاریه می‌خوانند حلقوم به غلظت

قیر بیابارند

و این طبل‌های آویخته بر درختان بی‌بر در معرض بادهای هرجائی
با گزند سپهره و دارکوب از رپ‌ریده‌های کاذب تهی گردند

تا ملت از نام تو خنجر می‌آبدیده بیافریند

و بر پیشانی دزدان دریائی نشانه رود

و نام مصدق، مصداق راستین و امروزینش را

در آتشی که بر خرمن ارتجاع و استعمار زبانه می‌کشد باز یابد.

از تو چنان بگویم

که مصداق راستین نام مصدق

بر سرخ بوته‌های سیندی یک نسل

در صبح تیرباران‌ها

در عصر سیانورها و شبانده‌ی سنگرها شکوفا گردد

و خاشاک و خار بر هرزه‌گردی هر گرد باد دل بندد

بی‌که هوای این بوستان خون به دل گیرد

که خار را، شوره زاران سوخته باید

و نام مصدق همزاد انقلاب ایران است.

بدانگونه که نام مجاهدان

و نام مبارزان

و انقلاب آتشی است فریاد وار

که سیاوش نسل‌ها از آن عبور می‌کند

و اینانند فرزندان تطهیر یافته و پاک

که مصدق وار می‌سوزند و در سوختن گل می‌دهند و باغ می‌کارند

اینانند فرزندان غرور تلخ تاریخ

که بهار را بر شانه‌های پریشان خویش می‌نشانند

و گلا لهی گل‌ها را برای زنبورهای عسل هدیه می‌آورند

تا آزادی را و بهار را اثبات کنند

و اینانند مصداق نام آزادی.

مصدق، پیر بزرگ احمدآباد

می‌خواستم از تو گفتن را،

اما صلا‌ی نام ترا حنجره‌ای بوسعت دریا‌های وطنم بایسته است

و طوفانی به غرش تمامی رعدهای جهان

پیر بزرگ احمدآباد

نام ترا گلوگاه خلق ایران

و خلق‌های خاور بایسته است

و آنها ترا فریاد خواهند کرد

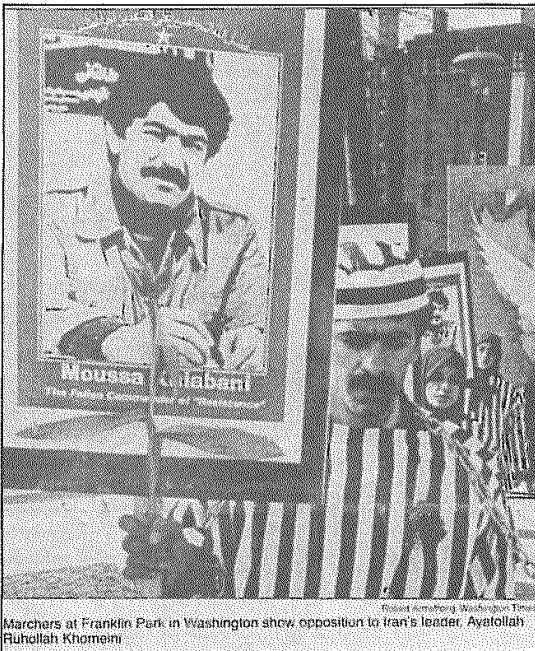
آزادی را فریاد خواهند کرد.

انعکاس مطبوعاتی راهپیمائی اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

به ناسبت "عاشورای مجاهدین"

THE WASHINGTON TIMES WEDNESDAY, FEBRUARY 9, 1983

METRO



خیابانها ادامه یافتند. عکسهای کشته شدگان در روزنامهها چاپ شدند و اگر شما میخواستید جسد آنها را بگیریید بایستی بهازاء گلولهها پول میپرداختید. آن نقطه برگشت بود. حالا ما یک دولت دمکراتیک منتخب مردم می خواهیم.

دیروز در حالیکه تظاهرات ۳ ساعته به اتمام می رسید، ۲۰ کیلومتر سپید بیاب بود مرگ آزاد یخواهان شهید که در سال گذشته کشته شدند، آزاد گردیدند.

"سرنگون باد خمینی، سرنگون باد خمینی"، جمعیت او را مورد تشویق قرار داد. نقطه عطف حکومت خمینی در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ بود وقتی که بنا بر گفته تظاهرات کنندگان نیم میلیون نفر آخرین تظاهرات صلح آمیز خود را در ایران برپا کردند.

آزاد گفت: "خمینی به مامورین خود دستور داد که بر روی مردم آتش گشایند. ۵۰ نفر در آنجا دردم کشته شدند بسیاری زخمی گشته و اعدامها در ادامه شب در خانهها و

دیروز به یاد بود اولین سالگرد شهادت ۲۰ تن از آزاد یخواهان که دقیقاً یکسال پیش در ایران کشته شدند. تظاهر کنندگان ضد خمینی در واشنگتن دست به راهپیمائی زدند و ضمناً خواستار پایان جنگ با عراق گشتند.

بیش از ۲۵۰ تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، در حالی که بسیاری از آنها لباس سمبلیک سیاه و سفید راهراه زندانیان را پوشیده بودند، خواستار آزادی سریع ۶۰۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران شدند و خمینی را برای آنچه که آنان اعدام ۲۵۰۰۰ تن ایرانیان بی گناه در عرض ۱۸ ماه گذشته خواندند، محکوم نمودند.

در حالیکه یک طبل به یاد بود آنها (شهیدای ۱۹ بهمن) بصدا درآمد، تظاهر کنندگان یک حلقه دوپله ای را در دور قواری میدان تشکیل دادند و به سخنرانی هائی گوش دادند که در یاد بود اولین سالگرد شهادت موسی خیابانی، فرماندهی مقاومت که همراه با ۱۹ تن دیگر در ۸ فوریه ۸۲، کشته شد، انجام می گردید.

آزاد از شورای ملی مقاومت در آمریکا با صدای بلند گفت که: "این روز برای همیشه در یاد خواهد ماند، و ما بخاطر شهادت موسی خیابانی و اشرف ربیعی و ۱۸ تن دیگر که توسط ماموران امنیتی خمینی وقتی که مخفی گاه آنان در سال گذشته در تهران مورد حمله قرار گرفت، در عزم خود قوی تر شدیم". سخنران تمامی دیکتاتورها را محکوم کرد و فریاد زد:

تظاهرات و راهپیمائی اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان کشورهای مختلف جهان که به ناسبت سالگرد شهادت سردار کبیر خلق "موسی خیابانی" و سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" برگزار گردید. ما بخشی از این تظاهرات و راهپیمائی ها را در مجاهد شماره ۱۴۱ و ۱۴۰ آورده بودیم. در اکثر رسانه های گروهی سراسر جهان بازتابی وسیع و گسترده به همراه داشت. اکثر خبرگزاریها، گزارشاتی از راهپیمائی و سخنرانی هائی که در مراسم انجام گرفته بود همچنین، تصاویری از راهپیمائی و تظاهرات را در مطبوعات خودشان منعکس کرده بودند.

در زیر انعکاس تظاهرات و راهپیمائی عظیم ۱۹ بهمن را در بخشی از مطبوعات جهان ملاحظه می کنید.

THE WASHINGTON POST

Wednesday, February 9, 1983 ... R2 C5

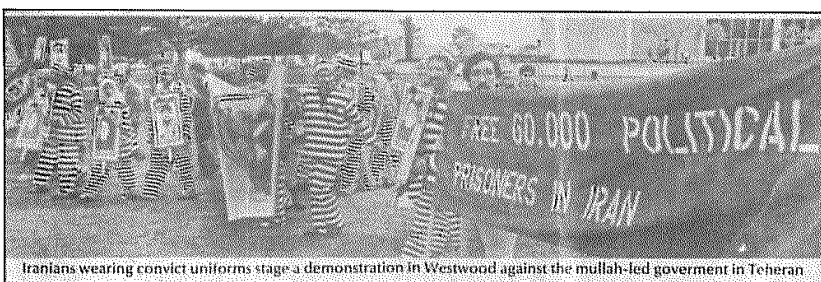


لباسهای راهراه زندانیان و زنجیرها قسمتی از تظاهرات دیروز ۲۰۰ نفره ایرانیان مخالف رژیم خمینی در مرکز واشنگتن بود که بر علیه جنگ ایران و عراق و گشتار سال گذشته ۲۰ تن از مخالفان رژیم خمینی در تهران، برگزار گشت.

EVENING OUTLOOK

Santa Monica, CA 90404, Wednesday, Feb. 9, 1983

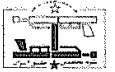
200 protest Khomeini rule



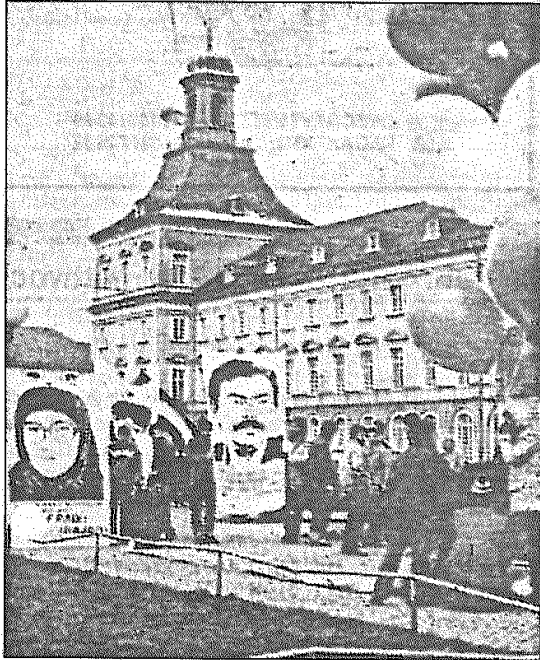
۲۰۰ نفر به حکومت خمینی اعتراض می کنند

پیمائی که توسط سازمان مجاهدین ایران ترتیب یافته بود، ایرانیان را نه فقط از اطراف لوس آنجلس بلکه از تمامی کالیفرنیا بسیج نموده بود، افرادی که غالباً از مملکت خود تبعید شده اند. در طول تظاهرات، تظاهر کنندگان توفقی کوتاه برای رها کردن ۲۰ کیلومتر به سمبل ۲۰ مجاهد و رهبران سازمانشان داشتند.

وست وود: بیش از ۲۰۰ ایرانی در حالیکه میخکهای سرخ بر لباسهای خود زده بودند و پلاکاردهای حامل عکسهای دونفر از شهیدائی که به دست خمینی شهید شده بودند را حمل می کردند به طرف ساختمان فدرال در وست وود، در حالیکه بر علیه دولت ملاهای ایران تظاهرات می کردند براه افتادند. راه ...



انعکاس مطبوعاتی راهپیمائی اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور بمناسبت "عاشورای مجاهدین"



Aachener Volkszeitung
AVZ / Nr. 33 -
Mittwoch, 9. Februar 1983

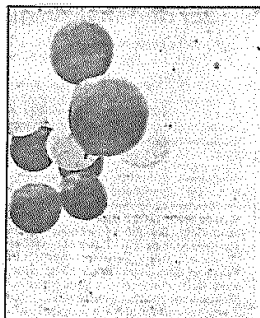
علیه خمینی

در تظاهرات بزرگی که روز سه شنبه بخاطر چهارمین سالگرد انقلاب (که ضمناً این انقلاب برای مخالفین خمینی آغاز سرکوب و مورد تعقیب قرار گرفتن بود) در بن برپا شده بود هزاران مخالف خمینی شرکت کردند.
این مخالفین قبلاً نیز علیه شاه مبارزه می کردند، شاهی که سرانجام راه خمینی را می بایستی هموار می کرد.

Bonner General Anzeige

بعدازظهر سه شنبه حدود ۷۰۰ دانشجوی ایرانی برعلیه رژیم ایران تحت رهبری آیت الله خمینی در مرکز شهر بن تظاهرات کردند. دو یادبود علت این تظاهرات بود. روی دوپلاکارد پارچهای نوشته شده بود: زنده باد سازمان مجاهدین و مرگ بر رژیم ضدبشری خمینی. این پلاکاردها بوسیله بادکنک هوا فرستاده شدند. تظاهرکنندگان با صدای بلند چندبار تکرار می کردند: مرگ بر رژیم خمینی، زنده باد آزادی و دموکراسی.
در پایان تظاهرات چند تظاهرکننده که لباسهای سفید و قرمز داشتند کبوترهای صلح به هوا فرستادند.

اعتراض... علیه رژیم ایران



Es lebe die Organisation der Volksmoedjahed in Iran



بقیه در صفحه ۱۹

taz Donnerstag, 10.2.83

تظاهرات ایران در بن

بعدازظهر سه شنبه حدود ۵۰۰ زن و مرد ایرانی و تعداد انگشت ششمار آلمانی تظاهراتی برعلیه رژیم خمینی در بن برپا کردند.

علت تظاهرات اولین سالگرد شهادت "موسی خیابانی بزرگ و قهرمان" فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین در ایران، "زن قهرمان مجاهد اشرف رجوی" و ۱۸ نفر دیگر زنان و مردان کشته شده این سازمان بود. یکسال پیش آنها در نبرد با پاسداران انقلاب خمینی کشته شدند. قبل از آغاز تظاهرات ۲۵ بادکنک بزرگ در سه رنگ سبز و سفید و قرمز بنشانهی ۲۰ شهید به هوا فرستاده شدند. ۲۰ زن و مرد سفید پوش، کشته شدگان را بنمایش گذاشتند.

الانباء ۱۰ / ۲ / ۱۹۸۳

مظاهرات ایرانیه معارضة



نساء ایرانیات تظاهرن فی نیویورک امس

دردلخی - ۸ - راج - نظمت مجبوعه من الطلاب ایرانیین الدارین فی الجامعات الهندیه مظاهره بیودلخی الیوم بمناسبه الذکری الاولی علی استشهاده القائد العام الممارضة المعارضة المسلحة فی ایران - موسی کبیانی -
وجهل المظاهرون الذین طاموا فی سوارع الحاصه الهندیه المتدید من الشعارات والصور التي تدین ما وصفوه بعمليات القبح والارهاب التي یمارسها النظام الإيراني .
رکان عدد کثیر من ایرانیین المناصرین لنظمه مجاهدی خلق ایرانیه الممارضة قد نظفوا مظاهره فی نیویورک امس احتجاجا علی ما وصفوه بالسیاسیه التمسفیه والارهابیه التي ینمها النظام الإيراني ضد الشعب داخل وخارج ایران . وجزت كذلك مظاهرات مماثلة فی روما ویون ولندن وباریس .

تظاهرات اپوزیسیون ایرانی

محکوم می کرد، حمل می نمودند . تعداد بسیاری از ایرانیان هوادار سازمان اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران دیروز در نیویورک به منظور اعتراض به سیاستهای استبدادی و تروریستی رژیم ایران برعلیه مردم داخل و خارج کشور، تظاهراتی برگزار کردند.
تظاهرات مشابهی نیز در رم، بن، لندن و پاریس برگزار گردید.

دهلی نو: گروهی از دانش - جوین ایرانی که در دانشگاه - های هند تحصیل می کنند، امروز بمناسبت نخستین سالگرد شهادت موسی خیابانی فرماندهی کل نیروهای مقاومت مسلحانه در ایران، تظاهراتی در دهلی نو ترتیب دادند. تظاهرکنندگان که در تعداد زیادی از خیابانهای پایتخت هند راهپیمائی کردند، عکسها و شعارهایی که اعمال سرکوبگرانه و ترور و اختناق رژیم ایران را



اخبار الخليج

۱۱ فبرایر ۱۹۸۳

دانشجویان ایرانی در رم دو روز پیش جهت اعتراض به سرکوب و ترور رژیم برعلیه اقشار مردم کشورشان تظاهراتی برپا کردند . این ابتکار شگفت انگیز بود .



خانواده‌های مجاهدین در نبردی قهرمانانه بر علیه خمینی ضد بشر

بقیه از صفحه ۱

شهدای مجاهد خانواده کبری

- ۱- مجاهد شهید مادر کبری (معصومه شادمانی) شهادت در زیر شکنجه
- ۲- مجاهد شهید حسن کبری شهادت ۲۶ مهر ۶۰ درگیری در پایگاه
- ۳- مجاهد شهید هما ربویی (کبری) همسر حسن شهادت ۲۶ مهر ۶۰ درگیری در پایگاه

شهدای مجاهد خانواده تدین

- ۱- مجاهد شهید فضل الله تدین ۳۲ ساله شهادت ۱۲ اردیبهشت ۶۱ درگیری در پایگاه
- ۲- مجاهد شهید فاطمه تاجی مهدوی (تدین) همسر فضل الله ۲۶ ساله شهادت ۱۲ اردیبهشت ۶۱ درگیری در پایگاه
- ۳- مجاهد شهید زهرا تدین ۲۳ ساله شهادت پائیز ۶۰ درگیری در پایگاه
- ۴- مجاهد شهید محمد تدین ۲۶ ساله دستگیری مهر ۶۰ شهادت در زیر شکنجه
- ۵- مجاهد شهید حسینعلی ایزدی همسر زهرا تدین پائیز ۶۰ درگیری در پایگاه

شهدای مجاهد خانواده ترابی

- ۱- مجاهد شهید علی محمد ترابی شهادت ۲۴ مرداد ۶۰ تیرباران
- ۲- مجاهد شهید محمدرضا ترابی شهادت ۲۴ مرداد ۶۰ تیرباران
- ۳- مجاهد شهید حسین ترابی تیرباران

شهدای مجاهد خانواده زانین مقدم

- ۱- مجاهد شهید علی زانین مقدم متولد ۱۳۲۷ شهادت ۲۷ شهریور ۶۰ تیرباران
- ۲- مجاهد شهید مهدی زانین مقدم متولد ۱۳۳۶ شهادت ۱۰ مرداد ۶۱ درگیری با مزدوران
- ۳- مجاهد شهید فائزه زانین مقدم متولد ۱۳۴۰ شهادت ۱۰ مرداد ۶۱ درگیری با مزدوران
- ۴- مجاهد شهید مصطفی موسوی (همسر فائزه) ۲۷ ساله شهادت ۱۰ مرداد ۶۱ درگیری با مزدوران

شهدای مجاهد خانواده شایسته

مادر شایسته که به همراه دختر نوجوانش در مشهد بدار آویخته شد. فرزند دیگر وی قبلا بشهادت رسیده بود.

چندتن از پدران مجاهد که در رابطه با فعالیت‌های انقلابی خود

بوسیله رژیم سفاک خمینی تیرباران شده‌اند

- ۱- مجاهد شهید حاج علی اصغر زهتابچی تاریخ شهادت ۳۱ خرداد ۶۰ تیرباران
- ۲- مجاهد شهید حاج صفائی تیرباران
- ۳- مجاهد شهید حاج عطا محمودیان تیرباران
- ۴- مجاهد شهید درویش علی قادیکلانی که پسر او نیز بوسیله رژیم سفاک و ضد بشری خمینی به شهادت رسیده است.

شهدای مجاهد خانواده ابراهیم پور

- ۱- مجاهد شهید کلثوم اسلامی (خاله ابوالفضل ابراهیم پور) ۶۰ ساله شهادت ۱۰ مرداد ۶۱ درگیری با مزدوران
- ۲- مجاهد شهید ابوالفضل ابراهیم پور متولد ۱۳۳۴ شهادت ۲۵ شهریور ۶۰ درگیری با مزدوران
- ۳- مجاهد شهید آسیه ابراهیم پور متولد ۱۳۳۹ شهادت ۲۳ آذر ۶۱ درگیری در پایگاه
- ۴- مجاهد شهید مهدی ابراهیم پور متولد ۱۳۴۱ شهادت ۲۶ آبان ۶۰ تیرباران
- ۵- مجاهد شهید محمد محسن اسلامی (فرزند مادر کلثوم اسلامی) شهادت ۶ شهریور ۶۰ تیرباران
- ۶- مجاهد شهید عباس رخشانی همسر آسیه

شهدای مجاهد خانواده مرتضائی

- ۱- مجاهد شهید طاهر مرتضائی (پدر) تیرباران
- ۲- مجاهد شهید عبدالله مرتضائی (برادرزاده طاهر) تیرباران
- ۳- ۴۰۳ - خواهرزادگان طاهر، مجاهدین شهید: عفت خراسانی مطلق
- ۴- محمدتقی خراسانی مطلق تیرباران
- ۵- محمود جعفری (همسر عفت) تیرباران

شهدای مجاهد خانواده خسروی

- ۱- مجاهد شهید نسرین خسروی متولد ۱۳۴۱ تیرباران دستگیری ۳۰ خرداد ۶۰
- ۲- مجاهد شهید زرین خسروی متولد ۱۳۳۵ شهادت دی ۶۰ درگیری در پایگاه
- ۳- مجاهد شهید نیره خسروی متولد ۱۳۳۵ شهادت پائیز ۶۱ درگیری در پایگاه
- ۴- مجاهد شهید پروین خسروی متولد ۱۳۴۲ شهادت ۱۸ اردیبهشت ۶۱ درگیری در پایگاه

شهدای مجاهد خانواده امامی

- ۱- مجاهد شهید علی امامی متولد ۱۳۳۹ مرداد ۶۰ دستگیر و ۱۲ شهریور ۶۰ تیرباران
- ۲- مجاهد شهید مرتضی امامی متولد ۱۳۳۰ شهادت ۵ مهر ۶۰ تیرباران
- ۳- مجاهد شهید محمد امامی متولد ۱۳۳۸ شهادت ۲۳ خرداد ۶۱ در جریان درگیری

شهدای مجاهد خانواده ابراهیمیان

- ۱- مجاهد شهید علی ابراهیمیان
- ۲- مجاهد شهید زهرا ابراهیمیان
- ۳- مجاهد شهید کبری ابراهیمیان
- ۴- مجاهد شهید غلامحسین ابراهیمیان

شهدای مجاهد خانواده شکری

- ۱- مجاهد شهید حسن شکری ۲۵ ساله شهادت شهریور ۶۰ حین درگیری با مزدوران در ساری
- ۲- مجاهد شهید قاسم شکری شهادت ۶۰ تیرباران در قائم شهر
- ۳- مجاهد شهید حسین شکری شهادت ۶۰ تیرباران در قائم شهر

شهدای مجاهد خانواده حریری

- ۱- مجاهد شهید مسعود حریری متولد ۱۳۳۳ شهادت مهر ۶۰ در جریان درگیری
- ۲- مجاهد شهید مهری حریری متولد ۱۳۳۷ شهادت آذر ۶۰ در جریان درگیری
- ۳- مجاهد شهید فرح حریری متولد ۱۳۳۵ شهادت تیر ۶۱ در جریان درگیری
- ۴- مجاهد شهید ناصر موسوی (همسر مهری) شهادت آذر ۶۰ در جریان درگیری
- ۵- مجاهد شهید عزت‌الله اشتری (همسر فرح) شهادت تیر ۶۱ در جریان درگیری

شهدای مجاهد خانواده الهی

- ۱- مجاهد شهید نورعلی الهی متولد ۱۳۳۹ شهادت ۲۸ رمضان ۶۰ تیرباران
- ۲- مجاهد شهید حیدرعلی الهی متولد ۱۳۳۴ شهادت دی‌ماه ۶۰ درگیری در پایگاه
- ۳- مجاهد شهید علی اصغر الهی ۱۹ ساله
- ۴- مجاهد شهید فاطمه مهدی‌زاده (الهی) همسر حیدرعلی الهی

شهدای مجاهد خانواده حسینی برزی

- ۱- مجاهد شهید مریم حسینی برزی متولد ۱۳۳۷ شهادت ۶۱/۶/۸ درگیری در جاده کرج
- ۲- مجاهد شهید غنچه حسینی برزی متولد ۱۳۳۶ شهادت ۶۱/۳/۲۳ درگیری با مزدوران رژیم
- ۳- مجاهد شهید شهاب حسینی برزی ۱۶ ساله شهادت سال ۶۰ تیرباران
- ۴- مجاهد شهید سعید حسینی برزی ۲۰ ساله شهادت زیر شکنجه
- ۵- مجاهد شهید محمود آرمین همسر مریم ۲۷ ساله شهادت سال ۶۰ تیرباران
- ۶- مجاهد شهید محمد قربانی (همسر غنچه) شهادت ۲۳ خرداد ۶۱ درگیری در پایگاه

شهدای مجاهد خانواده بقائی

- ۱- مجاهد شهید سودابه بقائی متولد ۱۳۴۳ شهادت ۹ آذر ۶۰ تیرباران
- ۲- مجاهد شهید امیرحسین بقائی متولد ۱۳۳۸ شهادت ۶ مرداد ۶۰ حین یک ماموریت سازمانی
- ۳- مجاهد شهید محمد بقائی متولد ۱۳۳۱ شهادت ۱۳ مهر ۶۰ حین یک ماموریت بوسیله انفجار نارنجک خود در ماشین پاسداران به شهادت رسید.

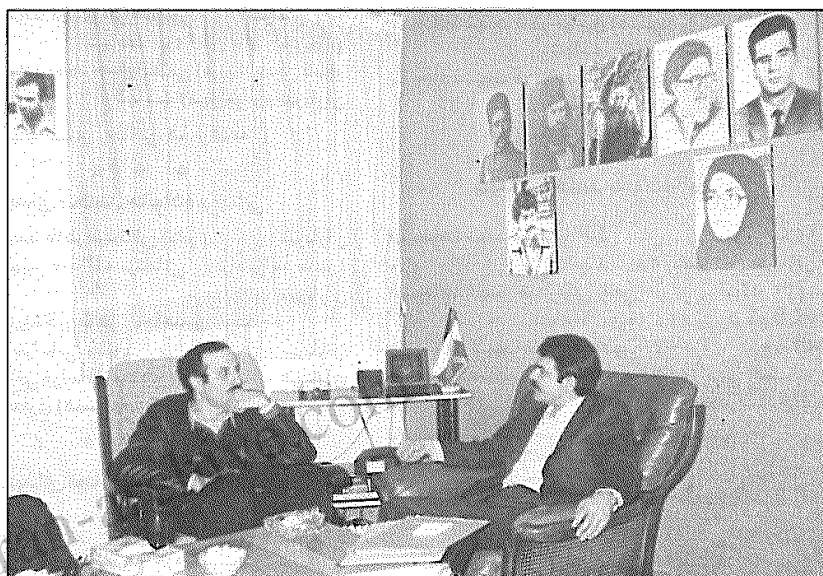
شهدای مجاهد خانواده بزرگان فر

- ۱- مجاهد شهید آراسته قلی‌وند (بزرگان فر) ۵۷ ساله دستگیری و تیرباران ۲۸ آذر ۶۰
- ۲- مجاهد شهید صغری بزرگان فر دستگیری و تیرباران ۲۸ آذر ۶۰
- ۳- مجاهد شهید امیر بزرگان فر شهادت مرداد ۶۱

.....

ملاقات نماینده دبیرکل جبهه ملی لبنان و مسئول روابط خارجی سازمان عمل کمونیستی مستقل با برادر مجاهد مسعود رجوی

و اعلام همبستگی با سازمان مجاهدین خلق
و حمایت از صلح و دموکراسی برای ایران



یکدیگر از استقرار صلح عادلانه
مابین ایران و عراق حمایت
می‌کنیم
سازمان عمل کمونیستی لبنان
از تشکیل دهندگان جبهه ملی
لبنان بشمار می‌رود که رهبر آن
آقای محسن ابراهیم دبیرکل
جبهه ملی لبنان است.
ریاست این جبهه را آقای ولید
جنبللا طبعیده دارد.
در خاتمه این دیدار

تقدیم نموده و ضمن اعلام
همبستگی با سازمان مجاهدین
خلق ایران مواضع سازمان خود
در حمایت از صلح و دموکراسی
برای ایران را بیان کرد.
آقای نصیرالاسد همچنین با
آرزوی اتحاد همه نیروهای
ترقیخواه ایران و اتحاد نیروهای
ترقیخواه منطقه اظهار داشت که
ما با اعتقاد به اصل عدم
مداخله کشورها در امور داخلی

چهارشنبه ۴ اسفند آقای
نصیرالاسد نماینده دبیرکل
جبهه ملی لبنان و عضو دفتر
سیاسی و مسئول روابط خارجی
سازمان عمل کمونیستی مستقل
لبنان، با برادر مجاهد مسعود
رجوی دیدار و پیرامون اوضاع
منطقه تبادل نظر نمود.
در این دیدار آقای نصیرالاسد
سلام‌های آقای محسن ابراهیم
دبیرکل جبهه ملی لبنان را

روزنامه "عکاظ" چاپ عربستان سعودی:
مسعود رجوی بر تهمرد ارتش ایران
علیه رژیم خمینی تاکید می‌کند

عکاظ

□ مسعود رجوی یوگد :

تهدید با جیش ایرانی ضد نظام خمینی

در صفحه ۲

روزنامه لبنانی "الحوادث":

عراق، مجاهدین را مجاز شناخت
که از اسرای ایرانی دیدار کنند

الحوادث

جمعه ۲۱ کانون الثانی (بنابر) ۱۹۸۳

العراق یسبح لمجاهدین خلق بزیارة الاسرى الایرانیین

در صفحه ۲

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان
در باره

تهاجم سنگین پیشمرگه‌های مجاهد خلق به یکی
از مهمترین پایگاههای منطقه سردشت (حمران)
و بهلاکت رسانیدن بیش از ۵۰ تن از پاسداران
و مردوران بسیج ضد خلقی مستقر در این پایگاه

در صفحه ۵

نامه‌های خود را برای "مجاهد"
و همچنین را دیو "صدای مجاهد"
به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان

RM BOX 9090
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND

اتریش

Pf:6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه

B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

برادر مجاهد مسعود رجوی ضمن
تشریح نقطه‌نظرهای مقاومت
ایران درباره صلح و آزادی
مقابلا سلام‌ها و تشکرات
مجاهدین خلق ایران و مقاومت
عادلانه‌ی مردم ایران را به همه
نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه
لبنان تقدیم نمود.

★ ★ ★

کمک‌های مالی خود را به حساب‌های زیر واریز نموده و
حواله‌های آن را به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان

Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code quichet 03002

B.N.P. PONTOISE 1269652

در داخل فرانسه

تصحیح و پوزش:

تاریخ مربوط به
نشریه ۱۴۱ در صفحه
اول آن اشتباه بجای ۵
اسفند ماه، ۵ بهمن ماه
چاپ شده بود ضمن
تصحیح تاریخ فوق از
خوانندگان عزیز نشریه
مجاهد بابت این غلط
چاپی پوزش می‌طلبیم.

باز هم اعدام

در انظار

عمومی مردم

در صفحه ۱۶

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهای بخش عمومی